

تفسیر شریف

صنف دهم



تفسیر شریف - صنف دهم



سرود ملی

د اعزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه پان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زره وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلیري
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



تفسیر شریف

صنف دهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ .ش.

مشخصات کتاب

مضمون: تفسیر

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیه اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپ‌خانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.

پیام وزیر معارف

اقراً باسم ربك

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویدا است، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراها و والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت‌کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت‌پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش‌آموزان خوب و دوست‌داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهیم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم. با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مرفعی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

- درس اول: مفهوم و اهمیت علم تفسیر ۱
- درس دوم: تفسیر سورة الفاتحة ۵
- درس سوم: آغاز وحی با علم و قلم ۱۰
- درس چهارم: تفسیر سورة الإخلاص ۱۵
- درس پنجم: وحدانیت خداوند در ملک و آفرینش ۱۸
- درس ششم: نام‌های نیکوی خداوند ۲۳
- درس هفتم: انسان، یهوده آفریده نشده ۲۸
- درس هشتم: انسان در سایه نعمت‌های الهی ۳۲
- درس نهم: دعوت به سوی خداوند ۳۶
- درس دهم: ایمان و عمل صالح ۴۰
- درس یازدهم: امانت و اهمیت آن در اسلام ۴۳
- درس دوازدهم: مطابقت در گفتار و کردار ۴۷
- درس سیزدهم: فرجام سرپیچی از ذکر خداوند ۵۱
- درس چهاردهم: نیکویی چیست؟ ۵۴
- درس پانزدهم: صلح و اهمیت آن در اسلام ۵۸
- درس شانزدهم: نصایح لقمان حکیم به فرزندش (۱) ۶۲
- درس هفدهم: نصایح لقمان حکیم به فرزندش (۲) ۶۷
- درس هجدهم: خودداری از بدگمانی، غیبت و تجسس ۷۱
- درس نوزدهم: آداب داخل شدن به خانه‌ها ۷۶
- درس بیستم: حرمت شراب نوشی و قماربازی ۸۰
- درس بیست و یکم: امر به عدل و احسان ۸۴
- درس بیست و دوم: حقوق والدین ۸۷
- درس بیست و سوم: حقوق خویشاوندان، مسکینان و مسافران ۹۱
- درس بیست و چهارم: عدالت و مسؤولیت در معاملات ۹۵

مفهوم و اهمیت علم تفسیر

تعریف تفسیر

تفسیر در لغت: بیان نمودن، پدیدارساختن و ظاهر کردن معنا را گویند. در اصطلاح مفسرین: تفسیر، علمی است که به وسیله آن معنای الفاظ قرآن کریم و احکام و حکمت‌های آن دانسته می‌شود.

تاریخ علم تفسیر

تفسیر قرآن کریم، از مهم‌ترین و شریف‌ترین علوم شرعی است که وظیفه آن فهم قرآن کریم، بیان معنی، احکام و حکمت‌های نهفته در آن به اندازه توان انسان می‌باشد.

علم تفسیر، از صدر اسلام آغاز شده و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اولین مفسر قرآن کریم می‌باشد که نظر به ضرورت، آیات زیادی از قرآن مجید را برای صحابه کرام رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ تفسیر فرموده اند.

در زمان صحابه کرام علم تفسیر توسعه یافت و از میان ایشان مفسران بزرگی چون خلفای راشدین، عبد الله بن عباس، عبد الله بن مسعود، اُبی بن کعب رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ و امثال آن‌ها ظهور نمودند.

در عصر تابعین رواج و رونق علم تفسیر بیشتر شد و علمای بزرگی چون حسن بصری، قتاده بن دعامه، عکرمه، مجاهد بن جبر و سعید بن جبیر (رحمهم الله) با تربیه شاگردان زیادی، در مناطق مختلف جهان اسلام خدمات عظیمی به علم تفسیر انجام دادند.

بعد از عصر تابعین تا عصر حاضر، هزاران کتاب در تفسیر و علوم قرآن به زبان عربی و سایر زبان‌ها تالیف شده است که نمایانگر خدمت‌گزاری مخلصانه مسلمانان به کتاب خدا می‌باشد. به اتفاق دانشمندان جهان هیچ کتابی مانند قرآن کریم طرف توجه بشر نبوده و در مورد آن این همه تالیف و تحقیق و تتبع علمی صورت نگرفته است.

از مهم‌ترین کتب تفسیر می‌توان از تفسیر امام طبری، تفسیر شاه پور اسفراینی، تفسیر کشف الأسرار میبدی، تفسیر کشاف زمخشری، تفسیر کبیر امام فخرالدین رازی، تفسیر بیضاوی، تفسیر مدارک التنزیل نسفی، تفسیر ابن کثیر، تفسیر روح المعانی، تفسیر جلالین، تفسیر فی ظلال القرآن، تفسیر تفهیم القرآن، تفسیر معارف القرآن و تفسیر عثمانی مشهور به تفسیر کابلی و غیره نامبرد.

خدمت علمای افغانستان به علم تفسیر

وطن عزیز ما افغانستان، با سابقهٔ درخشان و پر افتخار تاریخی و فکری، گهوارهٔ پرورش عدهٔ زیادی از قرآن‌شناسان و علمای نامدار تفسیر قرآن کریم است که از جملهٔ آنان می‌توان خواجه عبدالله انصاری هروی متوفای سال ۴۸۱ هـ. ابوبکر عتیق سور آبادی هروی متوفای سال ۴۹۴ هـ. امام فخر الدین رازی متوفای سال ۶۰۶ هـ. مولانا حسین واعظ کاشفی متوفای سال ۹۱۱ هـ. مولانا مراد علی کاموی متوفای ۱۲۹۴ هـ. و دانشمند معاصر مولانا سلطان عزیز عزیز را نام گرفت.

اهمیت و جایگاه علم تفسیر

بارز ترین اهمیت علم تفسیر در آن است که ما را در فهم درست قرآن کریم و درک اوامر و نواهی خداوند متعال، کمک می‌کند تا با فهمیدن و عملی نمودن تعلیمات قرآن مجید، به مثابهٔ اساس و بنیاد دین اسلام، به حیث نظام و قانون مکمل زنده‌گی، کنیم و به زنده گی خوشبخت و مطلوب در دنیا و آخرت نایل شویم.

انواع تفسیر

با در نظر داشت وسعت علم تفسیر، وجود شیوه‌های متعدد علمی، تحقیق در معانی و حقایق قرآن کریم و روش‌های مختلف مفسرین، علم تفسیر به انواع متعدد تقسیم می‌شود که بعضی آن را به شرح زیر توضیح می‌دهیم:

۱- **از نظر محتوی و مضمون:** علم تفسیر بر اساس محتوی و مضمون به دو نوع تفسیر نقلی یا تفسیر بالمأثور و تفسیر بالرأی یا تفسیر مبنی بر اجتهاد تقسیم می‌شود.

در تفسیر بالمأثور یا تفسیر نقلی به روایت و نقل صحیح اعتماد می‌شود، که عبارت است از:

- تفسیر قرآن به قرآن؛
- تفسیر قرآن به سنت؛ زیرا که سنت بیان کنندهٔ کتاب خداست؛
- تفسیر قرآن به روایت‌های صحابهٔ کرام؛ زیرا که صحابه رضی الله عنهم از همه مردم به کتاب خداوند جل جلاله دانا ترند.

• تفسیر قرآن به گفتار بزرگان تابعین؛ زیرا که آن‌ها دانش خود را بیشتر از صحابه فرا می‌گرفتند. در واقع، تفسیر مبتنی بر نقل و روایت صحیح، بهترین روش تفسیر به شمار می‌رود؛ زیرا استفاده از قرآن، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اقوال صحابه و فهم علمای تابعین در فهم نصوص قرآن کریم ممد واقع شده باعث نجات انسان از کج فهمی و لغزش در دانستن معانی و مفاهیم این کتاب عظیم الشان می‌گردد.

تفسیر مبتنی بر رأی، آن است که مفسر در بیان نمودن معنای مورد نظر، در روشنی اصول علم تفسیر، قواعد زبان عربی و دیگر علوم شرعی، به فهم ویژه خود اعتماد نموده و احکام و حکمت‌های قرآن را براساس دیدگاه و نظر خویش استنباط کند.

تفسیر مبتنی بر رأی محض: آن است که بر اصلی استوار نباشد و به نام تفسیر بالرأی مذموم یعنی تفسیر عقلی نا پسندیده یاد می‌شود. این نوع تفسیر، حرام بوده و تفسیر قرآن کریم به این شیوه جواز ندارد؛ اما اگر کسی در دایره اصول زبان عربی، تعلیمات شریعت و اصول تفسیر به این روش؛ یعنی با استفاده از رأی و اجتهاد، قرآن را تفسیر کند باکی نیست و از آن به نام تفسیر بالرأی محمود یعنی تفسیر با رأی پسندیده یاد می‌شود.

۲- تفسیر از نظر اسلوب: تفسیر از نظر اسلوب و روش به چهار نوع تقسیم می‌شود: تفسیر تحلیلی، تفسیر موضوعی، تفسیر اجمالی و تفسیر مقایسوی.

در تفسیر تحلیلی، مفسر قرآن به تحلیل همه جانبه نص قرآنی پرداخته ابعاد مختلف آیت را مورد تتبع و تحقیق قرار می‌دهد. در تفسیر موضوعی، مفسر به جمع آوری آیات قرآن در باره یک موضوع مشخص پرداخته آیات مذکور را با شیوه خاص، شرح و تفسیر می‌کند. تفسیر اجمالی، عبارت از بیان و شرح آیات قرآن کریم به شیوه آسان، مختصر و عام فهم و قابل استفاده برای همه مردم است؛ اما در تفسیر مقایسوی، مفسر قرآن به تتبع و تحقیق در اقوال مفسرین دیگر در مورد آیت و یا آیاتی مشخص می‌پردازد.

چگونه‌گی نزول قرآن کریم

نزول قرآن کریم به دو شیوه صورت گرفته است که به صورت مختصر به شرح آن می‌پردازیم:

- ❖ قرآن کریم در بار نخست، به طور مجموعی و به یک باره‌گی، در شب قدر، به (بیت العزة) در آسمان دنیا نازل گردید؛ چنانچه قرآن کریم در سوره «قدر» نیز به آن اشاره نموده و می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» ترجمه: به درستی ما نازل کردیم قرآن را در شب قدر.
- ❖ فرود آمدن قرآن به صورت تدریجی مطابق با نیازها و رویدادها، که اولین آیات آن از سوره (العلق) در غار حراء بر پیامبر ﷺ نازل شد و در مدت بیست و سه سال؛ یعنی تا پیش از وفات پیامبر ﷺ نزول قرآن کریم تکمیل گردید.

فعالیت

معلم شاگردان را به دو گروه تقسیم نموده از آن‌ها بخواهد که هر گروهی نام دو تفسیر را همراه با مفسر آن بنویسند و در باره آن‌ها به صورت مختصر توضیح دهند.



- ۱- معنای تفسیر را شرح نمایید.
- ۲- تفسیر در اصطلاح به کدام علم اطلاق می‌گردد؟
- ۳- تفسیر به چند قسم است، و هر یک دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشند؟
- ۴- حکم تفسیر بالرأی را توضیح بدهید.
- ۵- بعضی از کتاب‌های مهم تفسیر را نام ببرید.
- ۶- نقش علمای افغانستان در تاریخ و تمدن اسلامی را توضیح بدهید.
- ۷- بعضی از علمای بزرگ تفسیر و کتاب‌های شان را نام بگیرید.
- ۸- قرآن کریم چگونه نازل گردیده است؟

تفسیر سوره الفاتحة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۲﴾ مَلِكِ يَوْمِ
 الدِّينِ ﴿۳﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۴﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ
 الْمُسْتَقِيمَ ﴿۵﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا
 الضَّالِّينَ ﴿۶﴾

معنای کلمات

الْحَمْدُ:	ثنا و ستایش
رَبِّ	صاحب، پروردگار، مربی و کارساز
الْعَالَمِينَ:	جمع عالم، یعنی: هر موجودی به جز خداوند متعال
الدِّينِ:	حساب، جزا و پاداش
اهْدِنَا:	ما را راهنمایی کن، و کامیاب و ثابت قدم گردان
الصِّرَاطِ:	جاده و راه
الْمُسْتَقِيمِ:	درست، راست
الْمَغْضُوبِ:	کسانی که مورد غضب قرار گرفتند. (یهود)
الضَّالِّينَ:	گمراهان (نصاری)

ترجمه

حمد و ستایش خدایی را سزااست که پروردگار جهانیان است. آن که بخشایندهٔ مهربان است. (خداوند که) مالک روز جزاست. (پروردگارا!) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم. ما را به راه راست رهنمایی کن؛ راه کسانی که ایشان را شامل نعمت خویش قرار داده‌یی، نه راه کسانی که مورد غضب قرار گرفتند و نه راه گمراهان.

وجه تسمیهٔ سورهٔ فاتحه

سورهٔ فاتحه مکی بوده و به نام فاتحه مسمّا شده است؛ زیرا که قرآن کریم با این سوره آغاز می‌یابد. این نام برای سورهٔ فاتحه در احادیث نبوی ﷺ نیز باز تاب یافته، مانند حدیث پیامبر ﷺ که فرمودند: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^(۱) ترجمه: کسی که سورهٔ فاتحه را نخواند، نمازش صحیح نیست.

نام‌های سورهٔ فاتحه

سورهٔ فاتحه نام‌های زیادی دارد. شماری از مفسرین بیشتر از بیست نام برای سورهٔ فاتحه ذکر نموده‌اند. از آن جمله نام‌های زیر ذکر شده است: الفاتحه، أم القرآن، السبع المثانی، الكنز، الوافیة، الکافیة، سورهٔ دعاء.

تفسیر

خداوند متعال کتاب خویش را با ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ آغاز نموده تا هر مسلمانی بداند که سزاوار نیست کاری را بدون نام خداوند متعال آغاز نمود؛ زیرا هر کاری که بدون نام خداوند ﷻ آغاز یابد ناقص خواهد بود.

اللَّهُ ﷻ اسم خاص است برای معبود بر حق، و به غیر او تعالی اطلاق نمی‌گردد؛ پس تبدیل کردن این نام به تشبیه یا جمع مجاز نیست.

هر دو واژهٔ رحمن و رحیم، از کلمهٔ (رحمت) مشتق شده‌اند. رحمت در حق انسان‌ها به معنای نرمش دل است که صاحب خود را به همدردی و احسان وا می‌دارد. رحمت یکی از صفات خداوند ﷻ می‌باشد که آن را برای خود برگزیده است.

(۱) سنن الکبری للبیهقی.

این سوره با حمد و ستایش الله ﷻ آغاز یافته است و از آنجایی که، حمد عبارت از ستایش زبانی بر صاحب نعمت می‌باشد و منظور از صاحب نعمت، همانا خداوند ﷻ است؛ پس او تعالی مستحق این ستایش است و بس.

از صفاتی که در این سوره برای خداوند متعال ذکر گردیده و او را مستحق این ثنا و ستایش می‌سازد، این است که او تعالی ﴿ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾ است که معنای آن در بالا بیان گردید.

همچنان خداوند ﷻ ﴿ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴾ است. خداوند ﷻ با ذکر این آیت بیان نموده که او در عین حال که پروردگار و مالک تمام مخلوقات است، نسبت به خلق خود (رحمان و رحیم) نیز می‌باشد. به این معنی که او تعالی بخشایندهٔ مهربان است.

همچنان او تعالی ﴿ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴾ است. این سومین صفت الهی ذکر شده، در این مقام می‌باشد. مالک از کلمهٔ ملک (به کسر میم) گرفته شده که معنای در اختیار داشتن چیزی همراه با قدرت تصرف در آن را می‌رساند؛ یعنی؛ خداوند ﷻ مالک و متصرف کامل روز قیامت بوده و حاکمیت و اختیار حساب را در آن روز تنها او خواهد داشت.

پس ذاتی که دارای چنین صفاتی باشد مستحق و سزاوار است که ما پرستش، بنده‌گی، مدد خواستن و دعای خود را منحصر به او بسازیم؛ بنابراین خداوند متعال فرموده که بندهٔ مؤمن به خدا رو آورد و بگوید که: ﴿ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴾ پروردگارا! تنها ترا می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم.

عبادت، آخرین درجهٔ خشوع و فروتنی همراه با احساس محبت قلبی و سپاس‌گزاری، در پیشگاه پروردگار می‌باشد. به هر اندازه‌یی که انسان به عبادت و بنده‌گی خداوند ﷻ رو آورد، به همان اندازه شرف و عزت کمایی می‌کند. اما کمک خواستن نشان بنده‌گی حقیقی به خداوند ﷻ می‌باشد؛ زیرا انسان در برابر قوت و عظمت خداوند ﷻ، احساس ضعف و ناتوانی نموده از او تعالی می‌خواهد تا او را کمک و یاری نماید.

تقدیم مفعول در جمله: ﴿ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴾ دلالت به حصر و تخصیص عبادت و بنده‌گی برای الله ﷻ می‌کند و معنای جمله چنین می‌شود که: (فقط و تنها ترا عبادت می‌کنیم و فقط و تنها از تو یاری می‌طلبیم.) حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنه در تفسیر این آیت فرموده اند: (تنها ترا عبادت می‌کنیم و غیر ترا عبادت نمی‌کنیم.)^(۱) بنا بر این آیت کریمه و سایر آیات قرآن

۱ تفسیر ابي سعود

کریم، همه انواع و مظاهر عبادت مانند سجده، رکوع، نذر، قربانی و ذبح، دعا، استغاثه، طلب کمک و استعانت، خوف، رجاء، توکل و غیره تنها و تنها برای خداوند عَلَّیْهِ السَّلَامُ صورت گرفته باید هیچ چیز و هیچ کس دیگر در آن‌ها با الله عَلَّیْهِ السَّلَامُ شریک ساخته نشود.

﴿ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴾ .

هدایت : عبارت است از رهنمایی همراه با مهربانی، برای رسیدن به مقصد. یکی دیگر از معانی «هدایت» بیان نمودن است. این کلمه، بیشتر در جهت خیر استعمال می‌گردد؛ پس معنای کلی این دو آیت چنین است: پروردگارا! ما را به راه راست که به خیر و سعادت در دنیا و آخرت می‌رساند، رهنمایی فرما، راه آن گروه از بنده گانت که ایشان را شامل نعمت خویش قرار داده‌یی. نه راه کسانی از امت‌های گذشته و یا نسل‌های آینده که به خاطر عملکرد زشت و انحراف و گمراهی‌شان از طریق حق، مورد خشم و غضب تو قرار گرفته اند.

بر اساس اقوال مفسران، و مراد از ﴿ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴾ انبیاء (علیهم السلام)، صدقین، شهداء و صالحین و همه بندگان مؤمن و نیکو کار الله عَلَّیْهِ السَّلَامُ می‌باشد.

مفسران گفته اند: منظور از ﴿ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ ﴾ همان کسانی اند که حق را می‌شناسند و آن را ترک می‌کنند. بنا به قول راجح، منظور از آن‌ها گروه یهود می‌باشد. مراد از ﴿ الضَّالِّينَ ﴾ کسانی اند که حق را نمی‌شناسند که آن‌ها نصرانیان می‌باشند.

فواید و آموختنی‌ها

درس‌ها و عبرت‌های زیر را از آیات مبارکهٔ سورهٔ فاتحه باید آموخت:

- ❖ حمد و ستایش تنها به خداوند متعال منحصر بوده، او تعالی آفریدگار تمام جهان و جهانیان است، و در روز قیامت او تعالی مالک و متصرف می‌باشد و بس.
- ❖ صرف در پیشگاه خداوند متعال خشوع، فروتنی و خاکساری باید داشت و تنها از او کمک باید خواست؛ چنانچه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ» ترجمه: هرگاه چیزی خواهی، از خدا بخواه، و هرگاه کمک طلب نمودی، تنها از خدا کمک طلب نما.
- ❖ تشویق به کردار نیک؛ تا انسان در روز قیامت، در زمرهٔ نیکو کاران برانگیخته شود. و همچنان بیم دادن از راه باطل؛ تا آنکه انسان در روز قیامت، در شمار رونده‌گان راه باطل محسوب نگردد.

فعالیت

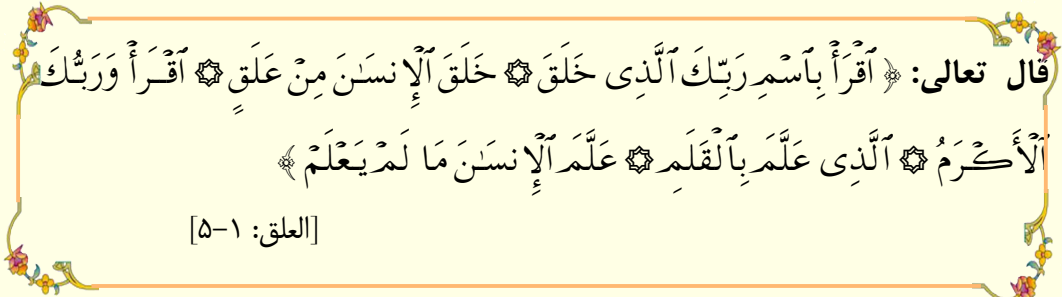
شاگردان به دو دسته تقسیم شوند و هر دسته، علاوه بر سه فایده فوق، دو فایده دیگر را نیز از خلال این سوره مبارک استخراج کنند.



به پرسش‌های زیر جواب بگویید:

- ۱- حکمت آغاز یافتن سوره فاتحه با ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ چیست؟
- ۲- مراد از این قول خداوند ﷻ ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ چی می‌باشد؟
- ۳- از آیه مبارکه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ چه می‌آموزیم؟
- ۴- منظور از ﴿الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ و ﴿الضَّالِّينَ﴾ چه کسانی اند؟
- ۵- معنا و مفهوم هدایت را به گونه مختصر توضیح بدهید.
- ۶- دو فایده از فوایدی که در سوره فاتحه نهفته است بیان دارید.

آغاز وحی با علم و قلم



معنای کلمات

بخوان به نام پروردگارت

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ

خون بسته؛ مرحله دوم از مراحل خلقت انسان

عَلَقٍ

توسط قلم انسان را نوشتن و تدوین آموخت

عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

ترجمه

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، همان کسی که انسان را از خون بسته خلق کرد، بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود.

شأن نزول آیات

امام احمد بن حنبل رحمته الله و شیخین (بخاری و مسلم رحمهم الله) به روایت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها در باره شأن نزول این سوره گفته اند: «آغاز وحی بر رسول الله صلی الله علیه و آله طوری بود که، پیامبر صلی الله علیه و آله نخست رؤیای صادق (راستین) می دید. هر خوابی که پیامبر صلی الله علیه و آله می دید مانند روشنائی صبح راست می آمد، سپس رسول خداوند متعال به تنها نشینی روی آورد و تنهایی برایش خوش آیند می نمود. آنحضرت صلی الله علیه و آله به غار حرا می رفت و شبهای تاقی را در غار حرا در خلوت و نیایش سپری می کرد و سپس به خانواده خود بر می گشت و توشه تهیه نموده دو باره به خلوت گاه می رفت، باز به نزد همسرش خدیجه رضی الله عنها می آمد و توشه می گرفت.

در حالی که پیامبر ﷺ در غار حرا بود فرشته‌یی بر او ظاهر شد و گفت: بخوان. او گفت: من خواننده نیستم. پیامبر ﷺ گفت: پس مرا سخت فشرد و سپس رهایم نمود و گفت: بخوان. گفتیم: من خواننده نیستم. پس دو باره مرا سخت فشرد و باز رهایم نمود و گفت: بخوان. گفتیم: من خواننده نیستم. باز مرا برای بار سوم سخت فشرد و رهایم نمود و گفت: ﴿**أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**

﴿ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿ عَلَّمَ

الْإِنْسَانَ مَا يَعْلَمَ لَمْ ﴾ .

ترجمه: بخوان به نام پروردگارت که آفریده است؛ پروردگاری که آدمی را از خون بسته آفریده. بخوان و پروردگارت از همه بزرگوارتر است؛ آن که به وسیله قلم آموخت. به انسان، آنچه را آموخت که نمی‌دانست.

تفسیر

چگونگی آغاز وحی

این آیت ها، اولین آیت های قرآن کریم اند که با نازل شدن آنها نبوت حضرت محمد ﷺ آغاز یافته است. این آیت های را جبرئیل علیه السلام بر پیامبر ﷺ در حالی فرود آورد که در غار حرا در اثنای مناجات قرار داشت. وحی خداوند ﷻ بر پیامبر ﷺ به کلمه امر: ﴿**اقْرَأْ**﴾ نازل گردید. این آیت ها در حالی نازل گردید که پیامبر ﷺ خواندن را نمی‌دانست؛ اما جبرئیل علیه السلام امر خود را به قول (بخوان) ادامه می‌داد، که در این امر اهمیت و منزلت علم و معرفت نهفته است؛ زیرا مهم‌ترین راه علم آموزی (خواندن) است، و معنای ﴿**أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ**﴾ این است که به نام و به حکم پروردگارت بخوان؛ پس دانسته شد که قرائت و خواندن یک دستور الهی است.

دلالت‌های روشن این آیات

نص آیات قرآنی، دلالت دارد که بایستی قرائت و خواندن تو، به نام پروردگارت باشد؛ پس مسلمانان باید تمام علوم و فنون را به نام پروردگار و برای کسب رضای او تعالی بیاموزند. دلالت دیگر آیت های مبارک این است که خداوند ﷻ بر زبان پیامبرش، در حالی که خواننده نبود، قرآن معجز را جاری گردانید. پس باید دانست، آن ذاتی که هستی را آفریده، بر این هم قادر است که توان قرائت و خواندن را بیافریند.

عظمت پروردگار در آفرینش انسان از علقه (خون بسته) بیان گردیده. این نشانه قدرت او تعالی است که انسان را به مراتب بلند رسانیده و دروازه‌های دانش را به رویش گشوده است؛ زیرا که او پروردگار کریم و مهربان است.

خواندن و نوشتن بزرگترین بخشش‌های الهی

از مهمترین بخشش‌ها و نعمت‌های الهی بعد از نعمت خلق و آفرینش، علم است؛ همچنان از بخشش‌های او تعالی برای انسان این است که توسط قلم، علم و دانش را تعلیم داد؛ این ماده جامد را وسیله معرفت گردانید، و از آن این همه کتاب‌هایی را بار آورد که نسل‌های انسانی یکی بعد دیگری به دست می‌آورند و از آن می‌آموزند.

در تکریم و اهمیت قلم، خواندن و نوشتن، همین بس است که در قرآن کریم سوره کاملی به نام (سوره القلم) نازل گردیده که در آن، الله ﷻ به قلم و آنچه توسط آن نوشته می‌شود سوگند یاد نموده است. قلم وسیله آموختن، نشر علم و معرفت بوده و در ایجاد پیشرفت‌ها و تمدن بشری نقش بسیار مهم و اساسی دارد. آغاز نزول نخستین آیت‌های وحی بر رسول اکرم ﷺ دال بر این است که دین اسلام جایگاه بس بلند و عظیمی را برای علم دانش، خواندن و نوشتن قایل می‌باشد.

نسل‌های پیشین مسلمانان با درک همین حقیقت، و با الهام گرفتن از این آیت‌های متبرکه و سائر آیت‌های قرآنی و احادیث نبوی به طرف علم و دانش روی آورده در زمان نه چندان دراز، تمدن بزرگ اسلامی را که یکی از مهم‌ترین تمدن‌های بشری است اساس نهادند. کتب، آثار علمی و اکتشافات و اختراعات علمای مسلمان در رشته‌های مختلف علم و معرفت از چنان اهمیت بزرگی برخوردار اند که تا امروز در مراکز علمی دنیا، از جمله کشورهای غربی تدریس گردیده از آن‌ها استفاده می‌شود.

برتری انسان بر سایر آفریده گان

ملاحظه می‌گردد که او تعالی نخست خلقت و آفرینش را به طور مطلق ذکر نموده است تا همه مخلوقات را در بر گیرد؛ سپس انسان را نسبت برتری و شگفتی خلقت و فطرتش خاص و مکرم گردانیده، و آیت‌های خود را بر وی فرود آورده است.

خواندن و نوشتن دو وسیله مهم کسب معرفت

در آیات ذیل خداوند متعال خواندن را با نوشتن پیوست ذکر نموده است: ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ یعنی انسان را با قلم آموزش داد که این یک نعمت بزرگ خداوند ﷻ و وسیله تفاهم میان انسان ها است. هرگاه نوشتن نمی بود، علوم نابود می گردید و اثری از دین باقی نمی ماند، زنده گی قوام نمی یافت و نظم و قانونی بر پا نمی شد؛ زیرا نوشتن است که علوم، معارف و اخبار را ثبت می کند، اخبار گذشته گان را درج نموده و وسیله انتقال علوم در میان انسان ها و ملت ها، به این ترتیب اطلاعات و دانستنی ها دست به دست گردیده و بر آن افزوده می شود و به مشیت خداوند، مدنیت ها بار می آیند و افکار رشد و ترقی می کند.

فواید و آموختنی ها

از آیات مبارک بالا، درس ها و فواید ذیل را می توان آموخت:

- ❖ خداوند متعال، به پیامبر خود و به مسلمانان دستور می دهد که قرآن را به نام پروردگار بخوانند.
- ❖ منبع و مصدر علم و دانش خداوند ﷻ است، و او تعالی است که به انسان توان فراگیری علم را نصیب می کند.
- ❖ نوشتن در حفظ، نگهداری و انتقال علم و دانش نقش سازنده و اساسی دارد. هیچ علمی بدون نوشتن پایدار و محفوظ باقی نمی ماند.
- ❖ دین اسلام دین علم است، و بهترین گواه این است که اولین آیت های که بر پیامبر ﷺ نازل گردیده به فراگیری علم دعوت نموده است.
- ❖ از نشانه های لطف و مهربانی خداوند ﷻ برای انسان آن است که به وی علم آموخته و از بی سوادی نجاتش داده است.
- ❖ حصول علم و دانش، باید به نام خداوند کریم و مهربان و برای کسب رضای او تعالی باشد.
- ❖ قلم، یکی از نعمت های خداوند ﷻ و از مهم ترین ابتکارات و اختراعات در زنده گی بشر به شمار می رود.
- ❖ خواندن، نوشتن و فرا گیری علم و معرفت، یک اصل قرآنی و وجیبه دینی مسلمان بوده و تهداب تمدن اسلامی را تشکیل می دهد.
- ❖ حرمت قلم و کتاب و احترام اهل قلم؛ یعنی بزرگداشت جایگاه علما و دانشمندان از مشخصات جامعه اسلامی و وجایب شرعی مسلمانان به شمار می رود.

فعالیت

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند. یک گروه در بارهٔ فواید خواندن و گروه دیگری در بارهٔ فواید نوشتن بحث کنند، و نقش هردو را در زنده‌گی انسان و پیشرفت تمدن‌ها توضیح بدهند.



به سؤال‌های زیر جواب ارائه نمایید:

- ۱- چرا سورهٔ «علق» به این نام شهرت یافته است؟
- ۲- معنا و مفهوم (علق) را روشن سازید.
- ۳- در این قول خداوند ﷻ (إقرأ) مخاطب کیست؟
- ۴- شأن نزول این آیات چگونه است؟
- ۵- در لابه لای این آیات چه دلالت‌هایی نهفته است؟
- ۶- یکی از رازهای قدرت الهی در آفرینش، از آیات خوانده شده کشف نمایید.
- ۷- آموزه‌ها و فواید عمدهٔ این آیات چیست؟
- ۸- چرا اهل قلم و دانشمندان باید در جامعهٔ اسلامی مورد احترام و تقدیر قرار بگیرند؟



در روشنی آیت‌های تفسیر شده پیرامون اهمیت قلم، خواندن و نوشتن در ایجاد تمدن‌ها، مقاله‌یی بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.

تفسیر سورهٔ الإخلاص

قال تعالی: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿۳﴾
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿۴﴾﴾

معنای کلمات

أَحَدٌ یکتاست

الصَّمَدُ ذات بی نیاز از همه و همه به او نیازمند

كُفُوًا مثل، مانند و همتا

ترجمه

بگو او الله ﷻ یکتا است. الله ﷻ بی نیاز است. نه کسی را زاده است و نه از کسی زاده شده. و هیچ یکی همانند و همتای او نیست.

تفسیر

این سوره، ما را در شناخت خداوند متعال کمک نموده و آگاهی مان را در بارهٔ صفات او تعالی بیشتر می‌سازد.

خداوند ﷻ به پیامبر خود امر می‌کند که بگوید، خداوند ﷻ یکتا و در صفاتش یگانه است. او تعالی ذات بی نیاز است که به کسی محتاج نیست و کسی به بزرگی و قدرت او نمی‌رسد و در برابر حکم و فرمان او مقابله نمی‌تواند. خداوند ﷻ ذاتی است که بنده‌گان، نیازهای شان را از او می‌طلبند و در برآورده ساختن خواسته‌ها و مشکلات شان به او رو می‌آورند. خداوند ﷻ ذات بزرگی است که کسی را نزاده است و کسی هم از او زاده نشده است. با دانستن این صفات الهی، باید گفت که او تعالی ذاتی یکتا و بی همتا است.

در جمله **﴿لَمْ يَكِدْ﴾** موجودیت فرزند برای خداوند ﷻ نفی گردیده، ادعای مشرکان، که اعتقاد و ادعای نصرانی‌ها که می‌گفتند: عیسی علیه السلام، پسر خداوند داشتند فرشتگان دختران خداوند ﷻ اند و همچنان عقیده یهود که عزیر علیه السلام، را پسر خداوند ﷻ می‌خواندند رد گردیده است ﷻ است، بی اساس قرار داده شده است.

در جمله **﴿وَلَمْ يُولَدْ﴾** وجود پدر برای خداوند منتفی و باطل خوانده شده است.

سوره اخلاص، این اصل را ثابت می‌کند که هیچ یکی از مخلوقات خداوند ﷻ با او همتایی و برابری کرده نمی‌تواند، و هیچ چیزی در ذات، صفات و افعال خداوند ﷻ با او تعالی همسان نمی‌باشد. این امر وجود همسر را برای خداوند ﷻ منتفی ساخته و زعم و پندار مشرکان عرب را باطل اعلام می‌دارد که برای خداوند ﷻ در افعالش شریک و همتا قایل بودند و فرشته گان و بتان را شریک او تعالی می‌ساختند.

مقام و منزلت سوره اخلاص

پیامبر اسلام ﷺ در مورد فضیلت سوره اخلاص، در یک حدیثی که انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده فرموده است: **« قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تَعَدَّلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ »**^(۱) یعنی: سوره اخلاص یا **﴿ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴾** با یک سوم قرآن مساوی است زیرا این سوره، ما را به پروردگار مان آشنا ساخته است. این سوره ما را به سوی توحید رهنمایی می‌کند. قرآن کریم به طور عمده از سه مضمون مرکزی بحث می‌نماید که عبارتند از: توحید، رسالت و معاد (آخرت). در آیات قرآنی و احادیث نبوی، مطالب زیادی وجود دارد که با معانی و مفاهیم این سوره شباهت داشته و این مفاهیم را تأکید و روشن می‌سازند.

نکته

علما با توجه به ترجمه و تفسیر سوره اخلاص و (الکوثر) می‌گویند: سوره اخلاص در حق خداوند ﷻ مانند سوره «الکوثر» در حق پیغمبر ﷺ است. چون مشرکین پیامبر خداوند متعال را به سبب نداشتن پسر طعن می‌دادند؛ اما برای خداوند ﷻ شریک و فرزند قایل بودند؛ چنانچه آن‌ها نداشتن فرزند را برای انسان، عیب و نقص می‌پنداشتند؛ بنابراین خداوند متعال در سوره الکوثر از رسول خود به طور مستقیم دفاع نموده فرمود: **﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾** ما به تو کوثر و یا خیر بزرگی

(۱) المعجم الكبير للطبرانی

داده ایم و آن گونه که بد خواهان تو می‌پندارند، ناقص و ابتر نیستی. به همین ترتیب؛ چون داشتن فرزند برای الله تعالی عیب و نقص است؛ لذا خداوند متعال به پیامبر ﷺ امر نمود که: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ بگو: الله ﷻ یکتا است، تا اینکه توهم داشتن شریک و فرزند از خداوند متعال برطرف گردد.

فواید و آموختنی‌ها

از لابه لای آیات مبارک سورهٔ اخلاص، چیزهای زیادی می‌آموزیم که در زیر به برخی از آن اشاره می‌نماییم:

❖ خداوند ﷻ در ذات، صفات و افعال خود یگانه است و هیچ چیزی با او شریک و همسان نیست.

❖ خداوند ﷻ کسی را نزاده، و از کسی زاده نشده است.

❖ خدای متعال، از تمام مخلوقات و موجودات بی‌نیاز است و همهٔ مخلوقات به او نیاز دارند.

❖ در سورهٔ مبارک اخلاص بر عقیدهٔ مشرکین که ملائکه را دختران خداوند می‌پنداشتند، و بر عقیدهٔ یهود که یکی از پیامبران؛ یعنی عزیر علی‌ه السلام را فرزند خداوند ﷻ می‌دانستند و بر عقیدهٔ تثلیث نصارا که حضرت عیسی علی‌ه السلام را پسر خداوند ﷻ می‌دانند خط بطلان کشیده شده است؛ همچنان درین سوره، بی‌همتایی ذات الله متعال و منزّه بودن او ﷻ از هر عیب و نقص با وضاحت تمام بیان شده است.

❖ سورهٔ اخلاص را سورهٔ توحید نیز می‌گویند؛ زیرا موضوع اساسی و محور این سوره اثبات توحید ذات باری تعالی است.



به پرسش‌های زیر پاسخ بگویید:

۱- معنای کلمات و جمله‌های زیر را توضیح دهید.

(اللَّهُ أَحَدٌ - اللَّهُ الصَّمَدُ - وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)

۲- فضیلت و منزلت سورهٔ اخلاص را در روشنائی یک حدیث نبوی توضیح دهید.

۳- موضوع اساسی سورهٔ اخلاص چیست؟

۴- در سورهٔ اخلاص، عقائد باطلهٔ کدام گروه مردم، دربارهٔ خداوند ﷻ



راجع به مقام و منزلت سورهٔ اخلاص و فواید این سوره یک مقاله بنویسید، و در مقالهٔ خود به آیات و احادیث نبوی استدلال نمایید.

وحدانیت خداوند عز وجل در ملک و آفرینش

قال تعالی: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَلَمِينَ نَذِيرًا ﴿۱﴾
 الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ
 فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ﴿۲﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا
 يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا
 يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ﴿۳﴾ [الفرقان: ۱-۳]

معنای کلمات

تَبَارَكَ: با برکت، صاحب خیر و برکت است

الْفُرْقَان: قرآن، فرق کننده میان حق و باطل

عَلَى عَبْدِهِ: بر بنده خود، بر پیامبر خود صلی الله علیه و آله

الْعَلَمِينَ: آفریده گان، انس و جن

نَذِيرًا: بیم دهنده

فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا: هر چیزی را کامل و نیکو آفرید، و آنرا آراسته ساخت

نُشُورًا: بر انگیختن بعد از مرگ، روز قیامت

ترجمه

بزرگوار و با برکت است ذاتی که فرقان (فرق کننده میان حق و باطل) را بر بنده خود نازل فرمود تا جهانیان را (از خداوند عَلَيْهِ السَّلَام) ترساننده باشد. آن ذاتی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و هرگز فرزندی نگرفته و شریکی نیست او را در پادشاهی همه موجودات را او خلق کرده؛ سپس حد، قدر و شکل هر چیز را معین فرموده است. و (کافران) غیر او (غیر خداوند عَلَيْهِ السَّلَام) را به خدایی بر گرفتند، حال آنکه آن معبودان هیچ چیزی نتوانند آفرید و خودشان هم مخلوق اند، نه بر نفع و ضرر خود قادرند و نه امر مرگ و زنده‌گی و برانگیختن (دو باره زنده ساختن) به دست آن‌ها است.

تفسیر

سوره مبارک الفرقان، از جمله سوره‌هایی است که در مکه معظمه نازل شده و موضوعات اساسی آن را بیان توحید، ابطال عقائد مشرکین، تأکید بر فضائل و اخلاق نیکو و نهی از افعال زشت تشکیل می‌دهد.

آیات بالا که در آغاز سوره شریفه قرار دارند بر محور بیان توحید الله متعال، اثبات رسالت حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بیان بطلان عقاید و پندارهای مشرکین می‌چرخد.

عمومیت رسالت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سوره مبارکه، با ستایش الله متعال و اینکه ذات خداوندی بزرگوار و با برکت و مصدر همه انواع خیر است آغاز می‌شود. برکت عبارت است از نمو و زیادت حسی و معنوی و کثرت خیر و دوام آن. از مظاهر این برکت و خیر، فرستادن قرآن بر بنده و پیامبرش محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد که آن را جدا کننده میان حق و باطل گردانیده است.

در این آیه کریمه، از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به لفظ (عبده) یعنی بنده او تعالی یاد شده که یک نوع تکریم و تشریف در حق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. در جاهای دیگر قرآن کریم نیز از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مقام تشریف و تکریم با لفظ (عبد) و اضافه آن به الله عَلَيْهِ السَّلَام یاد شده است. مانند آیت اول سوره مبارک (الإسراء) که خداوند متعال فرموده است: **﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾** و آیت نخستین سوره مبارک (الکهف) که فرموده: **﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾**.

علمای تفسیر می‌گویند که ذکر رسول اکرم ﷺ به تعبیر (عبده) یعنی بنده الله دو معنای مهم را افاده می‌کند:

۱- حضرت محمد ﷺ مخلوق و بنده خداوند ﷻ است و خداوند متعال جناب ایشان را به مقام عالی رسالت و نبوت برگزیده است. درینجا اشاره است بر باطل بودن عقاید نصارا که حضرت عیسی علیه السلام را که مخلوق و بنده خداوند است، خدا می‌پندارند؛ در حالی که بنده و مخلوق، هیچ‌گاه مستحق پرستش و عبادت نیست.

۲- یک نوع این تعبیر تکریم و تشریف در حق رسول الله ﷺ است؛ زیرا الله متعال او را بنده خود خطاب فرموده است.

خداوند متعال قرآن را بر بنده خود محمد ﷺ فرستاده تا آخرین پیام آور خداوند ﷻ برای جهان و جهانیان بوده باشد، و مردمان را انداز کند؛ همچنان کسانی را که از ایمان به او و پیروی‌اش سر باز زنند از عذاب جهنم بیم دهد. این امر دلالت روشن و آشکار بر عمومیت رسالت پیامبر اسلام ﷺ برای همه عالمیان به شمول انس و جن می‌باشد.

دلایل وحدانیت خداوند ﷻ در کاینات

خداوند ﷻ مالک و صاحب ملک و هستی است و متصرف هر چیزی در آسمان‌ها و زمین می‌باشد. او تعالی بی‌نیاز است و به کمک و همکاری در تدبیر و اداره مخلوقاتش نیاز ندارد؛ ازینرو او تعالی به فرزند و همتا احتیاجی ندارد تا او را در امور مملکتش یاری رسانند.

همچنان او تعالی یگانه خالق و آفریده‌گار همه چیز در آسمان‌ها و زمین است؛ زیرا هر آنچه غیر او تعالی است مخلوق است، و مخلوق ضعیف و عاجز بوده محتاج به خالق آفریده‌گار قوی می‌باشد.

خداوند ﷻ خلقت و آفرینش هر چیزی را به وجه نیکو و شایسته گردانیده و شکل و صورت آن را گوارا آفریده و برای آن، آنچه مناسب باشد مهیا ساخته تا وظیفه خود را به صورت درست انجام بدهد.

مشرکان به وحدانیت خداوند ﷻ ایمان نیاوردند، و او تعالی را به یگانه‌گی پرستش نکردند؛ بلکه برای او همتا و شریک ساخته، غیر او تعالی را همراه با او پرستش نمودند، حال آنکه غیر از او معبود دیگری نیست؛ چنانچه خداوند تعالی در قرآن کریم فرموده است:

﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا﴾ ﴿٢٠﴾

ترجمه: این معبودان مخلوقات عاجز و محتاج هستند؛ چیزی را خلق کرده نمی‌توانند، و نفع و ضرری نمی‌رسانند؛ زیرا نفع و ضرر، خاص از جانب خداوند ﷻ است؛ همچنین این معبودان خود ساخته، قادر به موت و زنده‌گی کسی نمی‌باشند؛ بلکه خود آن‌ها می‌میرند و خداوند ﷻ طوریکه خواسته باشد آن‌ها را نابود می‌سازد.

همچنان این معبودان قادر نخواهند بود در روز قیامت کسی را زنده کنند؛ زیرا تنها خدا زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس تنها او تعالی مستحق عبادت است.

وقتی که این معبودان ساخته شده با چنین عاجزی و ناتوانی باشند، هرگز سزاوار عبادت نیستند؛ بلکه تنها و تنها خدایی و معبودیت مر خدای واحد و یگانه راست که غیر او هیچ معبود و خدایی نیست.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکه از این قرار است:

- ❖ فرقان از نام‌های قرآن است؛ زیرا خیر، شر حق و باطل را جدا ساخته است.
- ❖ خداوند ﷻ قرآن را بر بنده و پیامبر خود محمد ﷺ فرستاده است.
- ❖ خداوند متعال پیامبر خود محمد ﷺ را به عنوان خاتم پیامبران ﷺ و برای همه جهانیان (انس و جن) فرستاده است.
- ❖ آن ذاتی که مالک و متصرف آسمان‌ها و زمین است همان خدای یکتا و بی‌نیاز است و تنها او مستحق پرستش است.
- ❖ خداوند ﷻ، آفریننده و پروردگار آسمان‌ها و زمین است، او فرزند و همتایی ندارد.
- ❖ تنها خداوند ﷻ، خالق و آفریننده است، و او تعالی هر چیزی را آفریده و خلقت آن را کامل و مناسب گردانیده است.
- ❖ مشرکان، کافران و زیان‌کارانند؛ زیرا آن‌ها به خداوند ﷻ شریک ساختند، و غیر او را به خدایی و معبودی برگزیدند.
- ❖ خدایان و معبودان باطل، قدرت و توانایی چیزی را ندارند، و نفع و ضرر نمی‌رسانند؛ زیرا همه امور به قدرت خداوند متعال است.

سوالها

به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

- ۱- چرا سوره فرقان به این اسم یاد می‌شود؟
- ۲- چرا قرآن به نام (فرقان) مسما گردیده است؟
- ۳- از آیه مبارک اول این درس دلیلی مبنی بر اینکه رسالت محمد ﷺ عمومیت دارد و همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد ارائه نمایید.
- ۴- معنای این قول خداوند ﷻ ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ را توضیح دهید.
- ۵- از آیه مبارک سوم این درس پنج چیز را استخراج نمایید که خدایان و معبودان باطل از داشتن آن عاجز و ناتوانند.
- ۶- چرا در مقام تشریف و تکریم از رسول الله ﷺ در قرآن به لفظ (عبده) یاد می‌شود؟



خلاصه آنچه را که در این درس خواندید در ده سطر در کتابچه خود درج نمایید.

نامهای نیکوی خداوند ﷻ

قال تعالی: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۴﴾ [الحشر: ۲۲-۲۴]

معنای کلمات

آنچه از احساس و درک ما پوشیده است، مانند جنت، دوزخ، فرشتگان و غیره.	الْغَيْبُ:
آنچه قابل مشاهده و ادراک است، مانند کوه ها، ستارگان و امثال آن.	الشَّهَادَةُ:
مالک و متصرف همه چیز	الْمَلِكُ:
پاک و منزّه از آنچه سزاوار او تعالی نیست	الْقُدُّوسُ:
تصدیق کننده پیامبران با تأیید و معجزات	الْمُؤْمِنُ:
مراقب و نگهدارنده هر چیزی	الْمُهَيْمِنُ:
قوی و غالب	الْعَزِيزُ:
بزرگ و قوی که هیچ کسی بر او غلبه نداشته باشد	الْجَبَّارُ:
عالی و بلند، آن طور که سزاوار اوست	الْمُتَكَبِّرُ:
از نو پیدا کننده موجودات.	الْبَارِئُ:
ترکیب کننده اشیاء با هیأت و صورت شان	الْمُصَوِّرُ:
نامهای نیکو، بهترین نامها	الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ:

ترجمه

اوست خدای یکتایی که غیر از او خدایی نیست، دانای نهان و آشکار عالم است. اوست بخشنده و مهربان، اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست، سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص و آلیش، منزّه از هر عیب و ناشایست، ایمنی بخش دل‌های هراسان، نگهبان جهان و جهانیان، غالب و قاهر بر همه آفریده گان، با جبروت و با عظمت، بزرگوار و برتر است. زهی منزّه و پاک خدای یکتا که از هر چه بر او شریک پندارند منزّه و مبراست. اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و جهانیان، نگارنده صورت مخلوقات، او را نام‌های نیکو بسیار است؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه به تسبیح و ستایش او مشغول اند و اوست یکتا و یگانه، خدای مقتدر حکیم.

تفسیر

بهترین نام‌های خداوند ﷻ

در این آیات سه‌گانه نام‌های خداوند متعال شمارش یافته اند، که بسیار کم واقع گردیده که در یک سوره به طور پیهم نام‌های او تعالی به این گونه شمارش یافته باشند. در سه آیت اخیر این سوره قرآنی به تعداد هفده نام، از نام‌های نیکوی خداوند ﷻ (أَسْمَاءُ اللَّهِ الْحُسْنَى) ذکر گردیده است.

آیت‌های مبارک با تأکید وحدانیت خداوند ﷻ یعنی شعار ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ آغاز گردیده، تأکید نموده که تنها او تعالی است که غیب و شهادت، پیدا و پنهان را می‌داند. یعنی آنچه از ما غایب و پوشیده است، و آنچه هویدا است خداوند ﷻ آن را خوب می‌داند. او تعالی بخشاینده و نهایت مهربان است، رحمت او تعالی بی پایان است و همه چیز را فرا گرفته. آیات قرآنی دوباره تأکید می‌نماید که او تعالی واحد و یگانه است.

سپس آیات مبارک مجموعه‌یی از اسمای حسنی خداوند ﷻ را با اصل توحید و یگانه‌گی او تعالی پیوست نموده می‌فرماید که او تعالی مالک پادشاهی چی است که غیر او کسی صاحب ملک و پادشاهی نیست. او تعالی منزّه است از هر عیب، پاک از هر نقص و میرا از همه آنچه است که سزاوار خدایی او نباشد. مفسرین گفته اند که ورود لفظ (قدوس) بعد از اسم (ملک) اشاره به این امر است که اگرچه خداوند متعال مالک و پادشاه و متصرف همه چیز است؛ اما تصرف او تعالی مانند تصرف ملوک و پادشاهان مغرور و ظالم روی زمین نیست؛ بلکه تصرف و مالکیت پروردگار در ملک و مخلوقاتش کامل و از هرگونه ظلم و عیب و نقص پاک و منزّه است.

عظمت و کبریا خاصه خداوند است

او تعالی ایمنی و سلامتی برای اولیای خویش است. او تعالی تصدیق کننده و امان دهنده پیامبران خود است. او تعالی جبار با شکوه و با شأن و عظمت و صاحب کبریای بزرگ است. صفات (جبار و متکبر) برای خداوند ﷻ مدح و ستایش او تعالی است؛ اما این دو صفت برای غیر خداوند ﷻ ذم و قباحت و زشتی است. پیامبر ﷺ در حدیث قدسی از پروردگار خود روایت نموده که خداوند متعال فرمود: «الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعِظَمَةُ إِزَارِي فَمَنْ نَازَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا أَلْفَيْتُهُ فِي النَّارِ»^(۱) ترجمه: کبریا عبای من، و بزرگی و عظمت ازار من است؛ پس هر کسی که در یکی از این دو، با من همتایی کند وی را (نابود خواهم کرد) و در آتش جهنم خواهم انداخت.

او تعالی خالق و آفریننده یی است که هستی را از عدم ایجاد نموده است. او تعالی صورتگر و نگارنده همه چیز است؛ همه مخلوقات و آفریده گان را با هیأت و صورت خاص آفریده. این معبود یکتا و بزرگ متصف به اسمای حسنا و نیکوست که خود را به آن مسما نموده است، و پیامبرش او تعالی را به این نامهای مبارک خوانده است؛ همچنان این سوره چنانچه به تسبیح و حمد خداوند ﷻ شروع گردیده، به تسبیح و ستایش او تعالی پایان یافته است؛ که آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح و ثنای او گویند، و او تعالی بزرگ و با حکمت است.

اثر نامهای نیکوی خداوند ﷻ در زنده گی انسان

أسماء الله الحسنى یا نامهای نیکوی خداوند ﷻ بهترین وسیله شناخت الله ﷻ است؛ زیرا انسان در دنیا قابلیت و توان دیدن ذات خداوند ﷻ را ندارد؛ بنابر آن آن چه خداوند متعال خود در وصف خویش در قرآن بیان فرموده، و آنچه در احادیث صحیح رسول الله ﷺ از صفات الهی ذکر شده است تنها راه درست و موثق شناخت صفات ذات پروردگار می باشد. از همین سبب است که اسماء و صفات الهی توقیفی؛ یعنی ثابت و متوقف به نصوص قرآن و سنت بوده کمی و بیشی در آنها بر اساس اجتهاد و تخمین جواز ندارد.

دانستن اسماء الله الحسنى و تفکر در آنها تاثیر بسیار مهمی در زنده گی و سرنوشت انسان دارد که برخی از آنها را مختصر ذکر می نمایم:

۱. دانستن معنا و مفهوم نامهای نیکوی خداوند ﷻ باعث می شود تا شناخت انسان از ذات باری تعالی بیشتر و عمیق تر شود، که این کار سبب تقرب بیشتر انسان به خداوند ﷻ و زیاد شدن محبت او تعالی در قلب و ترسیخ خوف از قهر و عذاب الهی در نفس می شود و نتیجه آن به شکل زیادت

(۱) مسند عبدالله بن عباس

اعمال نیکو و اجتناب از اعمال بد، گناهان، و مفسد در زنده‌گی فردی و اجتماعی انسان‌ها ظاهر می‌شود.

۲- الله متعال در آیت دیگری فرموده است: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰] یعنی الله ﷻ دارای نام‌های نیکو است، او را؛ آن نام‌های نیکو بخوانید. به این معنی که وقتی که از الله ﷻ چیزی می‌خواهید نام مناسب با حاجت‌تان را یاد نموده حاجت‌تانرا بخواهید؛ مثال بگویید: یا رازق ارزقنی؛ یعنی ای روزی دهنده به من رزق و روزی بده، و یا شافی اشفنی؛ یعنی ای شفا دهنده به من شفا نصیب کن، و یا غفور اغفرلی؛ یعنی ای آمرزنده من را بیامرز.

۳- در حدیث صحیح روایت شده است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ...»^(۱)

یعنی خداوند ﷻ دارای نود و نه اسم است، هرکسی که آن‌ها را حفظ نموده معانی آن‌ها را بداند و بر اساس آن‌ها عمل کند به جنت داخل می‌شود.

فعالیت

هر شاگرد نام‌های خداوند ﷻ را که در غیر این سوره ذکر گردیده، جستجو نماید و آنرا در کتابچه خود درج کند.

فواید و آموختنی‌ها

- برخی از فواید و آموختنی‌های آیت‌های مبارک این درس قرار زیر است.
- ❖ این آیت‌های مبارک، از عظیم‌ترین آیات قرآنی است که خداوند متعال و صفات او را برای ما معرفی نموده است.
- ❖ آیت‌های مبارک فوق‌اهمیت بیاد آوردن اسمای حسناى خداوند ﷻ را با یقین و ایمان به آن به ما تعلیم می‌دهد.
- ❖ بر ماست تا خداوند ﷻ را با اسماء و صفاتش بشناسیم، و او تعالی را به آن بخوانیم.
- ❖ دانستن اسماء الله الحسنی، معرفت صفات خداوند ﷻ، تأمل و تفکر در اسماء و صفات الله و بالآخره عمل کردن مطابق آن‌ها تاثیر مستقیم و بزرگی در زنده‌گی فردی و اجتماعی انسان‌ها داشته و سبب می‌شود تا جامعه به طرف خیر، فلاح و نجات از مفسد مادی و معنوی حرکت نماید.

سوالها

به سؤال‌های زیر جواب بدهید:

- ۱- هفده نام از نام‌های حسناى خداوند ﷻ را که سوره الحشر ذکر نموده، بشمارید.
- ۲- رابطه و مناسبت شروع و ختم سوره (الحشر) را توضیح بدهید.
- ۳- فرق میان پادشاهی خداوند متعال بالای مخلوقاتش، و پادشاهی دیگر پادشاهان روی زمین چیست؟
- ۴- نسبت دادن صفت‌های جبار و متکبر به خداوند ﷻ، و نسبت به مخلوقات چه فرق دارند؟
- ۵- چگونه می‌توانیم با تاثیر پذیری از نام‌های نیکو و صفات خداوند ﷻ در زنده‌گی فردی و اجتماعی خویش تغییر مثبت و مفید ایجاد نماییم؟



راجع به (أسماء الله الحسنى) یا نام‌های نیکوی خداوند ﷻ و ثواب یاد نمودن و تأثیر عملی آن‌ها در زندگی، یک مقاله کوتاه بنویسید و در مورد، با احادیث نبوی استدلال نمایید.

انسان بیهوده آفریده نشده

قال تعالی: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۵﴾
 فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۶﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ
 اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
 الْكَافِرُونَ ﴿۱۱۷﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿۱۱۸﴾

[المؤمنون: ۱۱۵-۱۱۸]

معنای کلمات

عَبَثًا:

بیهوده، بدون فایده

فَتَعَالَى اللَّهُ:

پس خداوند از هر نوع بیهوده گی و نقص پاک و منزّه است

الْمَلِكُ الْحَقُّ:

خداوند مالک و متصرف بر حق است

يَدْعُ:

عبادت می کند، و به کمک می خواند

بُرْهَانَ:

دلیل و حجت

ترجمه

آیا چنین پنداشتید که ما شما را بیهوده و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید؟! پس خدای برحق که مالک (همه چیز است)، برتر از آن است که (چیزی را بیهوده بیافریند). هیچ خدایی جز همان پروردگار عرش مبارک نیست. و هرکس غیر خداوند ﷻ چیزی و یا کسی دیگر را به خدایی خواند، که هیچ دلیلی بر آن ندارد، حساب کار او نزد پروردگارش می‌باشد.

البته کافران را فلاح و رستگاری نیست. و بگو بار خدایا! بیمارز و بیخشای و تو بهترین بخشنده گان عالم هستی.

تفسیر

خداوند متعال کافران را مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: آیا گمان می‌کنید که ما شما را باطل و بیهوده آفریدیم؟ نه، چنین نیست؛ بلکه ما شما را برای پرستش و تهذیب و آموزش و بر پا نمودن اوامر الهی آفریده ایم. و آیا گمان نمودید که بعد از مرگ دو باره برای حساب و جزا بر انگيخته نخواهید شد؟

خداوند متعال پاک و منزّه از آن است که چیزی را بدون حکمت بیافریند، او خدای یکتاست، و هیچ معبودی جز او نیست، خالق و آفریننده‌ی غیر از او نیست، و او تعالی پروردگار عرش کریم است. در آیه مبارک، عرش به صفت «کریم» موصوف گردیده؛ زیرا که این صفت را از پروردگار «اکرم الأکرمین» نصیب گردیده است؛ سپس خداوند متعال بر آنانی که به او نسبت فرزند داده و یا شریک و همتا قایل گردیده اند با تهدید و توبیخ خطاب نموده می‌فرماید: و هر آنکه غیر خداوند ﷻ چیزی و یا کسی دیگر را به خدایی بخواند که هیچ دلیلی بر آن ندارد حساب کار او نزد خدای اوست؛ البته کار او را فلاح و رستگاری نیست.

این تهدید عظیمی است برای کسانی که به خداوند ﷻ شریک قایل شده، چیزهای دیگری را یکجا با خداوند ﷻ عبادت می‌نمایند، در حالی که برای این کار خود، دلیل و برهانی ندارند؛ پس خداوند ﷻ آنان را به عذاب سخت و درد ناک خود تهدید نموده که چنین اشخاص هرگز به کامیابی نخواهند رسید؛ بلکه باز گشت‌شان به سوی جهنم، ذلت، خواری و خسران خواهد بود.

زیان کافران و رستگاری مؤمنان

آیات فوق که خاتمه سوره (المؤمنون) است با تأکید بر عدم کامیابی و رستگاری کافران خاتمه یافته، در مقابل کامیابی و رستگاری مؤمنان تضمین گردیده است که در آغاز این سوره نیز به آن تأکید شده بود، تا آنکه تفاوت و اختلاف آشکار میان هر دو گروه را تثبیت و بر ملا سازد. به این ترتیب خداوند متعال پیامبر گرامی خود و امت او را تعلیم می‌دهد که برای طلب مغفرت و رحمت تنها به او رجوع نمایند؛ زیرا که او تعالی بهترین مغفرت کننده گان و بهترین رحم کننده گان است.

بخاری، مسلم، ترمذی و ابن حبان از ابوبکر رضی الله عنه روایت نموده اند که به پیامبر بزرگوار اسلام عرض نمود: ای رسول خداوند متعال، دعایی به من بیاموز تا با آن در نماز خود دعا کنم، پیامبر ﷺ به وی ارشاد فرمود که بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُرْ

لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ»^(۱) بار خدایا، من بر نفس خود ظلم زیاد نموده‌ام، و حقا که جز تو کسی بخشاینده گناهان نیست؛ پس مرا بیامرز به آمرزشی از نزد خود، و بر من رحم کن، همانا تو آمرزنده مهربان استی.

قرآن کریم، شفا است

مفسرین کرام گفته اند که دو آیهٔ اخیر این سوره از آیات شفا می‌باشند. ابن ابی حاتم از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت نموده که عبدالله بن مسعود رضی الله عنه به مرد مریضی گذشت، و در گوش وی آیهٔ ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا...﴾ راتا ختم سوره خواند، پس شخص مریض شفا یافت، من این امر را به نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یاد نمودم، پیامبر صلی الله علیه و آله به عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گفت: (بماذا قراءت فی أذنه؟) در گوش آن شخص چی خواندی؟ وی ما جرا را به پیامبر خدا بیان نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا مُوقِنًا قَرَأَهَا عَلَى جَبَلٍ لَزَالَ» قسم به ذاتی که نفس من در دست قدرت اوست، هرگاه شخصی با یقین این آیات را بر کوهی بخواند، کوه نابود خواهد شد!

آنچه در اینجا تعیین کننده و مهم است ایمان خواننده یقین و صفای او است؛ هم چنان استعداد و قابلیت مریض نسبت به تداوی و معالجه با قرآن کریم می‌باشد.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌هایی که از آیات فوق گرفته می‌شود قرار ذیل اند :

❖ خداوند متعال انسان را بیهوده و بدون مقصد و حکمت نیافریده بلکه او تعالی انسان‌ها را برای انجام مسؤولیت بزرگ و معینی خلق نموده که عبارت از اظهار عبودیت و زنده‌گی کردن بر اساس نظام و قانون الهی می‌باشد خداوند متعال درین مورد می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶] ترجمه : من جن و انس را تنها برای عبادت خود خلق کرده‌ام.

درینجا باید توجه داشت که عبادت بر اساس تعریف مفسرین عبارت است از (کل ما یجبه الله و یرضاه من الأقوال و الأفعال) یعنی هر قول و فعلی که خداوند صلی الله علیه و آله آنرا دوست داشته و به آن راضی می‌شود عبادت است، بناء میتوان گفت که دائرهٔ عبادت بسیار وسیع بوده تمام اعمال نیکو را در بر میگیرد و فقط در ارکان اسلام و شعائر مشهور دین مانند نماز، روزه، حج و زکات خلاصه نمی‌شود.

(۱) صحیح بخاری حدیث ۸۱۱، صحیح مسلم حدیث ۴۹۸۳ و السنن الصغری، ج ۱، ص ۱۵۳

بر مسلمان لازم است تا تمام حیات خویش را در تمام ابعاد و عرصه‌ها چی کوچک و چی بزرگ در عبادت الله متعال؛ یعنی پیروی و اطاعت از نظام و قانون او سپری نماید و زنده‌گی و مرگش برای خداوند ﷻ باشد. همین مطلب و مفهوم در آیت دیگری از قرآن کریم چنین شیوا و رسا بیان شده است: ﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...﴾ [الأُنعام: ۱۶۲] ترجمه: بگو ای

محمد ﷺ که بدون شک نماز، قربانی، زنده‌گی و مرگ من برای الله، پروردگار عالمیان است. امام ترمذی گفته است: «خداوند متعال مخلوقات را به حیث بنده‌گان خود آفریده تا او را عبادت کنند، و خود آن‌ها را در مقابل عبادت‌شان ثواب و پاداش دهد و یا در مقابل ترک عبادت مجازات نماید؛ پس هرگاه انسان‌ها خداوند ﷻ را عبادت نمودند، ایشان به عنوان بنده‌گان آزاده و با کرامت از برده‌گی دنیا آزاد اند، و در دار پر امن آخرت، پادشاهان خواهند بود. اما اگر از عبودیت او تعالی سر باز زنند، ایشان برده‌گان فراری سرکش و بد سرشت بوده، و فردا در روز قیامت به حیث دشمنان زندانی آویخته بر طبقه‌های آتش خواهند بود.

❖ بدون شک کوتاه نظری و جهالت و کودنی انسان خواهد بود اگر مانند مادی‌گرایان چنین گمان برد که همین دار دنیا همه چیز است، و به خدا و دار آخرت برگشت نخواهد بود، تا به انسان‌ها مطابق عملکردشان پاداش داده شود.

❖ آنانکه به خداوند ﷻ شریک می‌آورند، در این کار هیچ‌گونه دلیل و برهانی ندارند بنا بر آن مستحق عذاب می‌باشند.



از آیات قرآنی برای موارد زیر دلیل بیاورید:

- ۱- خداوند متعال مخلوقات را عبث و بیهوده خلق نکرده است.
- ۲- عرش به خاطر نسبتش با پروردگار به صفت کریم موصوف گردیده است.
- ۳- مستحب بودن دعا برای مغفرت و رحمت.
- ۴- قرآن کریم شفا دهنده است در این مورد حدیث نبوی را بیان نمایید.
- ۵- زنده‌گی انسان در تمام عرصه‌ها باید تابع قانون و نظام خداوندی باشد.



پیرامون موضوع (چگونه یک زنده‌گی هدفمند و با رسالت داشته باشیم؟) مقاله ای بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

انسان در سایه نعمت‌های الهی

قال تعالی: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿۳۲﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿۳۳﴾ وَءَاتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿۳۴﴾﴾

[ابراهیم: ۳۲-۳۴]

معنای کلمات

سَخَّرَ: رام ساخت، آسان نمود

دَائِبِينَ: حرکت دوامدار و پی در پی

لَا تُحْصُوهُآ: آن را شمرده نتوانید

ترجمه

خداوند ﷻ آن ذاتی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و آب را از آسمان فرو بارید تا بدان انواع ثمرات و حبوبات را برای روزی شما برآورد، و کشتی‌ها را مسخر شما کرد تا به امر او به روی آب دریا روان شود و نهرها را به روی زمین به اختیار شما جاری گردانید. و خورشید و ماه گردنده و شب و روز را برای شما مسخر کرد. و از انواع نعمت‌هایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود. و اگر بشمارید نعمت‌های خدا را، شمار نتوانید کرد آن را. به تحقیق انسان سخت ستمگر و ناسپاس است.

تفسیر

مظاهر نعمت‌های خداوند ﷻ

خداوند متعال، در این آیات نعمت‌های خود بر بنده گانش را بیان نموده است و به دلایل وجود و علایم قدرت خود اشاره می‌نماید و این نعمت‌ها را برای انسان شناسایی می‌کند. خداوند ﷻ آسمان‌ها و زمین را از عدم آفرید، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین دلایل قدرت و نشانه‌های عظمت خود را آشکار ساخت.

او تعالی باران را از ابرها فرود آورد و ذریعه آن انواع و اصناف نباتات را با رنگ‌های گوناگون، حجم‌ها مختلف، مزه‌های متنوع و منافع گوناگون رویانید تا انسان‌ها از آن روزی بگیرند و در وجوه مختلف از آن بهره‌مند گردند.

خداوند متعال برای شما کشتی‌ها را رام گردانید تا به امر او تعالی در بحر حرکت نمایند. به این معنا که ساختن کشتی را برای شما آموخت و استعمال آن را برای تان آسان گردانید، و باد را فرستاد تا به جهتی که می‌خواستید به مشیت و توفیق او تعالی سیر و حرکت نمایید. خداوند متعال آن ذاتی است که دریاها را در زمین جاری ساخت تا از آب آن بنوشید و در آبیاری زمین‌ها و دیگر نیازهای خود بهره‌برداری نمایید.

آیه مبارک در این درس با اسم ذات خداوند ﷻ، یعنی لفظ (الله ﷻ) آغاز گردیده که این اسلوب قرآنی احساس بیم و هراس در برابر ذات بی‌نیاز را در قلب‌ها بیدار می‌سازد، و توجه مشرکان را به وجوب ایمان به خداوند متعال جلب می‌نماید.

دوران مه و خورشید

این آیات ما را به معرفت و شناسایی خداوند متوجه نموده بیان می‌کند که او تعالی ذاتی است که برای بنده گانش آفتاب و مهتاب را، در دوران حرکت‌شان و به خاطر منفعت رسانیدن برای انسان و زنده‌گی در روی زمین، مسخر گردانیده است؛ چنانچه شب و روز را در رفت و آمد پیهم و انجام نقش و وظایف‌شان در تسخیر ما قرار داده، تا در هنگام روز از فضل خداوند ﷻ روزی بخواهیم و منافع و نیازهای زنده‌گی خود را برآورده سازیم، و در هنگام شب به استراحت پردازیم و تجدید قوا کنیم، چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ۖ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ

مَعَاشًا﴾ [النبا: ۱۰-۱۱] ترجمه: شب را لباس و ستر گردانیدیم، و روز روشن را برای تحصیل معاش‌تان مقرر داشتیم.

و همچنان فرموده است: ﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾. [ابراهیم: ۳۴] ترجمه: و از انواع نعمت‌هایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود. و اگر نعمت‌های خداوند ﷻ را بخواهید که به شمار آورید هرگز حساب آن را نتوانید کرد. قطعاً انسان سخت ستمگر و ناسپاس است.

نعمت‌های بی پایان و ناسپاسی انسان

آیات کریمه، انسان‌ها را مخاطب ساخته بیان می‌دارد که خداوند ﷻ به فضل خویش هر آنچه از او خواستید به شما عطا نمود تا نفع برید و امور زنده‌گی خود را سامان بخشید؛ همچنان چیزهای زیادی که از او نخواستید بودید برایتان ارزانی فرمود؛ زیرا او تعالی از آنچه به خیر شماست نیک آگاه است. یقیناً که نعمت‌های خداوند ﷻ بی شمار اند، و اگر خواسته باشید نعمت‌های او را بشمارید و یا مقدار آن را معلوم نمایید؛ هرگز چنین کاری انجام داده نمی‌توانید؛ اما انسان بر خودش ستم روا می‌دارد و پاس نعمت‌های پروردگار خود نگه نمی‌دارد و در شکر گزاری این نعمت‌ها کوتاهی می‌ورزد و چه بسا که این نعمت‌ها را در غیر محل آن؛ یعنی در راه معصیت پروردگار منعم و صاحب نعمت استعمال می‌نماید.

فعالیت

شاگردان در بارهٔ فواید شب و روز و دوران مه و خورشید معلومات ارائه نمایند.

فواید و آموختنی‌ها

- در آیات مبارک بالا فوق درس‌ها و فوایدی نهفته است که مختصر بدان می‌پردازیم:
- ❖ خداوند متعال بنده‌گانش را با افعال خویش آشنا می‌سازد و نعمت‌های خود را به ایشان معرفی و شناسایی می‌نماید.
- ❖ نعمت‌های خداوند ﷻ برای انسان‌ها چنان فراوان اند که هیچ کس توانایی شمارش آن‌ها را ندارد.
- ❖ بر انسان است تا در برابر نعمت‌های الهی کفران نورزد، و غفلت نکند.
- ❖ اگر انسانی نعمت‌های خداوند ﷻ را در راه پیروی پروردگارش به کار نبرد، در حقیقت در حق خودش ستم روا داشته است.

❖ باید دانست که شکر نعمت تنها به زبان نیست. ارتکاب گناهان و سرپیچی از اوامر خداوندی بدترین و واضح‌ترین شکل کفران نعمت بوده، در حالی که اطاعت از اوامر الهی و انجام اعمال نیک خوب‌ترین صورت ادای شکر نعمت‌های خداوند عز و جل می‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

- ۱- به نظر شما چرا خداوند عز و جل شب و روز را آفریده است؟
- ۲- فایده‌های تغییر و تبدیل شب و روز را بیان کنید.
- ۳- آیت‌های قرآنی با لفظ «الله عز و جل» آغاز یافته است، چه فایده‌یی را در پی دارد؟
- ۴- مظاهر قدرت الهی را در به دوران آوردن مه و خورشید بیان کنید.
- ۵- نعمت‌های ذکر شده در آیات فوق را بشمارید

دعوت به سوی خداوند ﷻ

قال تعالى: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۳۳﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿۳۴﴾ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿۳۵﴾

[فصلت: ۳۳ - ۳۵]

معنای کلمات

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: بدی را با نیکی و به روش خوبتر پاسخ بده

وَلِيٌّ حَمِيمٌ: دوست نزدیک، اقارب

مَا يُلْقِيهَا: این صفت نیکو را کمایی نمی کند

ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ: دارنده بخت خجسته و بزرگ

ترجمه

چه کسی بهتر است به اعتبار سخن از آن کس که به سوی خدا خواند و کار نیک انجام داد و گفت که من از فرمان برداران و تسلیم شونده گان (به خداوند ﷻ) استم؟ و هرگز نیکی و بدی باهم یکسان نیستند؛ همیشه بدی را به بهترین شیوه دور کن (پاداش بده) تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است بهترین دوست تو گردد؛ و لیکن به این مقام بلند کسی رسیده نمی تواند جز آنان که شکیبایی اختیار نمایند و از بخت نیک و حصه بزرگ برخوردار باشند.

تفسیر

عبدالله بن عباس رضی الله عنه گفته است که مصداق این قول خداوند ﷻ: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ

دَعَا...﴾ پیامبر ﷺ است که به سوی خداوند ﷻ فراخواند و صادقانه عمل نمود و دین اسلام را به

عنوان هدیه الهی باقی گذاشت. در روایتی دیگر از ابن عباس رضی الله عنه نقل گردیده که مراد از این آیت اصحاب و یاران پیامبر خداوند متعال می‌باشند.

در باره نزول آیه ﴿فَإِذَا الْآذَىٰ بَيْنَكَ..﴾ مفسرین گفته اند که این آیت در باره ابو سفیان بن

حرب نازل گردیده، که دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر پیامبر ﷺ بود، اما سر انجام دوست و همکار پیامبر خداوند متعال گردید.

بهترین سخن

آیت های فوق داشتن سه صفت برجسته را نشانه بهترین سخن برای یک انسان معرفی نموده است:

- کسی که به توحید و یگانه‌گی خداوند ﷻ و طاعت و عبادت او تعالی دعوت می‌کند.
- کسی که به اعمال شایسته و نیکویی که خداوند ﷻ به آن امر نموده التزام و پابندی داشته، و از محرمات دوری گزیند.
- کسی که با مسلمانان صالح و نیکوکار هم‌نشین باشد، و با آنان با دوستی و محبت همکاری نموده از آنان دفاع نماید.

دعوت به سوی خداوند ﷻ یک وجبیه شرعی

دین اسلام، آخرین رسالت و نظام خداوند متعال برای بشریت است. رساندن این دین به دیگران و ترغیب مردم به طرف تعلیمات، احکام و ارزش‌های اسلام از راه دعوت ممکن می‌باشد. دعوت به سوی الله ﷻ یک وجبیه شرعی است و دارای اصول و قواعدی است که از قرآن کریم و سنت قولی و عملی رسول الله ﷺ استنباط شده است.

هر مسلمان اعم از مرد وزن مکلف است تا به اندازه توان و علم خویش در رساندن دین اسلام به دیگران تلاش نماید. در قرآن مجید آیت های زیادی در باره دعوت و روش‌های آن وجود دارد، درین آیت ها تأکید شده است که دعوت به سوی دین باید با نرمی، اخلاق نیک، پند و نصیحت نیکو، و گفتگو و محاوره به طریقه خوب انجام شود. به طور مثال: الله متعال به امام و پیشوای دعوتگران؛ یعنی حضرت پیامبر اکرم ﷺ امر فرموده است که:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ [النحل: ۱۲۵] ترجمه: بخوان به سوی راه پروردگار خود با حکمت و اندرز نیکو، و مجادله (محاوره و گفتگو) کن با آنان به طریقه نیک و پسندیده.

آداب دعوت‌گری در راه خداوند ﷺ

بعد از بیان اصول و اساسات دعوت به سوی خداوند ﷺ، و تحکیم رابطه میان بنده و پروردگارش، خداوند متعال آداب دعوت‌گران و برقراری روابط نیک میان بنده‌گان خداوند ﷺ را بیان نموده می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿۸۱﴾ وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿۸۲﴾﴾

ترجمه: دعوت‌گران به سوی خداوند ﷺ بهترین مردمان اند؛ پس بر ایشان لازم است تا روابطشان را با مردم نیکو بسازند، در برابر آزار و اذیت دیگران صبر و شکیبایی نمایند و بدی‌ها را با نیک‌ی و احسان پاسخ بگویند. خداوند متعال بیان نموده که گفتار و کردار نیک و بد برابر نیستند؛ زیرا خداوند ﷺ از گفتار و کردار نیک راضی بوده و صاحبان آنرا پاداش نیک می‌دهد. خداوند متعال گفتار و کردار زشت و ناپسند را بد می‌بیند و صاحبان آن را مجازات می‌کند؛ بنا براین، بر مؤمن دعوت‌کننده لازم است که بدی‌های مردم را با نیک‌ی جواب بگوید، و در مقابل بدی با نیک‌ی رفتار نماید که این امر برای او سزاوارتر است و با فضیلت و برتری او سازگاری دارد.

هرگاه دعوت‌کننده به سوی خداوند ﷺ، بدی را با احسان و نیک‌ی جواب بدهد، و گناه و زشتی دیگران را با بخشش و برده باری دفع نماید، در حقیقت دوستی مردم را کسب نموده بد بینی و کینه‌توزی ایشان را دور می‌سازد، و دشمنش به دوست مخلص و صادقی برای وی مبدل می‌گردد. این خصلت بزرگ، کسانی را میسر است که در مقابل نفس‌های خود مجاهدت نموده و در برابر خشم و غضب و آزار و اذیت دیگران صبر و شکیبایی نشان می‌دهند؛ همچنان این اوصاف و خصلت‌های نیکو را تنها کسانی نصیب می‌گردند که در دنیا از سعادت و خوشبختی بهره‌مند بوده و برای اعمال نیک و کسب اجر و ثواب سعی و تلاش می‌ورزند.

ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر آیه ﴿وَمَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا...﴾ گفته است: خداوند متعال مؤمنان را به صبر و شکیبایی در هنگام خشم و غضب، حلم و بردباری در برابر جهل، عفو و بخشش در مقابل بدی امر نموده است؛ هرگاه چنین کاری را انجام دهند، خداوند ﷺ ایشان را از شر شیطان حفظ می‌کند و دشمن‌شان را برای‌شان فرمانبردار ساخته به دوست نزدیک و همکار مبدل می‌گرداند.

فعالیت

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، و بعد از مشوره با همدیگر، یک شاگرد به نمایندگی از گروه خود، روش پاسخ‌گویی در مقابل بدی را تشریح نماید؛ سپس گروه دومی گفته‌های گروه اول را نقد کنند.

فواید و آموختنی‌ها

از آیت‌ها مبارک این درس، فواید زیر را باید آموخت:

- ❖ در دنیا هیچ کسی بهتر و برتر از دعوت‌گران به سوی خداوند ﷻ نیست، ایشان میان ایمان، عمل و دعوت جمع نموده‌اند.
- ❖ بر مؤمن است تا ایمان خود را ظاهر سازد و آن را اعلام نماید، و در مناسبات و تجمعات با داشتن ایمان خود احساس عزت و افتخار کند؛ این خود بهترین دعوت است.
- ❖ از آنجایی که خوبی با بدی یکسان نیست؛ پس بر مؤمن است تا نیکی را انتخاب کند، و بدی را با نیکی پاسخ بگوید.
- ❖ احسان و نیکی با دیگران، تحمل برخورد زشت ایشان، سرانجام آن‌ها را به دوستان راستین و همکاران خوب مبدل می‌سازد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

- ۱- سه صفت را که در آیه مبارک نشانه بهترین انسان‌ها در گفتار، ذکر گردیده بیرون نموده توضیح دهید؟
- ۲- چرا نیکی با بدی برابر نیست؟ نیکی بر انسان نیکوکار چه تأثیر دارد، و بدی در انسان بد کار چه اثراتی می‌گذارد؟
- ۳- احسان به دشمنان و پاداش دادن بدی‌های ایشان چی بار می‌آورد؟
- ۴- از آیت‌های مبارک طریقه و روش مقابله بدی با نیکی را استنباط نمایید.



یک مقاله در باره روش‌های تأثیرگذاری در مردم و آداب دعوت‌گری در یک صفحه بنویسید.

ایمان و عمل صالح

قال تعالى: ﴿وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾﴾

معنای کلمات

سوگند به وقت و زمان، نماز عصر و یا وقت نماز عصر

وَالْعَصْرِ:

و یکدیگر را به حق توصیه نمودند

وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ:

ترجمه

سوگند به عصر، انسان در زیان است، مگر آنانی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند و همدیگر خویش را به حق گویی و شکیبایی سفارش کردند.

تفسیر

خداوند ﷻ به زمان سوگند یاد کرده و تأکید نموده که انسان در زیان است، مگر کسانی که در ادامه این آیت ها مستثنی قرار گرفته اند.

راز سوگند خداوند ﷻ به زمان

اینکه خداوند متعال به زمان سوگند یاد می کند، نشان دهنده آن است که زمان در نزد الله تعالی از اهمیت و شرف بلندی برخوردار است. پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا تَسْبُوا الدَّهْرَ، فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الدَّهْرُ»^(۱) ترجمه: دهر و یا زمان را دشنام ندهید؛ زیرا که خداوند ﷻ دهر و یا زمان است به این معنی که خداوند ﷻ گرداننده و متصرف زمان می باشد.^(۲)

معنای دیگر عصر

برخی از مفسران گفته اند: مراد از عصر، نماز عصر و یا وقت نماز عصر است. نظر به این سخن اهمیت، شرف و فضیلت نماز عصر ثابت می گردد. و به همین دلیل بسیاری از علماء ﴿وَالصَّلَاةِ﴾^(۳) «نماز میانه» را به نماز عصر تفسیر نموده اند.

(۱) صحیح مسلم، والسنن الکبری للبیهقی.

(۲) شرح نووی بر صحیح مسلم، کتاب الألفاظ من الأدب و غیرها.

به نظر بعضی از علماء، در این آیت اشاره به آن است که عمر باقی مانده دنیا مانند مدت میان عصر و مغرب کوتاه است.

پس بر انسان است تا این مدت زمان کوتاه را که سرمایه نهایت با ارزش است در تجارتی به مصرف برساند که زیان نداشته باشد؛ زیرا این مدت زمان بسیار کوتاهی است و آنچه فوت می‌گردد دوباره به دست نخواهد آمد.

نجات یابنده‌گان از زیان

بعد از آن که راجع به انسان و سرنوشت او حکم عمومی صورت گرفت و انسان زیان‌مند قلمداد گردید، خداوند متعال مؤمنان مخلص را از این حکم عمومی استثنا نموده فرمود: ﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ تفسیر: کسانی که میان ایمان به خداوند ﷻ و کردار نیکو جمع نمایند، هرگز زبانی نخواهند دید؛ زیرا که آن‌ها برای روز آخرت کار می‌کنند و دل بسته‌گی‌های دنیا ایشان را از کار برای آخرت باز نمی‌دارد؛ چون آن‌ها با قلب‌های خویش ایمان آورده اند، و به مقتضای این ایمان عمل نموده اند. همچنان کسان دیگری که از زیان مستثنی شده اند آنانی اند که یکدیگر خویش را به تمسک و التزام به حق ثابت و انکار ناپذیر سفارش و رهنمایی نمودند که آن ایمان به خداوند ﷻ و توحید او تعالی است.

باید گفت که حق در مقابل باطل قرار دارد و همه نیکی‌ها به آن را در بر می‌گیرد مانند: توحید خداوند ﷻ، فرمانبرداری از اوامر او تعالی، پیروی کتاب‌ها و پیامبران خداوند متعال و برتر دانستن آخرت بر دنیا.

همچنان خداوند متعال کسانی را از خسران و زیان مستثنا گردانیده که یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها در مسیر انجام دادن طاعتها، یا خود داری از گناهان، صبر و شکیبایی در مقابل آزمایش‌ها و آن چه برای انسان در زنده‌گانی دنیا می‌رسد، توصیه و رهنمایی می‌کنند. البته کلمه صبر در بر گیرنده تحمل طاعات، دوری از کردار زشت، تحمل مصیبت‌ها و آنچه انسان در راه خداوند ﷻ و انجام امر به معروف و نهی از منکر متحمل می‌گردد، می‌باشد. پس نجات یابنده‌گان از خسران و زیان به چهار صفت زیر متصف می‌باشند که این چهار صفت عبارت اند از: ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و توصیه به صبر.

مقام و منزلت سوره العصر

سوره مبارک «العصر»، با داشتن سه آیت، برنامه کامل زنده‌گی بشر را در کلمات و جملات کوتاه ترسیم نموده، حقیقت و وظیفه امت اسلامی را در آیه سومی بیان نموده است. امام شافعی رحمته در

بارۀ اهمیت این سوره فرموده است: «اگر از قرآن چیزی جز سوره (العصر) نازل نمی‌گردید، برای انسان‌ها بسنده بود.

نکته

از عبیدالله بن حفص روایت شده که فرمود: وقتی دو تن از اصحاب پیامبر ﷺ با یکدیگر رو به رو می‌شدند و ملاقات می‌نمودند، قبل از آنکه از همدیگر جدا شوند یکی بر دیگری سوره (العصر) را تا اخیر تلاوت می‌نمود و آنگاه با تقدیم سلام از یکدیگر جدا می‌شدند.

فواید و آموختنی‌ها

- ❖ وقت و زمان، در زنده‌گی انسان از اهمیت بلندی برخوردار است که نباید هیچ لحظه‌یی از لحظات آن را ضایع کرد.
- ❖ انسان‌ها به طور عموم در زیانند، جز آنانی که ایمان آورده و اعمال نیک انجام دهند و تمسک و التزام به حق داشته و توصیه به صبر می‌کنند.
- ❖ هر مؤمن مسلمان به حق گویی و تبلیغ دین خدا مکلف است و باید از دین خدا پاسداری نماید.
- ❖ مسلمانان مکلف اند یکدیگر را به طاعت خداوند متعال، صبر و شکیبایی در برابر کشش‌های نفسانی و گناه، تسلیم شدن به قضا و قدر در هنگام مصیبت‌ها و آزمایش‌ها توصیه و سفارش نمایند.



به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱- معنای (العصر) چیست؟
- ۲- اسباب و عوامل خسران و زبانی که به انسان می‌رسد چیست؟
- ۳- معنای جمله‌های زیر را توضیح دهید:
و تواصوا بالحق
و تواصوا بالصبر
- ۴- چهار نوع انسانی را که نظر به سوره (العصر) از زیان و خسران در امان استند توضیح دهید.
- ۵- امام شافعی رحمته الله در بارۀ اهمیت سوره «العصر» چه گفته است؟
- ۶- از سوره «العصر» چه درس‌ها و اندرزهایی را به دست می‌توان آورد؟



هر شاگرد راجع به اسباب نجات انسان یک مقاله بنویسد که از یک صفحه کمتر نباشد.

امانت و اهمیت آن در اسلام

قال تعالی: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن نَنزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾ [النساء: ٥٨-٥٩]

معنای کلمات

الْأَمَانَاتِ: امانت‌ها (نگهداری چیزی به قصد بر گرداندن آن به صاحب)

الْعَدْلِ: انصاف، رساندن حق به صاحب آن.

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ: حکم آن را در کتاب خداوند ﷺ و سنت پیامبر ﷺ جستجو کنید.

ترجمه

همانا خداوند ﷻ به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانش باز دهید و چون میان مردم حکم نمودید به عدالت حکم کنید. خداوند ﷻ شما را پند نیکو می‌دهد، (به تحقیق) خداوند ﷻ شنوا و بیناست. ای اهل ایمان، از فرمان خداوند ﷻ و رسول الله ﷺ و فرمان‌داران که از خود شما استند اطاعت کنید پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خداوند ﷻ و پیامبر ﷺ باز گردانید اگر به خداوند ﷻ و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و نیک انجام تر خواهد بود.

تفسیر

خداوند متعال به بنده‌گان خود دستور داده تا امانت‌ها را به صاحب آن بر گردانند، و در هنگام حکم و قضاوت به عدل فیصله کنند همچنان خداوند متعال بنده‌گان خود را به اطاعت و پیروی خداوند ﷻ و پیامبر ﷺ و اطاعت فرمانروایان مأمور ساخته است. خداوند متعال در آیه مبارک دو مورد از اعمال نیک را بیان نموده است.

ادای امانت: امانت عبارت از هر آن چیز است که انسان برای نگهداری آن مورد اعتماد قرار داده چپ مادی باشد و یا معنوی.

گاهی امانت عهد و پیمان با خداوند ﷻ است که ادای آن عبارت از عمل کردن به اوامر خداوند ﷻ و اجتناب از نواهی او تعالی می‌باشد.

گاهی امانت در برابر مردم است؛ مانند امانت‌ها و اسرار انسان‌ها که ادای آن عبارت از بر گردانیدن آن امانت‌ها و اسرار به صاحبانش و عدم تقلب و خیانت در آن می‌باشد. کار کردن در وظایف و مسئولیت‌های عامه نیز نوعی از امانت است که ادای آن مستلزم انجام درست آن کارها می‌باشد. اگر شخصی که به کاری چه در دوایر دولتی و یا بخش خصوصی و یا امور شخصی موظف شود و در انجام آن سستی و تبلی نموده وظیفه خویش را به درستی انجام ندهد مرتکب خیانت در امانت شده است؛ همچنان سوء استفاده از اموال و دارائی‌های عامه و یا تقصیر در حفاظت از آن نوعی از خیانت در امانت می‌باشد. این آیه مبارک و سایر آیات کریمه و احادیث نبوی مؤمنان را به مراعات و ادای همه این امانت‌ها امر و تشویق فرموده است.

البته در باره نگهداری امانت و اهمیت آن آیات و احادیث زیادی آمده چنانکه خداوند متعال در سوره احزاب فرموده است: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌های عالم پیش کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان آن را پذیرفت. [الأحزاب: ۷۲]

در جای دیگری خداوند متعال امانت داران را مورد ستایش قرار داده می‌فرماید: «و آن رستگاران کسانی اند که امانت‌ها و پیمان‌شان را حفظ و رعایت می‌کنند» [المعارج: ۳۲].

همچنان پیامبر اسلام ﷺ در مورد امانت و نگهداری و ادای آن در احادیث زیادی به اسالیب و روش‌های مختلف تأکید فرموده است. از آن جمله در این حدیث شریف ایمان و دین را با امانت مرتبط ساخته فرموده است: «**لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ**»^(۱) ترجمه: کسی که امانت داری نداشته باشد ایمان ندارد، و کسی که عهد و پیمان را رعایت نکند دین ندارد.

حکم و قضاوت به عدل: خداوند ﷻ به مؤمنان امر نموده که در حکم و قضاوت خود حق و عدالت را در نظر داشته باشند. خداوند ﷻ ملک و پادشاهی خود را بر دو اصل حق و عدل بر قرار ساخته است. وقتی که در حکم و قضاوت ظلم و بی عدالتی صورت گیرد منجر به شقاوت و بدبختی افراد و جامعه گردیده، حقوق ضایع می‌شود و فساد در میان انسان‌ها منتشر می‌گردد.

در این باره آیات و احادیث زیادی وارد گردیده که از آن جمله این قول خداوند متعال است که فرموده: «**إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ**» [النحل: ۹۰] ترجمه: همانا خداوند ﷻ به عدل و احسان امر نموده است.

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی.

عدل وانصاف در گفتار

خداوند متعال رعایت عدل و انصاف را در سخن گفتن تأکید نموده می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا

وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ﴾ [الانعام: ۱۵۲] ترجمه: و هرگاه سخنی گویند، به عدالت گرایید، هر چند در باره

خویشاوندان باشد.

انس بن مالک رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمودند: «**لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بَخِيرٍ مَا إِذَا قَالَتْ صَدَقْتُ، وَإِذَا حَكَمْتُ عَدَلْتُ وَإِذَا اسْتَرْحَمْتُ رَحِمْتُ**»^(۱) ترجمه: تا آن زمان این امت (امت من) در خیر و نیکی است که هرگاه سخن گفت راست گوید و هرگاه حکم کرد عدالت نماید، و هرگاه از وی طلب رحمت شود ترحم و مهربانی کند.

سپس خداوند متعال باز هم به مؤمنان خطاب نموده می‌فرماید: خداوند جَلَّ جَلَلُهُ ادای امانت و حکم به عدالت را برای شما یک امر نیک و پسندیده مقرر گردانیده که در آن صلاح و بهبود کارهای شما در دنیا و سعادت شما در آخرت خواهد بود؛ پس بر شماست ای مؤمنان تا به احکام و ارشادات خداوند جَلَّ جَلَلُهُ عمل نمایید؛ زیرا او تعالی به آنچه از شما صادر می‌شود آگاه و شنوا و بیناست.

اطاعت خدا و رسول و اولی الامر

سپس آیات قرآنی مؤمنان را به اطاعت و فرمانبرداری خداوند متعال و اطاعت و فرمانبرداری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر می‌نماید. همچنان خداوند متعال به مؤمنان امر نموده از اولی الامر و یا زمامداران مسلمان شان اطاعت و فرمانبرداری کنند اولی الامر و یا زمامداران عبارت از امیران، حکام و سرلشکران مسلمانان می‌باشند که اطاعت و فرمانبرداری مسلمانان از ایشان واجب است، به شرط اینکه به معصیت خداوند جَلَّ جَلَلُهُ امر نکنند؛ اما در صورتی که امر و فیصله اولی الامر و زمامداران مخالف شریعت خداوند جَلَّ جَلَلُهُ باشد برای هیچ کسی اطاعت و فرمانبرداری ایشان جواز ندارد؛ زیرا که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «**لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ**»^(۲) ترجمه: اطاعت مخلوقی در معصیت خالق متعال جواز ندارد.

سپس خداوند متعال مؤمنان را در وقت نزاع و اختلاف ارشاد و رهنمایی فرموده که به کتاب خداوند جَلَّ جَلَلُهُ و سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رجوع کنند. پیامبر خداوند متعال چنین فرموده: «**مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ وَأَخْتِلَافِهِمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ**» ترجمه: از آنچه شما را منع کردم از آن خود داری کنید، و به آنچه شما را

۱- مسند ابو یعلی.

۲- المعجم الکبیر للطبرانی

امر نمودم به قدر استطاعت و توانمندی تان به آن عمل نمایید. همانا کسانی از امت های گذشته قبل از شما بودند به سبب سؤال های زیاد شان و اختلاف شان در مورد پیامبران شان هلاک گردیدند.

فعالیت

هر شاگرد یک حدیث نبوی را در باره اینکه چه وقت اطاعت و فرمانبرداری مخلوق واجب و چه وقت نا جایز می باشد، در کتابچه خود بنویسد.

فواید و آموختنی ها

- آیت های مبارک این درس، ما را به فواید و آموختنی های آتی رهنمون می سازد:
- ❖ ادای امانت و حکم و قضاوت در میان مردم به عدل و حق.
- ❖ اطاعت و فرمانبرداری اولی الامر و زمامدار مسلمان، در صورتی که به معصیت خداوند ﷺ امر نکند.
- ❖ رجوع به کتاب خداوند ﷺ و سنت پیامبر خداوند متعال، در حالت اختلاف و نزاع مسلمانان پیرامون امری از امور دین و دنیای شان.



به سؤالات زیر جواب بدهید:

- ۱- دو عمل صالح و شایسته برای مؤمنان را بیان نمایید.
- ۲- چرا خداوند متعال به عدل در میان مردم امر نموده است؟ فواید امر به عدل را ذکر نمایید.
- ۳- از این قول خداوند متعال: ﴿ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ﴾ چه استفاده می شود؟
- ۴- اطاعت پیامبر خداوند متعال با اطاعت و فرمانبرداری اولی الامر و یا زمامدار مسلمانان چه فرق دارد؟
- ۵- در کدام حالت اطاعت اولی الامر برای مسلمان لازم نیست؟ به حدیث نبوی استدلال کنید.
- ۶- خداوند ﷺ مرجع و منبعی را برای ما معرفی نموده است که در وقت اختلاف و نزاع باید به آن مراجعه کنیم. این منبع کدام است، و دلیل آن چیست؟
- ۷- امانت به مفهوم شرعی آن شامل چی چیزها می شود؟

مطابقت در گفتار و کردار

قال تعالى: ﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾
 وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ
 وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٣﴾ وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ
 وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٤﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا رَبِّهِمْ
 وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٥﴾ [البقرة: ٤٢-٤٦]

معنای کلمات

وَلَا تَلْبِسُوا:

میوشانید، نیامیزید

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ:

نماز را با رعایت ارکان و آداب آن ادا نمایید

وَأَتُوا الزَّكَاةَ:

زکات را به مستحقین آن بدهید

الْبِرِّ:

نیکی، همه اعمال خوب

بِالصَّبْرِ

با شکیبایی و برد باری

الْخَاشِعِينَ:

طاعت کننده‌گان با فروتنی و عاجزی

ترجمه

و حق را با باطل میوشانید و حقیقت را پنهان نسازید، حال آنکه (به حقانیت آن) می‌دانید. نماز را به پا دارید و زکات بدهید و با نماز گزاران نماز بگذارید. چگونه شما مردم را به نیکی کاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، حال آنکه کتاب خداوند ﷻ را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟ یاری جوید از خداوند ﷻ به صبر و نماز، که نماز (با حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداوند ﷻ پرستان فروتن؟ آنان که می‌دانند که ایشان ملاقات خواهند کرد با پروردگار خویش و آنکه ایشان به سوی وی باز خواهند گشت.

تفسیر

خداوند متعال در این آیات به همه مردم و امت‌های روی زمین که انبیاء و پیامبران خود را برای هدایت ایشان فرستاده است دستور داده تا حق را نبوشانند، و به حکم خواسته‌های باطل خویش احکام خداوند ﷺ را تغییر ندهند. به طور خاص یهود که حق برایشان معلوم بود؛ اما به خاطر تعصب و کینه حق را تغییر دادند تا مردم را از راه حق باز دارند؛ زیرا یهود حق را پوشاندند و آن را با باطل آمیختند، در حالی که خوب می‌دانستند که حق همان است که پیامبر اسلام ﷺ آورده است. سپس خداوند ﷺ به مؤمنان دستور می‌دهد که به ارکان دین خود عمل نمایند تا قلب‌های ایشان به حق راه یابد، و خشوع و خضوع‌شان به خداوند ﷺ بیشتر گردد.

قرآن کریم در اینجا دو رکن اساسی اسلام را بیان می‌دارد که اول آن ادای نماز است که بزرگترین عبادت بدنی می‌باشد و ادای آن با حفظ ارکان و شرایط مکمل آن ثمره خوبی بار می‌آورد و از فحشا و منکرات باز می‌دارد. رکن دومی عبارت از زکات است که بزرگترین عبادت مالی می‌باشد. بدون شک التزام و پابندی به این عبادات دل‌ها را پاک ساخته، نفس‌ها را تزکیه می‌کند، و هرگاه انسان در ادای این عبادات کوتاهی ورزد، ذلت و خواری در دنیا و آخرت نصیبش خواهد گردید.

مطابقت در گفتار و کردار

بعد از این اوامر که طایفه یهود را به آن دستور داده، خداوند متعال ایشان را در مقابل تصرفات و عملکردهای غیر عاقلانه شان سرزنش نموده هشدار می‌دهد: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ

أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ ترجمه: چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور

می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید و حال آنکه کتاب خداوند ﷺ را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟ در اینجا استفهام برای انکار و تقبیح عملکرد یهود است که مردم را به خوبی امر می‌نمودند، ولی خود به آنچه می‌گفتند عمل نمی‌کردند، در حالی که زشتی این کار را در کتاب تورات به خوبی می‌دانستند. بنا بر آن آیات قرآنی خرد و اندیشه ایشان را مخاطب قرار داده، آن‌ها را از چنین کاری باز می‌دارد، و به ایشان هشدار می‌دهد که این کار مخالف عقل و خرد است.

استعانت به صبر و نماز

در این آیات، خداوند متعال همچنان به یهودیان طریقه استفاده درست از کتابشان را تعلیم می‌دهد تا از آنچه برایشان فرستاده شده بهره بگیرند و دل‌هایشان پاک گردد و نیت‌هایشان درست شود؛ بنابراین خداوند متعال به آن‌ها دستور داده که نخست از صبر، کمک و یاری بجویند؛ زیرا صبر انسان را به وعده خداوند ﷻ مطمئن می‌سازد که صبر کننده‌گان را به پاداش بزرگ بشارت داده است؛ چون صبر کننده‌گان نفس‌های خود را از خواسته‌هایشان باز داشته‌اند و با مشقت خود را از معصیت حفظ نموده‌اند.

همچنان آیات قرآنی به استعانت از نماز امر نموده تا به این وسیله از فحشا و منکرات اجتناب ورزند؛ زیرا در ادای نماز، انسان در حالت آشکار و پنهان خداوند ﷻ را به یاد می‌آورد و خود را مورد مراقبت او تعالی می‌داند. بدون شک نماز با چنین شرایط و آداب یک کار دشوار است، مگر برای کسانی که از خداوند ﷻ می‌ترسند و عذاب او را به یاد می‌آورند، نماز برای ایشان یک امر آسان و محبوب قرار می‌گیرد؛ چنانچه پیامبر خداوند متعال فرموده است: «وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»^(۱) ترجمه: همانا روشنایی چشم من در نماز گذاشته شده است.

و خداوند متعال بنده‌گان نماز گزار خود را بشارت داده که ایشان یقین دارند که در روز قیامت با پروردگار خود ملاقات خواهند نمود، و تنها به سوی او تعالی باز گشت همه است، و او تعالی پاداش آنچه عمل نموده‌اند را خواهند داد؛ پس اینچنین بنده‌گان خداوند ﷻ در ادای نماز احساس سختی و مشقت نمی‌کنند؛ بلکه از نماز کمک می‌خواهند، و هر وقتی که مشکلی به ایشان پیش شود با ادای نماز به مناجات پروردگار خود می‌شتابند؛ چنانچه، هر زمانی که رسول ﷺ امر مهمی خداوند متعال را فرا می‌گرفت، به نماز رو می‌آورد.

فعالیت

- هر شاگرد در روشنایی درس خوانده شده، یک تعریف مختصر از مؤمن صادق و راستین در کتابچه خود بنویسد.
- از شاگردان خواسته شود در مورد چگونگی کمک خواستن از صبر و نماز در میان خود بحث کند.

(۱) مسند امام احمد.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های این درس قرار زیر است:

- ❖ مؤمن راستین از همه آنچه در کتاب خداوند ﷻ آمده، پیروی می‌کند؛ به اوامر آن عمل نموده، و از نواهی آن اجتناب می‌ورزد، و فرایض آن را به جا می‌آورد.
- ❖ مؤمن صادق آن است که تنها از خداوند ﷻ بترسد، و از بابت جایگاه رزق و روزی هراس نداشته باشد.
- ❖ مؤمن راستین آن است که به همه آنچه خدا فرموده التزام ورزد، و هیچ کار مشروع را به اساس خواسته‌ها و تمایلات نفس خود ترک نکند.
- ❖ مؤمن راستین کسی است که گفتارش مطابق کردارش باشد، و چیزی نگوید که خود به آن عمل نکند.
- ❖ مؤمن راستین در هنگام سختی‌ها و مشکلات به نماز رو می‌آورد و با ادای نماز از خداوند متعال استعانت می‌جوید.



به سوال‌های زیر جواب بگویید:

- ۱- چرا خداوند متعال به اقامه نماز و ادای زکات امر نموده است؟
- ۲- معنای اقامه نماز را که در آیه مبارک وارد گردیده توضیح دهید؟
- ۳- خداوند ﷻ طایفه یهود را به کمک خواستن از دو رکن مهم مأمور گردانیده تا بر مشکلات زنده‌گی فایق آیند. این دو رکن کدام‌ها اند؟
- ۴- معنای صبر چیست؟
- ۵- انواع صبر را بیان کنید.
- ۶- انسان چگونه از صبر و نماز یاری می‌جوید؟

فرجام سرپیچی از ذکر خداوند ﷻ

قال تعالی: ﴿ وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ
وَأَنَّهُمْ قَرِينٌ ﴿۱۰۸﴾ لِيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿۱۰۹﴾ حَتَّىٰ إِذَا
جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿۱۱۰﴾ وَلَنْ
يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿۱۱۱﴾ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّمَّةَ
أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿﴾ [الزخرف: ۳۶-۴۰]

معنای کلمات

يَعِشُ: کسی که از ذکر خدا اعراض و سرپیچی می کند
نُقِضُ: فراهم می کنیم، مسلط می سازیم
قَرِينٌ: همراه و همنشین جدا ناشدنی
لِيَصُدُّوهُمْ: آن ها را از حق باز می دارند
السَّبِيلِ: راه حق، دین اسلام

ترجمه

و هر که از یاد خداوند ﷻ سر پیچی کند شیطانی را بر او مسلط می سازیم تا یار و همنشین دایم وی باشد. و آن شیاطین، همیشه آن مردم از خداوند ﷻ غافل را از راه خداوند ﷻ باز می دارند، و پندارند که هدایت یافته اند. تا وقتی که به سوی ما باز آید، آن گاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو فاصله یی به دوری مشرق و مغرب بود که تو بسیار همنشین و یار بدی برای من بودی، و هرگز در آن روز به حال شما سودی ندارد؛ زیرا در دنیا ظلم کردید که امروز با شیاطین در عذاب دوزخ شریک هستید. آیا تو این کران (نا شنوایان) را سخنی توانی شنوایید؟ یا این کوران و آن را که دانسته به گمراهی می رود هدایت توانی کرد؟

تفسیر

فرجام همنشینی با بدان

آیت های مبارک بیان می‌دارد کسی که از ذکر خداوند عز وجله و راه او تعالی سر پیچی نموده، دلایل آشکار بر وجود خداوند عز وجله را در کاینات و در کتاب او (قرآن کریم) نا دیده گرفته و به راه باطل می‌رود، خداوند متعال شیطانی را قرین و همنشین او می‌گرداند که همواره با او قرار داشته و بر گمراهی اش می‌افزاید، مانند دشمنی که بر انسان غالب گردد و از او انتقام بگیرد.

چنانچه در حدیث نبوی به روایت مسلم آمده است: برای هر مسلمانی یک همنشین جن وجود دارد، و شیطان می‌تواند در مجرای خون فرزندان آدم حرکت نماید.

بدین ترتیب شیاطین پیروان و دوستان کافرشان را از راه حق باز می‌دارند، و آن‌ها چنین می‌پندارند که راه یافته گانند؛ در حالی که ایشان در گمراهی آشکار اند، تا آنکه مرگ به سراغ شان برسد و سپس بر انگیخته شوند؛ چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿وَأَنَّهُمْ لَيَصْدُقُنَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ

وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾ ترجمه: شیاطین همیشه آن مردم غافل را از راه خداوند عز وجله باز می‌دارند، و چنین می‌پندارند که هدایت یافته اند.

پروردگار به ما هشدار می‌دهد که انسان کافر زمانی که خداوند عز وجله او را در روز قیامت زنده می‌سازد آرزو می‌کند که میان او و یار و همنشین بدش مانند مشرق و مغرب فاصله باشد. و آنان به همنشینان شان چنین می‌گویند: کاش شما را نمی‌شناختیم، و شما ما را نمی‌شناختید. کاش شما را نمی‌دیدیم، و شما ما را نمی‌دیدید، چه یاران و دوستان بدی بودید! اما فرمان خداوند عز وجله به همه آن‌ها چنین است که بیزاری و نفرین شما بر یکدیگر برای تان سودی نمی‌بخشد بلکه همه شما مستحق عذاب هستید و در این عذاب درد ناک شریک یکدیگر هستید و چیزی از عذاب شما کم نخواهد شد.

فعالیت

انسان کافر در روز آخرت در باره دوست و همنشین خود چه می‌گوید؟ فشرده این مطلب را در کتابچه خود بنویسید.

هدایت از جانب خداوند عز وجله است

سپس خطاب قرآنی به پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه گردیده، خداوند متعال از نبی خود می‌پرسد: آیا توان آن را خواهی داشت کسی را که از نعمت شنوایی محروم گردیده بشنوانی؟ و آیا خواهی توانست کوران را بینا سازی؟ و یا فرو رفته‌گان در گمراهی آشکار را هدایت نمایی؟ نخیر، این همه امور از قدرت و توان تو خارج اند، و تو تنها پیامبر صلی الله علیه و آله تبلیغ کننده و بیم دهنده کسانی هستی که بخواهند خویشتن

را از آتش جهنم نجات دهند؛ چنانچه خداوند ﷻ این امر را در خطاب به رسول خود چنین تأکید نموده است:

﴿ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّهْمَ أَوْ تَهْدِي الْعُمَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴾ یعنی: آیا تو این

کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟ همچنان این آیت های مبارک رابطه میان پیامبر ﷺ و میان مشرکان را معکوس و در تقابل نشان می‌دهد؛ چنانچه پیامبر خداوند متعال با اصرار و دلسوزی برای دعوت آن‌ها به شدت تلاش می‌ورزد، در حالی که آنان به گمراهی و سرپیچی اصرار دارند، و از دلایل آشکار و روشن قرآن و نبوت چشم پوشی نموده به کفر و عناد در راه باطل ادامه می‌دهند.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکه این درس، از این قرار است:

❖ کسی که از قرآن و از آیات و براهین آشکار قرآن اعراض و سرپیچی نماید، خداوند ﷻ او را با همنشینی شیطانی مجازات خواهد نمود که بر وی مستولی گردیده، دنیا و آخرتش را به زیان و تباهی می‌کشاند.

❖ کافران در گمراهی می‌روند، در حالیکه چنین می‌پندارند که راه یافته گان اند.

❖ باید به قرآن کریم تمسک ورزید؛ زیرا قرآن کریم راه مستقیم و حق است که به سعادت دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد.

❖ پیروی قرآن در دنیا و آخرت سبب عزت و سر بلندی است؛ اعراب با نزول قرآن این عزت و منزلت را به دست آوردند؛ چنانچه خداوند متعال این حقیقت را به پیامبر ﷺ خود چنین بیان داشته است: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ» ترجمه: قرآن برای تو و قومت شرف و نام نیکی است.



به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

- ۱- جزای کسی که از یاد خداوند ﷻ روی می‌گرداند و از آیات او تعالی چشم پوشی می‌کند چیست؟
- ۲- شیاطین با پیروان و دوستان خود چه می‌کنند؟
- ۳- پیروان و فرمانبرداران در روز قیامت به فرمانروایان و پیشوایان خود چه می‌گویند؟
- ۴- نص قرآنی چه چیزی را از قدرت و صلاحیت پیامبر ﷺ دور دانسته است؟

نیکویی چیست؟

قال تعالی: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾

[البقرة: ۱۷۷]

معنای کلمات

الْبِرُّ:

نیکویی (نام جامع و کامل برای هر کار خوب)

ابْنَ السَّبِيلِ:

مسافر (دور افتاده از مال، خانواده و وطن خود)

فِي الرِّقَابِ:

در آزاد ساختن بردگان و نجات ایشان از برده گویی

الْبَأْسَاءِ:

فقر و سختی

الضَّرَّاءِ:

ضررها (مانند مرض، ترس و غیره)

وَحِينَ الْبَأْسِ:

در هنگام جنگ

ترجمه

نیکو کاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید، لیکن نیکو کاری آن است که کسی به خداوند ﷻ و روز قیامت و فرشته گان و کتاب آسمانی و پیغمبران ﷺ ایمان آورد، و مال و دارایی خود را با وجود دوستی آن، در راه خداوند ﷻ به خویشان و یتیمان و فقیران و مسافران در راه مانده و گدایان بدهد و در آزاد کردن بنده گان صرف کند، نماز را بر پا دارد و زکات مال بدهد و نیز نیکو کار آنانی اند که با هر که عهد بسته اند به عهد خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کار زار صبور و شکیبیا باشند. آن ها به حقیقت راستگویان و آن ها به حقیقت پرهیز کارانند.

تفسیر

تحویل قبله

پیامبر ﷺ همراه با مسلمانان، بعد از هجرت به مدینه منوره، به حکم خداوند متعال، تا مدت یک و نیم سال، به طرف بیت المقدس نماز خواندند. پیامبر ﷺ دوست داشت به طرف کعبه نماز بخواند. خداوند متعال به رسول خود دستور داد تا نماز را به طرف کعبه مشرفه ادا نماید و به این ترتیب تحویل قبله از بیت المقدس به طرف کعبه مشرفه صورت گرفت. یهود مدینه، با تحویل قبله به فتنه انگیزی پرداختند و خواستند در دل‌های مسلمانان شک و تردید ایجاد نمایند و مردم را از گرویدن به دین اسلام باز دارند. یهودیان تبلیغ نمودند که قبله آن‌ها؛ یعنی بیت المقدس قبله صحیح است و به طرف غیر آن نماز درست نمی‌شود. خداوند متعال در آیات دیگری حکمت تحویل قبله را به تفصیل بیان داشته با رد اکاذیب و پندارهای یهود غرض اطمینان پیامبر اسلام ﷺ و مؤمنان برتری کعبه مشرفه را نسبت به هر جای دیگر تثبیت و تأکید نموده است.

در این آیه مبارکه خداوند متعال باز هم به رد ادعاهای یهود و مشرکین و منافقان پرداخته که تنها روی گردانیدن در نماز به طرف مشرق و مغرب معیار نیکی و برتری نیست؛ بلکه ایمان به خداوند ﷻ و به روز آخرت و آنچه در این آیه مبارکه ذکر گردیده معیار نیکی و برتری می‌باشد. و استقبال قبله تنها برای وحدت مردم و ادای نماز است که خاص برای خداوند ﷻ و تسلیم شدن به حکم او تعالی باید ادا شود.

انواع و اشکال نیکویی

آیات مبارکه فوق بیان می‌دارد که نیکی تنها روی آوردن به طرف مشرق و مغرب در ادای نماز نیست؛ بلکه نیکی عبارت از ایمان، اخلاق و اعمال پسندیده است. آیه مبارک اساسات و مبانی نیکی را در موارد زیر بیان نموده است.

مبانی ایمان

اصل نیکویی، ایمان به خداوند ﷻ یکتا و بی نیاز، ایمان به روز آخرت و حساب و ثواب و عقاب آن، ایمان به فرشته گان، ایمان به کتاب‌های آسمانی و ایمان به انبیا و پیامبران خداوند متعال است که مردم دعوت آن‌ها را قبول می‌کنند و به هدایت و رهنمایی آن‌ها عمل می‌نمایند. این‌ها اساس نیکی می‌باشند که هر انسان باید به آن ایمان و تصدیق داشته باشد تا از داشتن عقیده سالم و سعادت و رستگاری برخوردار گردد.

اعمال نیکو

بعد از ذکر اصول و مبانی ایمان، آیه مبارک، اصول و مبانی اعمال نیک را بیان نموده که نتیجه و ثمره ایمان می‌باشند؛ چنانچه خداوند متعال در وصف انسان نیکو کار می‌فرماید: «مال و دارایی را با وجود دوستی شدید آن به کسانی بدهید که مستحق کمک و مساعدت اند؛ مانند اقارب و خویشاوندان، یتیمان، فقرا و مساکین، مسافر در راه مانده، تکدی (سؤال) کننده گان و آزادی برده‌گان. با تأسف، بسیاری مردم این حقوق را که قرآن کریم به آن تأکید ورزیده فراموش نموده و از آن غفلت ورزیده اند. هرگاه مسلمانان این حقوق را مراعات نمایند و به آن عمل کنند، بهترین مردمان و برترین امت‌ها خواهند بود، و آن وقت است که امت‌های دیگر با دیدن این ارزش‌های والا به دین اسلام رو خواهند آورد.

بخش دیگری از اعمال نیک، برپا داشتن نماز است با مراعات ارکان، آداب و شروط آن؛ همچنان قسم دیگر این اعمال نیکو، ادای فریضه زکات است که غالباً قرآن کریم آن را همراه و پیوست با ادای نماز ذکر نموده است.

اخلاق فاضله

آیات قرآنی پس از ذکر اصول و مبانی ایمان و اعمال نیکو، به بیان اصول و مبانی اخلاق می‌پردازد که مسلمان باید به آن التزام ورزد؛ زیرا اخلاق ثمره ایمان است. وفا به عهد، صبر در حال تنگ‌دستی و سختی در هنگام کار زار از جمله مبانی اخلاق فاضله می‌باشند که قرآن کریم به عنوان کارهای خیر و نیکو بیان نموده است؛ پس نیکی تنها روی گرداندن به جهت معین؛ به طرف مشرق و مغرب نمی‌باشد؛ بلکه اساس نیکی مجموع اصول ایمان، اصول اعمال نیک و اصول اخلاق است که این آیه مبارک در بر گیرنده همه آن‌ها می‌باشد.

در ختم آیت، کسانی که به اوامر خداوند ﷻ التزام داشته و تعلیمات دین خود را به وجه نیکو انجام می‌دهند، قرآن کریم آن‌ها را با دو صفت بزرگ ستوده است:

۱- ایشان در دعوی ایمان‌داری صادق اند؛ چه، آن‌ها تنها با زبان ایمان نیاورده اند، بلکه ایمان خود را با قلب‌ها و اعمال خود به اثبات رسانیده اند.

۲- ایشان متقیان و پرهیزکارانند؛ زیرا، آن‌ها به آنچه خداوند ﷻ دستور داده عمل نمودند، آن‌ها تنها متقیانی اند که به قرآن عمل نموده، از خداوند ﷻ ترسیده اند، و برای روز واپسین آماده‌گی گرفته اند و ظاهر خود را با باطن‌شان آراسته نموده اند.

فواید و آموختنی‌ها

- آیت‌های مبارک به درس‌ها و فوایدی اشاره می‌نماید که برخی از آن چنین است:
- ❖ انسان، مؤمن پنداشته نمی‌شود تا آنکه دوستی خداوند متعال و پیامبر ﷺ را بر دوستی ماسوای آن برتری بدهد و قلبش با یاد خداوند ﷻ مطمئن گردد و از گناهان دوری گزیند.
 - ❖ اعمال و کردار نیکو ثمره و ترجمان ایمان راستین است.
 - ❖ جامعه‌پر امن جامعه‌یی است که همکاری الفت دوستی و ترحم میان افراد آن حاکم باشد؛ چنین جامعه‌یی مانند یک جسم واحد است که با درد و رنج یک عضو، همه اعضای آن بیقرار می‌گردد.
 - ❖ جامعه‌با فضیلت و پر امن آن است که افراد آن با مکارم و اصول اخلاق پیامبر ﷺ متصف باشند.



به سوالات زیر جواب بدهید:

- ۱- مقصد از (الْبِرِّ) چیست؟ و رابطه میان آنچه در این آیت آمده با موضوع تحویل قبله چه می‌باشد؟
- ۲- آیه مبارکه، مبانی ایمان را به حیث اصول و اساس نیکی ذکر نموده است. این مبانی را بیان نمایید.
- ۳- ایمانی که قرآن از انسان طلب نموده چگونه ایمانی است؟
- ۴- اعطای مال برای مستحقان از جمله مبانی نیکی است. چه کسانی برای دادن مال مستحق اند؟
- ۵- آیات قرآنی چرا اقارب و خویشاوندان را مقدم گردانیده است؟
- ۶- مسکین و این سیبل چه کسانی اند؟
- ۷- مقصد از برپایی نماز چیست؟
- ۸- آیات مبارکه اصول اخلاق را که انسان باید به آن التزام داشته باشد بیان نموده این اصول کدامها اند؟
- ۹- آیات مبارکه کسانی را که به اصول و مبانی نیکی التزام دارند چگونه توصیف نموده است؟
- ۱۰- قرآن کریم صبر و شکیبایی را در سه حالت خاص گردانیده، این سه حالت کدامها اند؟



در روشنایی آیه مبارکه:

- الف: نصی که رابطه انسان با پروردگارش، رابطه انسان با نفس خود، رابطه انسان با دیگران را بیان نموده نشان دهید؟
- ب: در مورد آیه مبارکه ذکر شده یک مقاله بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.

صلح و اهمیت آن در اسلام

قال تعالی: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُونَ مِنْ قَوْمٍ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِّ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الحجرات: ۱۰-۱۱]

معنای کلمات

قومی قوم دیگر را تحقیر نکند

لَا يَسْخَرُونَ قَوْمٍ مِّنْ قَوْمٍ:

یکدیگر را عیب گویی نکنید

وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ:

یکدیگر را با القاب بد یاد نکنید

وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِّ:

بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ: بعد از ایمان، فسق نام زشتی است

ترجمه

مؤمنان برادر یکدیگر اند؛ پس همیشه بین برادران خود صلح و آشتی آورید و از خداوند جل جلاله بترسید، تا باشد که مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرید. ای اهل ایمان، هرگز نباید قومی، قوم دیگر را مسخره و استهزا کنند؛ شاید آن‌ها (که مورد مسخره قرار می‌گیرند) از آن قوم دیگر که مسخره می‌کنند، بهتر باشند؛ و نیز زنان نباید یکدیگر خود را مسخره کنند، شاید که زنان مسخره شده از زنان مسخره کننده بهتر باشند. هرگز از یکدیگر خود عیبجویی مکنید و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خداوند جل جلاله فسق بدترین نام است و هر که توبه نکند چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.

صلح و برادری

آیه نخستین این درس یک قاعده بزرگ را تثبیت می‌کند که عبارت از اخوت و برادری ایمانی میان مسلمانان است، زیرا ایمان مؤمنان را به دور خود جمع می‌کند، همانگونه که اصل و نسب، برادران نسبی را جمع می‌کند. همانطور که برادری بر اساس نسب سبب پیوند و ارتباط است؛ پس برادری بر اساس دین نیز سبب پیوند و همبستگی می‌گردد. برادری دینی و ایمانی دعوت به اصلاح ذات البین است، و اصلاح ذات البین به تقوا و خدا ترسی نیاز دارد تا آثار و نتایج آن دوامدار باشد و شامل رحمت و وسیع پروردگار گردد.

احادیث زیادی در تأیید و تأکید بر اخوت و برادری دینی وارد گردیده است. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «**الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ**» ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم روا نمی‌دارد، و به دشمن تسلیم اش نمی‌کند؛ همچنان در حدیث صحیح دیگری آمده است: «خداوند ﷻ حامی و کمک کننده بنده است تا آن زمان که بنده کمک کننده برادر خود باشد.»^(۱)

اوصاف منافی صلح و دوستی

سپس خداوند متعال در آیه مبارک دومی جامعه اسلامی را از صفات و پدیده‌هایی برحذر می‌سازد که فضای صلح و صفا را مکدر ساخته و عداوت و دشمنی را میان افراد جامعه ایجاد می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید: «ای اهل ایمان، هرگز نباید قومی قوم دیگری را مسخره و استهزا کنند، شاید قومی که مورد مسخره قرار می‌گیرند از آن قوم دیگر که مسخره می‌کنند، بهتر باشند، و نیز زنان نباید یک دیگر خود را مسخره کنند، شاید که زنان مسخره شده از زنان مسخره کننده بهتر باشند. و هرگز از یکدیگر خود عیب‌جویی نکنید، و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خداوند ﷻ، فسق بدترین نام است، و هر که توبه نکند چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.»

سبب نزول آیت

مفسرین در شأن نزول آیه مبارکه فوق اسبابی را ذکر نموده اند که به برخی آن ذیلا اشاره می‌شود ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده اند: «صفیه بنت حیی بن اخطب (همسر پیامبر ﷺ) به نزد رسول خدا آمده چنین عرض نمود: ای رسول خداوند متعال، زنان مرا طعنه داده می‌گویند: زن یهودی، دختر یهودیان! پیامبر ﷺ به وی فرمود: «به آن‌ها پاسخ می‌دادی که پدرم هارون، کاکایم موسی و شوهرم محمد ﷺ است.»

همچنان روایت گردیده که این آیت در باره آن زنان پیغمبر ﷺ نازل گردید که ام سلمه رضی الله عنها را به کوتاهی قدش طعنه دادند.

(۱) المعجم الکبیر للطبرانی. ج ۱۹، ص ۱۵۹

در مورد سبب نزول آیه مبارکه ﴿وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾: کتاب‌های چهارگانه سنت از ابوجبیره بن الصحاك رضی الله عنه روایت نموده اند که گفت: در میان ما کسانی بودند که دو و یا سه اسم داشتند، و گاهی به یکی از آن نام‌ها خوانده می‌شدند که برایشان بد می‌نمود، بنابر آن آیه مبارک ﴿وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ نازل گردید؛ همچنان از ابوجبیره رضی الله عنه روایت گردیده که در دوران جاهلیت اشخاص دارای لقب‌هایی بودند که با آن خوانده می‌شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را به لقبش ندا کرد، یارانش عرض کردند که ای پیامبر خداوند متعال! او این لقب را بد می‌بیند. پس آیت مبارکه ﴿وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ نازل گردید.

خودداری از عیب جوئی و تحقیر و تمسخر

آیه مبارک فوق در بر گیرنده توجیهات اخلاقی و اجتماعی می‌باشد که جامعه را از پراکنده‌گی و دشمنی حفاظت می‌نماید.

آیه کریمه با ندای اهل ایمان آغاز یافته تا مؤمنان یکدیگر را تحقیر و استهزاء نکنند.

تمسخر: عبارت از آن است که یک انسان، انسان دیگر را با قول و یا فعل در حضورش طوری مورد تحقیر قرار دهد که دیگران را به خنده آورد.

لمز: آن است که شخصی برادر خود را با قول و یا اشاره خاصی عیب‌جویی کند، اگر مردم را به خنده وادارد و یا خیر، چه در حضورش باشد و یا در غیابش.

چگونه یک مؤمن بر مؤمن دیگر تمسخر می‌کند؛ حال آنکه شاید همان مرد و یا زن تمسخر شده از مرد و یا زن تمسخر کننده بهتر و برتر باشد. ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «رُبُّ أَشْعَثَ أَغْبَرُ ذِي طِمْرَيْنِ تَبُو عَنْهُ أَعْيُنَ النَّاسِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَأَبْرَهُ»^(۱) ترجمه: چه بسا زولیده موی غبار آلود، دارای جامه فرسوده‌یی که مردم از دیدنش روی بر تابند، هرگاه به خداوند جل جلاله قسم یاد کند، یقیناً خداوند جل جلاله خواسته‌اش را برآورده سازد. پس امتیاز و برتری تنها با اخلاص و راستی، صفای قلب و خلوص اعمال برای خداوند جل جلاله به دست می‌آید، نه با مظاهر ثروت رنگ و چهره نژاد و زبان.

منع استعمال القاب زشت

آیه کریمه همچنان از طعنه زدن با القاب منع نموده است؛ یعنی برخی شما برخی دیگر را با القابی که بد می‌بینند، یاد نکنید؛ زیرا آنانی که یکدیگر را با چنین القابی یاد می‌کنند، در جمله فاسقان محسوب می‌گردند، و فسق در معیار اسلام گناه بس بزرگ است.

همچنان این آیه کریمه فراخواندن مردم با القابی را که شنیدن آن برای هرکس زشت و ناپسند است حرام گردانیده، مانند اینکه مسلمانی برادر مسلمان خود را با کلماتی مثل: فاسق، منافق و امثال آن

(۱) المستدرک.

خطاب نماید. و یا اینکه یک شخص برای انسان دیگری کلماتی، چون: خر، خوک و مانند آن را استعمال نماید.

علمای اسلام یاد نمودن هر گونه القابی را که برای انسان ناخوش آیند استند حرام می‌دانند. برابر است که این القاب صفت برای خود آن شخص بوده باشد، یا برای پدر و مادرش و یا برای هر کسی که به او نسبت دارد. البته القابی که انسان‌ها به آن شهرت یافته‌اند، و از آن کراهیت ندارند و توسط آن تشخیص و شناخته می‌شوند از این حکم مستثنا می‌باشد؛ اما القابی که پسندیده باشد ذکر آن باکی ندارد؛ مانند اینکه برای ابوبکر لقب عتیق گفته شده، و یا به عمر رضی الله عنه لقب فاروق، و یا برای عثمان رضی الله عنه لقب «ذی النورین»، و یا برای علی رضی الله عنه لقب «ابو تراب»، و یا برای خالد «سیف الله»، و یا برای عمرو بن العاص رضی الله عنه لقب «داهیه اسلام» گفته شده است.

فواید و آموختنی‌ها

فواید و آموختنی‌های این درس قرار ذیل است:

- ❖ مؤمنان برادر همدیگر اند، و برادر ایمانی بهتر و برتر از برادری نسبی است.
- ❖ صلح و آشتی میان برادران ایمانی وجبیه هر مسلمان و دستور خداوند جل جلاله است.
- ❖ اسلام به وحدت و یکپارچه‌گی جامعه را تأکید می‌کند؛ چنانچه قرآن کریم از اخلاق بد که وحدت و یکپارچه‌گی جامعه را تهدید کند منع نموده است.
- ❖ خداوند متعال تمسخر نمودن بر یکدیگر را حرام گردانیده است؛ همچنان یاد نمودن یکدیگر به القابی که آن را بد می‌بینند از نظر قرآن حرام می‌باشد.
- ❖ خداوند متعال در آیه مبارک سه چیز را حرام گردانیده: تحقیر و تمسخر، اشاره نمودن به قصد عیب جوئی، و طعنه زدن به القاب.



به پرسش‌های زیر جواب بدهید:

- ۱- مؤمنان را چه چیزی جمع می‌نماید؟
- ۲- برادری از نظر قرآن به چند قسم است؟
- ۳- صلح و آشتی میان مسلمانان چه حکم دارد؟
- ۴- سه خصلت و یا سه صفت را نام بگیرید که در این درس ممنوع گردیده‌اند؟
- ۵- حکمت منع از این خصلت‌ها و اخلاق فاسد چیست؟
- ۶- اگر کسی خودش را از اخلاق زشت نگه ندارد در حق او چه اصطلاحی را به کار می‌توان بست؟



مقاله ای در باره اخلاق اجتماعی بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

نصایح لقمان حکیم به فرزندش (۱)

قال تعالی: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿۱۳﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصْلَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿۱۴﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۵﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿۱۶﴾

[لقمان: ۱۳-۱۶]

معنای کلمات

يَعِظُهُ:

پند می‌داد و به نیکی دعوت می‌نمود

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ: انسان را به نیکی با پدر و مادرش امر نمودیم

وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ:

ضعیفی بر ضعیفی

إِلَيَّ الْمَصِيرُ:

باز گشت به سوی من است

وَفِصْلَهُ:

جدا نمودنش از رضاعت

سَبِيلٍ:

راه

أَنَابَ إِلَيَّ:

باز گردد به سوی من

مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ: به اندازه وزن دانه بسیار کوچک

ترجمه

و (یاد کن) وقتی که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت: ای پسر من، هرگز شرک به خداوند ﷻ شرک نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است. و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن، به خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته بر رنج و نا توانیش افزوده است؛ شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور، که بازگشت به سوی من خواهد بود. و اگر پدر و مادر تو را بر شرک به خداوند ﷻ که آن را به حق نمی دانی و اداری کنند در این صورت دیگر آن ها را اطاعت مکن؛ لیکن در دنیا با آن ها به حسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کس که به درگاه من رجوع و توبه اش بسیار است پیروی کن که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش اعمال تان آگاه خواهم ساخت. ای فرزندم! خداوند ﷻ اعمال بد و خوب بنده گان را گرچه به مقدار خردلی در میان سنگی یا در آسمان ها یا زمین پنهان باشد همه را (در محاسبه) می آورد، که خداوند ﷻ (به اسرار همه چیز) توانا و آگاه است.

تفسیر

لقمان کیست؟

خداوند متعال در کتاب خود به ما خبر داده که لقمان بنده حکیم خداوند ﷻ بود که در گفتار و کردارش از حکمت خدا داد استفاده می نمود و این علم و حکمت سبب رسوخ ایمان لقمان و ازدیاد ذکر و شکر به پروردگارش گردیده بود همچنان لقمان با استفاده از این علم و حکمت دیگران را به سوی خدا دعوت می نمود و به آن ها پند و نصیحت می کرد، و نخستین کسی که لقمان اندرزها و نصایح خود را متوجه او ساخت پسرش بود که نام وی ذکر نگردیده است؛ همچنان قرآن کریم از تفصیل و چگونه گی زنده گی لقمان چیزی بیان نکرده، و ما از جای زنده گی او چیزی نمی دانیم، و این را نیز نمی دانیم که آیا لقمان از جمله انبیاء بوده و یا تنها یک حکیم مؤمن و نصیحت گر بوده است؛ بنا برآن در شأن لقمان بهتر است به آنچه قرآن کریم بیان نموده اکتفا کنیم.

شرک بدترین انواع ظلم است

آیات مبارکه قرآنی از نصیحت لقمان به فرزندش یاد نموده و به اسلوب حکایت، معانی و مفاهیم عالی را بیان داشته است. لقمان حکیم فرزند خود را به توحید و یکتا پرستی دستور داده، او را از شرک و عبادت غیر خداوند ﷻ بر حذر می سازد، و استدلال می کند که شرک ظلم و گناه نابخشودنی

است: «ای پسر، هرگز به خداوند ﷻ شریک مساز که شرک ظلم بزرگی است». پیامبر اسلام ﷺ با استناد به این قول خداوند به زبان لقمان شرک را بدترین نوع ظلم معرفی نموده است. از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت گردیده که فرمود: وقتی این قول خداوند ﷻ نازل گردید: «آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیالودند، آن‌ها در امان اند و آن‌ها در حقیقت هدایت یافته اند» [الانعام: ۸۲] صحابه کرام سنگینی و دشواری این آیت را درک نمودند و به حضور پیامبر ﷺ چنین عرض کردند که ای رسول خداوند متعال: چه کسی از ما بر نفس خود ظلم نکرده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: موضوع چنین نیست که شما گمان نمودید؛ بلکه این ظلم عبارت از شرک است. آیا قول لقمان را به فرزندش نشنیده اید که به وی چنین نصیحت نمود: ﴿لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ

الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

یعنی: به خداوند ﷻ شریک نیاور که همانا شرک ظلم بزرگ است.

نیکی به پدر و مادر

بعد از آنکه خداوند ﷻ اندرز و نصیحت لقمان به پسرش راجع به شرک به خداوند ﷻ را بیان نمود، به اندرز و نصیحت انسان در باره پدر و مادر پرداخته است. توصیه به انسان راجع به والدین این است که به آن‌ها نیکی کند، از آن‌ها اطاعت و فرمانبرداری داشته باشد و حقوق ایشان را ادا نماید؛ به خصوص در باره مادر که در قبال فرزند خود دشواری‌های فراوانی را متحمل گردیده است. به این سبب حقوق بزرگی بالای فرزندش دارد، که وی را با رنج و ناتوانی حمل نموده، و دشواری‌های طاقت فرسایی را در مدت حمل، ولادت، شیر خواره گی و جدا ساختن از شیر و مراحل ما بعد آن متحمل گردیده است.

خداوند متعال به انسان مؤمن دستور داده تا از پروردگارش در مقابل نعمت‌هایی که به وی ارزانی فرموده شکر گزاری کند؛ همچنان به پدر و مادرش نیکو کار و شکر گزار باشد که وی را تربیه نموده اند، و آن‌ها بعد از خداوند ﷻ منبع احسان و رحمت به او بوده اند.

طاعت والدین مقید به طاعت خداوند است

آیه مبارک این درس همچنان حکم نموده که طاعت پدر و مادر مطلق نبوده؛ بلکه به طاعت خداوند ﷻ مقید گردیده است. هرگاه پدر و مادر به معصیت و نا فرمانی خداوند ﷻ امر نمایند، طاعت و فرمانبرداری‌شان ساقط می‌گردد. به این معنا در صورتی که پدر و مادر فرزند خود را به معصیت خداوند ﷻ و ارتکاب شرک به خداوند ﷻ امر کنند و سعی ورزند او را به کفر وادار سازند، در این

صورت بر فرزند است که از آن‌ها اطاعت نکند؛ زیرا طاعت و فرمانبرداری مخلوق در معصیت خدا جواز ندارد.

اما باز هم فرزند مکلف است در زنده‌گانی دنیا با ایشان مصاحبت و همراهی داشته باشد و به ایشان نیکی و احسان نماید؛ همچنان بر فرزند است تا راه حق را در پیش گیرد و با مؤمنان صالح و نیکوکار حرکت نماید، و بداند که بازگشت آفریده‌گان و مردمان در روز قیامت به سوی پروردگار است؛ تا نیکو کار را در مقابل عمل نیکش پاداش نیک بدهد و بدکار را در مقابل عمل زشت و بدش مجازات نماید.

سپس آیات قرآنی اندرز و نصیحت لقمان را ادامه می‌دهد که فرزند خود را از کامل بودن علم خداوند عز وجل خبر داده می‌گوید. که خداوند عز وجل از همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است کوچک یا بزرگ با خبر است؛ همچنان از زبان لقمان به فرزندش اخبار نموده که نیکی و بدی، اگر چه کوچک بوده باشد، خداوند عز وجل از آن آگاه است؛ حتی اگر به اندازه یک دانه «خردل» کوچک و کم وزن، در عمق زمین و یا در دل تاریک صخره‌یی پنهان باشد، و یا در کناره‌های دور دست آسمان‌ها قرار داشته باشد، خداوند متعال به آن آگاهی دارد؛ همچنان احضار آن در روز قیامت غرض محاسبه صاحبش قادر و توانا است.

فعالیت

آیتی از سوره (الإسراء) را که از راه رفتن در زمین با تکبر منع می‌کند، در کتابچه خود بنویسید. و شباهت میان این آیت و آیه هجدهم این سوره را نیز توضیح بدهید.

فواید و آموختنی‌ها

- آیات مبارک این درس شامل این فواید و آموختنی‌ها می‌باشد:
- ❖ پدر باید به تربیت فرزندان خود همت گماشته، و از پند و نصیحت به آن‌ها دریغ نرزد و آن‌ها را با عقیده سالم و عبادت درست بزرگ نماید.
- ❖ شرک به خداوند عز وجل، بزرگ‌ترین و زشت‌ترین انواع ظلم است.
- ❖ احسان و نیکی با والدین از مبانی و اساسات اسلام بوده، بعد از ایمان به خداوند عز وجل و عبادت او تعالی ذکر گردیده است.

- ❖ بر انسان است تا در مقابل کسانی که با او احسان می‌کنند نیکی نماید و از احسان و نیکی آن‌ها سپاس‌گزاری کند. البته در پیشا پیش این کسان والدین قرار دارند.
- ❖ طاعت و فرمان‌برداری والدین به طاعت خداوند ﷻ مقید است؛ زیرا که طاعت و فرمان‌برداری مخلوق در معصیت خداوند ﷻ جواز ندارد.
- ❖ همراهی و همنشینی با والدین و برخورد نیک با ایشان در دنیا واجب است، حتی اگر کافر هم بوده باشند.
- ❖ خداوند ﷻ نیک‌دانا و آگاه‌است، و علم او تعالی شامل همه چیز است.



به سؤالهای زیر جواب بدهید:

- ۱- در روشنایی آیات قرآن کریم، آنچه راجع به لقمان می‌دانید بیان نمایید.
- ۲- چرا خداوند متعال نیکی به والدین را با عبادت خود پیوست ذکر نموده است؟
- ۳- معنای این قول خداوند ﷻ: ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلٰی وَهْنٍ وَفِصْلَهُ فِي عَامَيْنِ﴾ چیست؟
- ۴- طاعت و فرمان‌برداری پدر و مادر چه وقت واجب؟ و در کدام حالت حرام می‌باشد؟ و در حالت حرام بودن طاعت والدین، فرزند چگونه با آن‌ها برخورد نماید؟

نصایح لقمان حکیم به فرزندش (۲)

قال تعالی: ﴿يَبْنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا آصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۷۰﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۱۷۱﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۱۷۲﴾ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَةَ وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿۱۷۳﴾ [لقمان: ۱۷۰-۲۰]

معنای کلمات

عَزْمِ الْأُمُورِ:	امور سترگ و برجسته
وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ:	به قصد تکبر روی خود را مگردان
مَرَحًا:	با تکبر و غرور
مُخْتَالٍ فَخُورٍ:	تکبر کننده خود بین
وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ:	در راه رفتنت جانب اعتدال را بگیر
وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ:	آواز خود را آرام بدار
وَأَسْبَغَ:	کامل ساخت
ظَهْرَةَ وَبَاطِنَةً:	ظاهری محسوس و معنوی غیر محسوس

ترجمه

ای فرزندم، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه (در این کار) به تو می‌رسد صبر نما که این نشانه‌یی از عزم ثابت در امور دنیا است. و هرگز از روی تکبر و خمیازه از مردم رخ متاب و در زمین با غرور و تبختر قدم بر مدار، که خداوند ﷻ هرگز مردم متکبر خود نما را دوست نمی‌دارد. و در رفتار میان میانه روی اختیار کن و سخن آرام گو، که زشت‌ترین صداها صدای خرها است. آیا شما مشاهده نمی‌کنید که خداوند ﷻ موجوداتی را که در آسمان‌ها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان نموده؟ و برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی‌خبری از کتاب روشن در مقابل خدای متعال مجادله می‌کنند.

تفسیر

صبر و استقامت در راه خیر

آیات قبلی نصایح لقمان حکیم به فرزندش را در باره ایمان به خداوند ﷻ و عدم شرک به او تعالی، نیکی به والدین و عدم مخالفت با ایشان در غیر معصیت را بیان نمود. در این آیات قرآن کریم توجیهاً و نصایح لقمان به فرزندش را در باره عبادت خداوند ﷻ، اعمال نیکو و صبر و استقامت در زنده‌گی دنبال نموده، برپا داشتن نماز به این معناست که نماز با خلوص نیت و با مراعات فرایض سنت‌ها، آداب و اوقات آن ادا شود؛ سپس لقمان از فرزند خود طلب نموده که مردم را به نیکی امر نماید و از بدی‌ها و منکرات باز دارد.

چون دعوتگر در راه دعوت خود با اذیت و آزار مواجه می‌شود؛ بنابراین لقمان به فرزندش توصیه نموده که برای انجام مسؤولیت دعوت و امر به معروف و نهی از منکر آماده شود و ضعف و سستی را در خود راه ندهد؛ زیرا که ادای نماز امر به معروف نهی از منکر صبر و شکیبایی در این راه از عزایم اموری است که خداوند متعال به آن دستور داده است.

سپس لقمان حکیم فرزند خود را از غرور و تکبر بر دیگران منع نموده چنین توصیه می‌کند که ای فرزندم! هرگاه دیگران با تو سخن بگویند، روی خود را از آن‌ها بر متاب، و اگر تو با مردم سخن بگویی باز هم روی خود را از ایشان مگردان، فروتنی، تواضع و بشاشت اختیار کن.

همچنان در هنگام راه رفتن از تکبر و تبختر دوری کن؛ زیرا که خداوند ﷻ هیچ انسان متکبری را دوست ندارد؛ بلکه در راه رفتن و سخن گفتن جانب اعتدال و خوبی را بر گزین. راه رفتن خوب و مورد پسند خداوند متعال آن است که با ساده‌گی و فروتنی و میانه روی انجام یابد؛ چنانچه خداوند

متعال می‌فرماید: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...﴾ [الفرقان: ۶۲]

ترجمه: و بنده‌گان خاص خدای رحمن کسانی استند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه می‌روند.

و این بدان معناست که انسان در هنگام راه رفتن با اظهار زهد و فروتنی بیش از حد سست و ناتوان نباشد؛ چنانچه از راه رفتن همراه با خیز زدن و حرکات منافی وقار نیز اجتناب نماید.

آداب سخن گفتن

لقمان حکیم در مقام اندرز و تعلیم به فرزند خود آداب سخن گفتن را به وی می‌آموزاند، و به او توصیه می‌کند که در هنگام سخن گفتن آواز خود را چنان پایین نکند که شنیده نشود؛ همچنان با صدای بلند و دلخراش صحبت نکند؛ زیرا بلند نمودن صدا بیش از حد نیاز شنونده را آزار می‌دهد، و به غرور و خود بزرگ بینی دلالت می‌کند؛ لذا بلند نمودن آواز بدون ضرورت را مذمت نموده و آن را به «آواز خر» تشبیه نموده است. بلند بردن صدا در هنگام صحبت شدت قبح و زشتی را نشان می‌دهد آواز خر در نزد خداوند ﷻ از بدترین صداها است، و خداوند متعال آنرا بد می‌بیند.

ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمودند: «إِذَا سَمِعْتُمْ صِيحَ الدَّبَكَةِ فَسَلُّوا اللَّهَ تَعَالَى مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهَا رَأَتْ مَلَكًا وَإِذَا سَمِعْتُمْ مَبِيقَ الْحِمَارِ فَتَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهَا رَأَتْ شَيْطَانًا»^(۱). ترجمه: هرگاه بانگ خروس را شنیدید، فضل و احسان خداوند ﷻ را مسألت نمایید؛ زیرا خروس فرشته‌یی را می‌دیده باشد، و اگر صدای خر را شنیدید، از شیطان به خداوند ﷻ پناه بخواهید؛ زیرا که خر شیطانی را می‌دیده باشد؛

سپس خداوند متعال انسان‌ها را با نعمت‌های فراوانی که برایشان ارزانی فرموده، منت می‌گذارد، و به ایشان یاد دهانی می‌کند که او تعالی برای شان همه آنچه در آسمان‌هاست؛ مانند آفتاب و مهتاب و ستارگان و همه آنچه در زمین است؛ مانند آب‌ها، اقیانوس‌ها و دریاها، میوه‌ها و محصولات زراعتی را برای انسان‌ها مسخر گردانیده و نعمت‌های محسوس و ظاهری که در جسم‌ها و اموال و ممتلكات خود مشاهده می‌نمایند ارزانی فرموده است؛ چنانچه نعمت‌های معنوی را، مانند اسلام، علم، یقین، رضایت و سعادت و سایر نعمت‌های بی‌پایان خود را بر ایشان بخشیده است.

پس تقاضای این همه نعمت‌ها که انسان در نفس خود، در زمین ماحول خود، در آسمان و بالای سر خود مشاهده می‌کند باید در مقابل آن شکر خداوند ﷻ را بجا آورد، و کفران نرزد. بر اوست که خداوند ﷻ را عبادت کند، و معصیت او نکند؛ اما چه بسا انسان‌ها که در مقابل این همه نعمت‌ها کفران می‌ورزند، و با مؤمنان به ناحق و باطل مجادله می‌کنند و به خداوند ﷻ شریک می‌سازند؛ در حالی که دلیل و برهانی ندارند، و از علم و دانش و کتابی که هادی و رهنمای ایشان باشد بدور اند.

فعالیت

نصایح لقمان به فرزندش را که در این درس خواندید، با اختصار بیان نمایید.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و درسها و آموختنی‌های آیات مبارک فوق از این قرار است:

- ❖ مسلمان مسؤولیت دارد تا در برابر برادران مسلمان خود وجیبهٔ امر به معروف و نهی از منکر را با جدیت انجام دهد.
- ❖ صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و ناملایمتهایی که مسلمان به آن روبرو می‌گردد از اخلاق عظیم مسلمان است؛ چنانچه این صفت توشه‌ی بی است که مؤمن را در ادامهٔ مسؤولیت دعوتگری و اصلاح یاری می‌رساند.
- ❖ شخص متکبر خود بزرگبین هم مورد خشم خداوند واقع می‌شود و در میان مردم منفور و ناپسند است.
- ❖ مسلمان باید در برابر برادران مسلمان خود با خوش‌رویی و بشاشت و تبسم برخورد نماید.
- ❖ راه رفتن خوب و مورد پسند خداوند ﷺ همان راه رفتن متوازن و میانه است که از سستی ملال آور و سرعت منافی وقار دور باشد.
- ❖ مسلمان باید از بلند نمودن آواز بیش از حد خود داری کند؛ زیرا که آواز خوب و گوارا همان است که در میان خفت و شدت باشد.
- ❖ خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را برای فرزندان آدم ﷺ مسخر گردانیده، و اولادهٔ آدم را برای عبادت خود آفریده است. نعمت‌های خداوند ﷻ برای انسان‌ها فراوان و بی شمار اند. بر انسان‌ها است تا در مقابل نعمت‌های ظاهری و معنوی خداوند متعال شکر گزار باشند.



به سؤال‌های زیر جواب ارائه کنید:

- ۱- معنای (عزم الامور) چیست؟ و آن چیزهایی که آیهٔ مبارک آن را عزم الامور نامیده کدام‌ها اند؟
- ۲- آیات مبارک این درس چیزهایی را ذکر نموده که لقمان فرزند خود را از آن منع نموده. معنای هر یکی را توضیح بدهید.
- ۳- منظور از راه رفتن با اعتدال و میانه چیست؟ در این مورد به آیهٔ قرآنی دیگری استدلال کنید.
- ۴- معنای این قول خداوند متعال **﴿وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾** چیست؟ صفات صوت و یا آواز مورد قبول خداوند ﷻ کدام است؟
- ۵- چرا آواز خر در نزد خداوند ﷻ زشت و مکروه است؟
- ۶- چهار نعمت ظاهری و چهار نعمت باطنی خداوند ﷻ برای بنده‌گانش را بیان نمایید؟

خود داری از بدگمانی، غیبت و تجسس

قال تعالی: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾ [الحجرات: ١٢-١٣]

معنای کلمات

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ:

به تحقیق بعضی گمان‌ها سبب گناهان بزرگ می‌شوند

وَلَا تَجَسَّسُوا:

و عیب دیگران را جستجو نکنید

بَّعْضُكُمْ وَلَا يَغْتَب بَّعْضًا:

و غیبت یکدیگر را نکنید

خَبِيرٌ:

به همه چیز آگاه است

شُعُوبًا:

جمع (شعب) گروه بزرگی از مردم منسوب به اصل

واحد

لِتَعَارَفُوا:

تا یکدیگر را بشناسید

ترجمه

ای اهل ایمان، از بسیار گمان‌ها و پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی گمان‌ها و پندارها گناه است و نیز هرگز (پوشیده‌گی‌های یکدیگر را) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر نکنید آیا یکتن از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید و از خداوند جل جلاله بترسید که خداوند جل جلاله بسیار توبه پذیر و مهربان است. ای مردم، ما همه شما را نخست از

مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شما را به گروه‌ها و قبیله‌های گوناگونی تقسیم نمودیم. همانا بهترین شما در نزد خداوند ﷻ با تقوا ترین شماست، قطعا خداوند ﷻ دانا و آگاه است.

تفسیر

برابری میان بشر

آیت‌ها مبارک این درس شامل توجیهات تعلیمات اخلاقی و اجتماعی است که جامعه را از ضعف و دشمنی باز می‌دارد. در این آیت‌ها خداوند متعال قاعده مساوات و برابری اصل بشریت را تثبیت و تأکید نموده، معیار برتری و فضیلت را تنها تقوی و عمل نیک قرار داده است.

خداوند ﷻ مؤمنان را مخاطب قرار داده، آن‌ها را از بسیاری گمان‌ها که در دل‌های‌شان خطوط می‌کند بر حذر می‌دارد. آیات مبارک بیان می‌دارد که بسیاری این گمان‌ها نسبت به کسانی که ظاهر شان به خیر و نیکی و امانت دلالت دارد باطل و نادرست بوده از وسوسه‌های شیطان می‌باشد که انسان را به گناه و معصیت می‌کشاند.

اما بدکاران و فاسقانی که به صورت علنی به فسق و فجور می‌پردازند، گمان بد و نفرت و انزجار نسبت به آن‌ها جواز دارد تا اینکه از نزدیکی به آن‌ها و پیروی سلوک‌شان اجتناب صورت گیرد. مانند کسانی که در محضر عام با زنان بد کاره صحبت و همراهی داشته و یا به صورت علنی شراب و مخدرات می‌نوشند و به معصیت می‌پردازند.

خودداری از بدگمانی

ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر آیه فوق چنین فرموده است: «نَهَى اللهُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَظُنَّ بِالْمُؤْمِنِ شَرًّا»^(۱) خداوند مؤمن را منع نموده که بر مؤمن دیگر گمان بد داشته باشد.

ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَنَافَسُوا، وَلَا تَنَافَسُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»^(۲) ترجمه: از گمان (بد) پرهیزید، زیرا گمان (بد) دروغ‌ترین سخن است. تجسس نکنید، عیب دیگران را پیگیری نکنید، به بدی رقابت نکنید، حسد نورزید، کینه توزی نکنید، از یکدیگر نفرت و دوری اختیار نکنید، و چون برادران همه بنده‌گان خداوند ﷻ باشید.

(۱) تفسیر الطبري.

(۲) السنن الصغرى، ج ۳، ص ۳۰۷

زشتی غیبت و تجسس

آیت‌های مبارک قرآن ما را از تجسس که منجر به افشای اسرار و کشف عورت‌های دیگران گردد منع نموده است؛ همچنان از غیبت منع نموده است. غیبت عبارت از بیان نمودن و یاد آوری چیزی است در مورد برادر مسلمان خود که آن را بد می‌بیند. آیه مبارک زشتی غیبت را چنان تعبیر و تصویر نموده که گویا غیبت کننده گوشت برادر مرده خود را می‌خورد. و این چیزی است که نفس انسانی نفرت دارد و از آن دوری می‌کند.

از ابو برزّه اسلمی رضی الله عنه روایت گردیده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله خطابه‌یی ایراد نموده فرمود: (ای گروهی که به زبان ایمان آورده اید؛ ولی ایمان به دل‌های شما داخل نگردیده، عورت‌های مسلمانان را جستجو نکنید، یقیناً هر کسی که عورت‌های مسلمانان را جستجو کند خداوند او را در داخل خانه اش رسوا خواهد ساخت).

برتری بر اساس تقوی

آیه دومی انسان‌ها را مخاطب قرار داده این حقیقت را تثبیت می‌کند که خداوند جل جلاله آن‌ها را از یک مرد و زن آفریده است، و اصل همه انسان‌ها یکی است، و همه برابر اند. خداوند جل جلاله از یک مرد و زن ملت‌ها و گروه‌ها و قبایل مختلفی آفریده تا میان یکدیگر معرفت و شناخت پیدا کنند، نه اینکه بعضی بر بعضی دیگر بزرگی نمایند، و یا جنگ و درگیری داشته باشند؛ سپس خداوند متعال تأکید نموده که بهترین مخلوقات، با تقواترین‌شان می‌باشند؛ آیه مبارک به این قول خداوند متعال خاتمه یافته که: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ او تعالی نسبت به بنده‌گان و مخلوقات خود داناست و به احوال و چگونگی زندگی‌شان نیک آگاه می‌باشد.

در این باره احادیث صحیح زیادی روایت گردیده است. از آن جمله حدیثی را حذیفه رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «همه شما فرزندان آدم علیه السلام، استید، و آدم علیه السلام از خاک آفریده شده است. باید هر قوم و یا گروه از افتخار به اصل و نسب، خود داری کند، در غیر آن در پیشگاه خداوند متعال از «جعلان»^۱ هم پایین تر خواهند بود.

همچنان طبرانی رحمه الله علیه روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله در موسم حج در منی در روزهای تشریق در حالی که بر بالای اشری سوار بود خطابه نموده فرمود: «ای مردم، آگاه باشید که پروردگار شما یکی است، و پدر شما یکی است. آگاه باشید که هیچ‌گونه فضیلت و برتری یی عربی را بر عجمی و

۱. (جعلان) به کسر جیم عبارت از حشره کوچکی است که در میان سرگین حیوانات زنده گی می‌کند و غذای آن پارو ویا نجاست حیوانات است، و هرگاه خوشبویی به او برسد می‌میرد!

یا عجمی را بر عربی، سیاه را بر سرخ و یا سرخ را بر سیاه نیست مگر به تقوا؛ آیا برای تان رساندم؟ همه گفتند: بلی، پیامبر ﷺ فرمود: پس حاضران به غایبان برسانند».

بر اساس این آیه کریمه و دیگر نصوص قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ﷺ هرگونه تعصبات قومی، نژادی، منطوقی، سمتی، زبانی و غیره حرام بوده و مسلمانان مکلف اند تا به حیث یک اصل و وجیبه شرعی باتعصبات جاهلی در تمام اشکال آن مبارزه نموده جلو این مرض خانمان سوز اجتماعی را سد نمایند.

انسان‌ها بر اساس حدیث ثابت پیامبر اکرم ﷺ مانند (دندانه های شانه) باهم برابر اند و هرکسی که به طرف تعصبات قومی زبانی و نژادی و سمتی و غیره مردم را دعوت کند در حقیقت مرتکب (عمل جاهلی) یعنی غیر اسلامی شده است؛ زیرا تعصب بنا بر قول رسول اکرم ﷺ از خصلت‌های (جاهلیت) قبل از اسلام بوده و در حدیث شریف (چیز گندیده و بد بو) خوانده شده است.

بنابر آنچه گفته شد مسلمان باید متوجه باشد که ارتکاب تعصب جاهلی و دعوت به طرف آن با ایمان و شریعت اسلامی در تضاد است. مؤمن حقیقی خودش را همیشه از واقع شدن در گنداب عصبیت‌ها و آنچه سبب اختلاف و تفرقه میان افراد جامعه اسلامی شده وصف وحدت مسلمانان را برهم می‌زند دور نگه می‌دارد.

فواید و آموختنی‌ها

فواید و آموختنی‌های این درس را به طور ذیل خلاصه می‌نماییم:

❖ خداوند ﷻ غیبت را حرام قرار داده، غیبت کننده و غیبت شونده را چنان تمثیل نموده که گویا غیبت کننده گوشت غیبت شونده را در حالی می‌خورد که او مرده است.

❖ خودداری از گمان بد؛ زیرا گمان بد، کار نا روایی است که منجر به گناه بزرگ می‌گردد و اعتماد در میان مردم را نابود کرده اسباب بدبینی و گاه دشمنی می‌شود.

❖ انسان‌ها همه برابر اند، و همه از یک اصل به وجود آمده اند، بهترین شان در نزد خداوند ﷻ با تقواترین شان است.

❖ بر اساس آیت کریمه، هدف از تنوع در خلقت اقوام و زبان‌ها و غیره تعارف و شناخت یکدیگر به معنای وسیع و همه جانبه آن می‌باشد نه تفاخر و برتری جویی بر دیگران. تعارف و شناخت منجر به تفاهم و همدیگر فهمی میان انسان‌ها شده و تفاهم باعث تعاون و همکاری می‌شود. اگر به صورت دقیق و علمی به اصل قرآنی (تعارف) متوجه شویم می‌بینیم که همین تعارف و شناخت و دو گام بعدی ناشی از آن؛ یعنی تفاهم و تعاون اساس تشکیل خانواده‌ها، مؤسسه‌ها و نهادهای، و حتی تمدن‌های بشری می‌باشد.

- ❖ تعصبات جاهلی در هر شکل و نوع از نظر اسلام حرام و مردود است.
- ❖ حفاظت وحدت و یک‌پارچه‌گی میان مسلمانان و مبارزه با عوامل اختلاف و تفرقه یک اصل و وجیبه شرعی و ایمانی می‌باشد.
- ❖ گوش گرفتن به سخنان محرمانه دیگران، خواندن نامه‌ها و مراسلات شخصی افراد، گوش نهادن به مکالمات تلفونی مردم، کوشش به خاطر کشف اسرار مسایل خصوصی و خانواده‌گی دیگران و سایر مثال‌هایی ازین قبیل حکم تجسس را داشته و شرعیت اسلام حرام می‌باشد.



به سوالات زیر جواب بگویید:

- ۱- غیبت مسلمان به چه چیزی تشبیه گردیده است؟
- ۲- اساس و معیار برتری در میان انسان‌ها چیست؟
- ۳- چرا از گمان زدن ممانعت صورت گرفته است؟
- ۴- علت تقسیم شدن انسان‌ها به قبیله‌ها و فرقه‌های گوناگون چیست؟
- ۵- آیا رنگ، پوست، نژاد یا زبان می‌تواند معیار برتری میان انسان‌ها باشد؟ و اگر کسی چنین کند چه حکمی در حقش می‌توان داشت؟
- ۶- پیامبر اسلام ﷺ در موسم حج راجع به اصل برابری انسان‌ها چه فرمودند؟



در روشنی آیات قرآنی و احادیث نبوی پیرامون موضوع: اسلام و تعصبات جاهلی مقاله‌ی بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

آداب داخل شدن به خانه ها

قال تعالی: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٢٩﴾﴾ [النور: ٢٧-٢٩]

معنای کلمات

تَسْتَأْنِسُوا: طلب اذن نمایید، اجازه بگیرید

أَزْكَىٰ: گوارا تر، خوبتر

جُنَاحٌ: گناه

مَتَعٌ لَّكُمْ: منفعت است برای شما

ترجمه

ای مؤمنان، هرگز به هیچ خانه‌یی، مگر خانه‌های خودتان، تا اینکه با صاحبش انس پیدا نکنید و اجازه نگیرید داخل نشوید. و به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این کار برای شما بهتر است، باشد که شما متذکر شوید. و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یابید و چون به شما گفته شود برگردید، به زودی باز گردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است، خداوند عز و جل به هر چه می‌کنید داناست. باکی بر شما نیست که به خانه غیر مسکونی که در آن متاعی دارید (بدون اجازه) داخل شوید، (بدانید که) خداوند عز و جل به همه کار آشکار و پنهان شما آگاه است.

محرمیت مسکن و یا خانه

در این آیات قرآنی آداب اجازه خواستن و داخل شدن به خانه‌ها بیان گردیده تا عورت‌ها اسرار خانه‌های مسلمانان حفظ گردد. آیه مبارک در ابتدا مؤمنان را به همان صفت ایمان که بیانگر التزام و طاعت و فرمانبرداری از تعلیمات اسلام است مخاطب قرار داده ارشاد می‌فرماید که غیر از خانه‌های خودتان، به خانه‌هایی که کسان دیگری در آن زنده‌گی می‌کنند داخل نشوید تا آن وقت که صاحب خانه به شما اجازه بدهد و به داخل شدن شما راضی گردد و شما به اهل آن خانه سلام بدهید؛ زیرا که در طلب اذن و سلام دادن شما به ساکنان خانه‌ها برای شما خیر و خوبی نهفته است، و این اوامر و ارشادات برای شماست تا به موجب آن عمل نمایید و همیشه آن را به یاد داشته باشید.

هرگاه در چنین خانه‌هایی کسی را نیافتید تا به شما اجازه داخل شدن بدهد، باز هم داخل نشوید تا آنکه صاحب خانه به شما اجازه داخل شدن را بدهد؛ زیرا که خانه‌های رهایشی دارای حرمت و مصوونیت اند، و برای سکونت، راحت و اطمینان ساکنین آن تهیه شده اند که بایست حرمت و مصوونیت آن رعایت گردد. در صورتی که صاحب خانه از شما بخواهد که بر گردید، باید بدون درنگ بر گردید و اصرار به داخل شدن نکنید؛ زیرا این باز گشت برای شما پاکتر و بهتر است. و بدانید که خداوند متعال که به همه پوشیده‌گی‌ها آگاه است، به اعمال شما داناست؛ پس به احکام و اوامر خداوند ﷻ عمل نمایید تا کامیابی و رضای او تعالی را کمایی کنید.

آداب وارد شدن به خانه‌های غیر مسکونی

سپس قرآن‌کریم به ذکر احکام و آداب داخل شدن به اماکن و خانه‌هایی می‌پردازد که محل زنده‌گی و رهایش خانواده‌گی خصوصی نبوده؛ بلکه برای استفاده محتاجان تهیه گردیده اند؛ مانند هتل‌ها، محلات تجارتی و دیگر اماکن عمومی که آداب و شرایط داخل شدن به آن آسانتر و نسبت به خانه‌های مسکونی در درجه دوم قرار می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید که داخل شدن به چنین محلات و اماکن غرض استفاده مشروع و مصلحت انسان‌ها بدون اجازه جواز دارد؛ چون به صورت عموم اینچنین خانه‌ها و اماکن برای ورود عموم مردم باز می‌باشند.

اما باز هم در ختم آیت تنبیه می‌گردد که این داخل شدن و استفاده از چنین اماکن مطابق ضرورت و منفعت و مصلحت‌های مشروع و مباح باید صورت گیرد و خداوند ﷻ به نیت‌ها و مقاصد ظاهر و پنهان شما نیک آگاه است که آیا برای منفعت و مصلحت مشروع داخل این خانه‌ها و اماکن می‌شوید، و یا برای خبر چینی و جستجوی اسرار و دیگر مقاصد زشت و نا جایز وارد چنین خانه‌هایی

می‌گردید؟! ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ ترجمه: و خداوند متعال به آنچه ظاهر

می‌سازید، و آنچه پنهان می‌دارید، نیک آگاه است.

پاره یی از آداب ورود به خانه‌ها

➤ سه بار طلب اذن و یا اجازه خواستن به ترتیبی که میان هر بار، فاصله زمانی مناسب در نظر گرفته شود؛ تا اینکه یک شخص از حالت مشغولیت و حاجت خود فارغ گردد.

➤ زدن در و یا فشار دادن زنگ دروازه و امثال آن به مثابه طلب اذن است که نباید بیشتر از سه بار تکرار شود، و نباید طلب اذن با فشار دوامدار زنگ و یا کوبیدن دروازه موجب اذیت و ناراحتی باشنده‌گان خانه گردد.

➤ هرگاه نام شخص داخل شونده پرسیده شود، با گفتن کلمه (من هستم) اکتفا نکند؛ بلکه نام کامل خود را بگوید تا اهل خانه وی را بشناسند.

➤ شخص داخل شونده رو به روی دروازه قرار نگیرد؛ تا هنگام باز شدن دروازه چشمش به چیزهایی نیفتد که اهل خانه دیدن آن را توسط دیگران دوست ندارند؛ زیرا یکی از حکمت‌های اساسی اجازه خواستن جلوگیری از مشاهدات چشم است. در حدیثی پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا جُعِلَ الْاِسْتِذَانُ مِنْ أَجْلِ الْبَصَرِ»^(۱) ترجمه: طلب اذن به منظور چشم و دیدن مقرر گردیده است.

➤ طلب اذن حتی برای داخل شدن شخص به خانه خودش ضروری است؛ زیرا شاید در خانه مهمانان و یا دیدار کننده‌گان دیگری وجود داشته باشند و یا اینکه اهل خانواده در حالتی باشند که دوست ندارند کسی آن‌ها را در آن حالت مشاهده نماید.

➤ داخل شونده به اماکن عمومی، هتل‌ها و امثال آن باید به باشنده‌گان و یا اشخاص موجود سلام بدهد؛ زیرا در چنین اماکنی طلب اذن ساقط گردیده؛ اما سلام دادن ساقط نمی‌شود؛ بلکه سلام دادن واجب است.

➤ مراعات و التزام به گفتن (السلام علیکم ورحمة الله و برکاته) به اعتبار اینکه شعار اسلام است و در همه اوقات مناسب و ضروری بوده، به محبت سلامتی و دوستی دلالت می‌کند.

فعالیت

شاگردان با یکدیگر در باره برخی سلوک‌ها و برخوردهای نادرست در مورد طلب اجازه و یا وارد شدن به خانه‌ها، و راه‌های علاج آن بحث و گفتگو نمایند.

فواید و آموختنی‌ها

آیات مبارک این درس به پاره‌یی از فواید و آموختنی‌ها ارشاد می‌کند که برخی آن از این قرار است:

❖ وجوب طلب اذن و یا اجازه خواستن برای هر شخصی که غیر از خانه خودش، به خانه رهایشی دیگری وارد می‌گردد.

❖ التزام و پابندی به آداب اجازه خواستن؛ زیرا مراعات این آداب دلیل اخلاق عالی و ادب بزرگ می‌باشد.

❖ هرگاه اهل خانه‌یی از استقبال نمودن شما در خانه خویش معذرت بخواهند، نباید متأثر و یا آزرده شوید؛ زیرا انسان‌ها شرایط و احوال خاصی دارند، و خانه‌ها دارای اسرار و حرمت خاص خود هستند که باید مراعات گردد.

❖ طلب اذن و یا اجازه خواستن برای ورود به اماکن عمومی؛ مانند محلات تجارتي، هتل‌ها، رستوران‌ها و امثال آن ضروری نمی‌باشد.



به سوالات زیر جواب بگویید:

۱- نخستین آیت درس دو امر و یا انجام دو کار را از وارد شونده به خانه غیر خانه خودش مطالبه نموده این دو امر را توضیح بدهید.

۲- هرگاه شخص وارد شونده از طرف صاحب خانه پذیرفته نشود، و یا از داخل شدن او معذرت بخواهد، چه باید کرد؟ راجع به آنچه می‌گویید دلیل بیاورید.

۳- طلب اذن و یا اجازه خواستن به خانه چه وقت ساقط می‌گردد؟ دلیل ارائه نمایید.

۴- داخل شدن به اماکن عمومی به طلب اذن ضرورت ندارد، اما چیز دیگری که از انسان وارد شونده به اماکن عمومی ساقط نمی‌شود چیست؟

۵- سه مورد از آداب طلب اذن را توضیح بدهید؟

۶- کلمه و یا جمله‌یی که در هنگام سلام دادن به دیگران باید رعایت شود چیست؟ چرا این کلمه نسبت به غیر آن بر تری دارد؟



یک مقاله راجع به آداب دیدار از خانه اقارب تان بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

حرمت شراب نوشی و قمار بازی

قال تعالی: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ
وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ
الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾

[المائدة: ٩٠-٩١]

معنای کلمات

الْمَيْسِرُ: قمار

الْأَنْصَابُ: بتان (سنگهایی که مشرکان پرستش می نمودند)

الْأَزْلَمُ: فال بینی (تیرهایی که مشرکان توسط آن بخت آزمایی می کردند)

رِجْسٌ: پلیدی و نا پاکی

فَاجْتَنِبُوهُ: از آن خود داری نمائید

ترجمه

ای اهل ایمان، شراب، قمار، بت پرستی و تیرهای فال، همه اینها پلید و از عمل شیطان است، از آن (به صورت قطعی) دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خداوند عز و جل و نماز باز دارد؛ پس شما آیا از آن دست بر می دارید؟

تفسیر

شراب و قمار در ردیف بت پرستی

در این آیات خداوند متعال مؤمنان را از اضرار و عواقب زشت و ناگوار چیزهای حرام بر حذر ساخته و به اجتناب و دوری از آن امر نموده است.

در مورد سبب نزول آیت شماره نود، در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت گردیده که گفته است: این آیات قرآن کریم در باره من نازل گردیده. وی گفت: من به نزد گروهی از انصار رفتم، آن‌ها مرا به صرف طعام دعوت نمودند. در آن وقت شراب حرام نگردیده بود، من در باغی بر آن‌ها وارد گردیدم که گوشت‌های کباب شده و کوزه شراب در آنجا گذاشته شده بود. سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می‌فرماید: من با ایشان طعام و شراب تناول کردم، در این وقت از مهاجرین و انصار سخن به میان آمد و من گفتم: مهاجرین از انصار بهتر اند. یکی از انصار با استخوان اشتر بر رویم زد و بینی ام را زخمی کرد. من به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدم، ما جرا را به او گفتم و این آیت نازل گردید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ ۖ﴾

خداوند متعال در این آیات مؤمنان را از چندین چیز منع کرده است: از نوشیدن خمر یا شراب که عقل را می‌پوشاند و آن را از تفکیر سالم باز می‌دارد، از بازی قمار که از طریق آن پول و اموال به اساس بخت ویا تصادف و بدون سعی و کوشش به دست می‌آید، و فوایدی را برای انسان‌ها بار نمی‌آورد؛ همچنان خداوند متعال از بت‌ها و سنگ‌هایی منع نموده که مشرکان دوران جاهلیت آن را به دور کعبه نصب کرده بودند و به نام آن‌ها و در پای آن‌ها قربانی می‌نمودند و به دین وسیله به خدا تقرب می‌جستند، به همین منوال خداوند صلی الله علیه و آله از آن تیرهایی منع نموده که مشرکان توسط آن‌ها غیب‌گویی می‌کردند، و قرآن کریم همه این امور را خباثت و پلیدی خوانده که نفس‌های سلیم از آن نفرت و دوری می‌جویند؛ زیرا همه این امور از اعمال شیطان اند که دشمن انسان است؛ بنا برآن خداوند متعال مؤمنان را به اجتناب و خود داری از این چیزها دستور داده تا در زنده‌گی دنیا کامیاب شوند و در آخرت به نعمت‌های خداوند صلی الله علیه و آله دست یابند.

دلایل حرمت خمر و قمار

بعد از آنکه آیات قرآنی چیزهای متعددی را حرام و ممنوع قرار داده، در آیه بعدی باز شراب و قمار را خاص گردانیده و بر حرمت آن تأکید نموده و اسباب و دلایل این حرمت را بیان داشته است. آیه مبارک، مؤمنان را از عواقب شراب و قمار بر حذر ساخته تأکید فرموده که شیطان با زیبا نشان دادن منکرات می‌خواهد در میان شما دشمنی و بدبینی ایجاد نماید؛ روابط دوستی میان شما را قطع نموده و در اثر نوشیدن شراب و بازی قمار در نفس‌های شما عقده‌ها و کدورت‌ها را زنده سازد؛ زیرا

وقتی شراب بر عقل نوشنده آن غلبه کند، سلامت عقلی و آگاهی انسان را مختل ساخته و او را وادار می‌سازد در مقابل کسانی که نسبت به او نیکی نموده اند بدی برساند و یا به اقارب و نزدیکان خود تجاوز نماید، که این امر سبب ایجاد عداوت و دشمنی‌های شدید در میان مردم می‌گردد. همچنان قمار باز بسا اوقات مال و دارایی خود را در میدان قمار از دست می‌دهد؛ و چون نفس انسانی به مال و دارایی رغبت و محبت دارد؛ پس قمار باز با از دست دادن آن در مقابل کسی که مال و دارایی اش را از وی سلب نموده به دشمنی می‌پردازد و نسبت به وی کینه می‌گیرد که گاهی به قتل او اقدام می‌کند تا عقده و کینه خود را نسبت به کسی که دارایی اش را از وی گرفته و سبب فقر و درمانده گی او گردیده فارغ بسازد، و به این ترتیب آتش دشمنی‌ها، بدی‌ها و فتنه‌ها به اثر شراب و قمار در میان جامعه مشتعل می‌گردد.

ضررهای دینی و معنوی شراب و قمار

چیزهایی که در بالا ذکر گردید اضرار و مفاسد مادی و دنیایی شراب و قمار بود؛ اما در پهلوی آن شیطان سعی می‌کند با این مفاسد و پلیدی‌ها مردمان را از ذکر خداوند ﷻ و از نماز باز دارد، و آن‌ها را از نزدیکی به خداوند ﷻ دور نگهدارد؛ زیرا شراب نوش با نشئه کاذب و زوال سلامت عقلی از طاعت خداوند ﷻ و ادای فرایض و مسؤولیت‌های دینی دور می‌شود؛ همچنان شخص قمار باز با کسب مال و دارایی از این راه پلید و حرام، به سبب ضعف و کمبود عاطفه سالم روحی و دینی دیگر به فکر انجام وجایب و مسؤولیت‌های دینی نمی‌گردد و به این ترتیب از عبادت خداوند ﷻ و تقرب به او تعالی دور می‌شود.

عواقب و اضرار صحتی و اقتصادی شراب و قمار

باید دانست که نوشیدن شراب از نظر صحتی برای انسان اضرار و عواقب بسیار خطرناک دارد و سبب بروز امراض خطرناکی در جسم انسان می‌شود همچنان امراض قلب و جگر برخی این بیماری‌های ناشی از شراب نوشی است.

قمار اضرار اقتصادی زیادی را برای فرد، خانواده و جامعه به بار می‌آورد و در بسا موارد سبب ایجاد مشکلات و حتی بحران اقتصادی می‌شود؛ چون قمار اساس اقتصادی درست ندارد که به رشد اقتصاد فرد و جامعه و فعالیت و دوران مثبت پول کمک کند؛ بنابر آن یک کار نادرست و مضر به شمار می‌رود. اسلام به حیث دین فطرت و نظام الهی برای زنده گی انسان همه چیزهای را که با فطرت سالم انسانی در تضاد باشد حرام قرار داده است. شراب و قمار از جمله همین چیزهای مضر و مخالف با فطرت انسانی به شمار می‌روند که اسلام آن‌ها را ممنوع و حرام ساخته است.

فواید و آموختنی‌ها

پاره‌یی از فواید و درس‌های به دست آمده از آیات مبارک از این قرار است:

- ❖ حرام بودن شراب، قمار، بت‌های نصب شده، تیرها و دانه‌ها و دیگر چیزهای که غرض به دست آوردن مال و دارایی به صورت نا مشروع استفاده می‌شود.
- ❖ شیطان راه‌ها و روش‌های زیادی برای گمراه نمودن انسان دارد؛ بنابراین انسان عاقل باید از رفتن در این راه‌ها و افتادن به چنگال شیطان اجتناب ورزد.



به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید.

- ۱- کلمات و مفردات زیر را معنا کنید.
(المیسر، الأنصاب، الأزلام، رجس).
- ۲- از آیات قرآنی راجع به موارد زیر دلیل ذکر نمایید.
 - ❖ حرمت شراب
 - ❖ حرمت قمار
 - ❖ شیطان در کمین است تا به مؤمنان ضرر برساند.
- ۳- ضررهای مادی و معنوی شراب نوشی را توضیح بدهید.
- ۴- «قمار باز به خود و جامعه ضرر می‌رساند» این مقوله را تشریح کنید.



یک مقاله در بارهٔ ضررها و مفساد (شراب و قمار) بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد. در این مورد به آیات قرآنی و احادیث نبوی استدلال نموده به اضرار صحتی و اقتصادی شراب و قمار توجه داشته باشید.

امر به عدل و احسان

قال تعالی: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ
اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ
عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾ [النحل: ٩٠-٩١]

معنای کلمات

انصاف، قرار دادن چیزی در جای خودش

الْعَدْلُ:

انجام دادن کاری به شکل درست

الْإِحْسَانُ:

گناهان زشت

الْفَحْشَاءُ:

آنچه شریعت بد دانسته است

الْمُنْكَرُ:

ظلم

الْبَغْيُ:

عهدها و پیمانها را نشکنید

لَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ:

ترجمه

همانا خداوند ﷻ فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بخشش و عطا به خویشاوندان دستور می‌دهد و از کردار زشت، منکر و ستم باز می‌دارد و به شما پند می‌دهد، باشد که پند پذیر شوید؛ و چون با خداوند ﷻ عهدی بستید به عهد خود وفا کنید و هرگز سوگند و پیمانی را که مؤکد و استوار کردید نشکنید. چرا که خداوند ﷻ را بر خود ناظر و گواه گرفته‌اید، همانا خداوند ﷻ به هر چه می‌کنید آگاه است.

تفسیر

جامع ترین آیت در بارهٔ امر به معروف و نهی از منکر

خداوند متعال به مسلمانان دستور می‌دهد و می‌فرماید: ای مسلمانان! خداوند متعال شما را امر می‌کند تا در همه معاملاتتان با عدل و انصاف عمل نمایید، همچنان شما را به احسان امر می‌کند که کارها و ماموریت‌های خود را به دقت انجام دهید.

خداوند ﷻ شما را امر می‌کند که صلۀ رحم را با اقارب و خویشاوندان نگهدارید و حقوق‌شان را بپردازید و به آن‌ها نیکی کنید و به محتاجان‌شان یاری رسانید. با آنکه صلۀ رحم در ضمن احسان داخل است؛ اما ذکر نمودن آن به شکل مستقل اهمیت صلۀ رحم و توجه نسبت به آن را نشان می‌دهد.

این آیات به مسلمانان خطاب می‌کند که خداوند ﷻ شما را از فحشا که عبارت از اقوال و افعال قبیح و گناهان زشت و ناپسند می‌باشند منع می‌کند؛ چنانچه شما را از منکرات که همان قول و عمل منافی شریعت است باز می‌دارد؛ همچنان خداوند متعال شما را از ظلم و ستم بر دیگران و تلف نمودن حقوق‌شان منع و بر حذر می‌سازد.

سپس قرآن کریم می‌فرماید: **﴿بِعِظْمِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾** ترجمه: این همه برای آن است خداوند ﷻ شما را پند می‌دهد تا پند و عبرت بگیرید؛ یعنی خداوند ﷻ شما را به اموری آگاه می‌سازد که زنده‌گی شما را نیک بگرداند و برای شما منفعت برساند تا شما فضل و احسان خداوند ﷻ را به یاد آرید. روایت شده که ابن مسعود رضی الله عنه در بارهٔ این آیهٔ مبارک چنین فرموده است: «این آیت جامع ترین آیت در بارهٔ امر به نیکی و نهی از بدی می‌باشد.»

فعالیت

شاگردان تحت رهنمایی استاد در بارهٔ مفهوم احسان و فواید آن از نظر قرآن بحث و گفتگو نمایند.

وفاداری به عهد و پیمان

خداوند متعال، در لا به لای این آیت‌ها مسلمانان را به حفظ و نگهداری عهد و پیمان امر می‌نماید. عهد به معنای میثاق و پیمان است. و عهد خداوند ﷻ آن است که از انسان‌ها گرفته است تا به عبادت و طاعت او تعالی متعهد و ملتزم باشند انسان این عهد و پیمان را در هر رکعت نماز با خداوند ﷻ می‌بندد و می‌گوید: **﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾** یعنی: پروردگارا! ما تنها تو را می‌پرستیم.

در این آیت، همه آنچه باید به آن وفا شود، داخل می‌گردد؛ مانند احکام اسلام، وعده‌ها و التزامات با خداوند متعال با انسان‌ها و یا با نفس خود. و به این ترتیب جامع بودن این لفظ قرآنی ثابت و روشن می‌گردد. خداوند از همه پیامبران و پیروان‌شان عهد و پیمان گرفته تا او را عبادت و پیروی نمایند.

نسبت عهد به خداوند ﷻ در این آیت برای تأکید عهد و پیمان و بزرگی اهمیت آن می‌باشد؛ پس هرگاه انسان عهد و پیمانی را بر خود لازم بگرداند، باید به آن وفا نماید.

﴿وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا﴾ ترجمه: قسم‌های خود را که به نام خداوند ﷻ

می‌بندید نقض نکنید؛ زیرا که نقض و شکستادن قسم‌های تأکید شده، بدترین عهد شکنی به شمار

می‌رود. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ ترجمه: همانا خداوند ﷻ به عهد و پیمان و نقض آن که

با حيله‌ها و تأویلات و توجیهاات خود ساخته شما صورت می‌گیرد آگاه است، و شما را مطابق آنچه می‌کنید و مستحق آن هستید پاداش و کیفر خواهد داد.

فواید و آموختنی‌ها

از آیات مبارک فوق فواید ذیل را می‌توان آموخت:

- ❖ وجوب عدل و احسان و ادای حقوق اقارب و رشته داران؛
- ❖ حرام بودن هر عمل قبیح که شریعت و عقل آن را زشت و ناپسند بدانند؛
- ❖ حرمت ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران؛
- ❖ وجوب وفا داری و التزام به عهد، پیمان و قسم؛
- ❖ زنده نمودن احساس اینکه خداوند ﷻ مراقب تمام اعمال ما می‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بدهید:

۱- آیه شماره نود در این درس به سه چیز امر نموده، و از سه چیز منع فرموده است. اوامر و نواهی

موجود در درس گذشته را توضیح بدهید؟

۲- ابن مسعود رضی الله عنه در باره این آیت چه فرموده است؟

۳- مراد از عهد در آیه مبارک چیست؟ و منسوب بودن عهد به خداوند متعال چه فایده دارد؟

۴- واژه‌های ذیل را توضیح دهید: «الإحسان»، «الفحشاء»، «الأیمان».



شاگردان یک مقاله ده سطر را راجع به وفاداری به عهد و پیمان بنویسند.

حقوق والدین

قال تعالی: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أُمَّا يَبْلُغَنَّ
عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أْفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا
قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمَهُمَا
كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ
كَانَ لِلَّهِ أَوْبَيْنَ ﴿٢٥﴾﴾ [الإسراء: ٢٣-٢٥]

معنای کلمات

قَضَى: امر نموده، حکم داده است

أْفٍ: آواز و یا تعبیری که برای سرزنش به کار رود

لَا تَنْهَرُهُمَا: آن ها را از خود مرانید

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ: خود را برای خدمت آن ها با فروتنی آماده بگردان

لِلَّهِ أَوْبَيْنَ: رجوع کننده گان به سوی خداوند

ترجمه

و خدای تو دستور داده است که جز او را نپرستید و در باره پدر و مادر نیکویی کنید؛ چنانکه یکی از آن ها، یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند هرگز کلمه‌یی که رنجیده خاطر شوند به آنان مگو، بر آن ها فریاد مکش، آن ها را از خود مران، با ایشان به اکرام و احترام سخن بگو؛ همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو که: پروردگارا! چنانکه پدر و مادر، مرا از کودکی بپروردند، تو در حق آن ها رحمت و مهربانی فرما. پروردگار شما به آنچه در دل های شماست داناتر است، اگر باشید شایسته پس هر آینه او تعالی رجوع کننده گان را آمرزنده است.

تفسیر

آیات مبارک فوق در بر گیرنده مجموعه ای از دستورات و نصایح است که با امر به طاعت و فرمانبرداری الله تعالی و احسان و نیکی به پدر و مادر و چگونه گی برخورد با ایشان آغاز یافته است.

دستور به پرستش خداوند

خداوند ﷻ در این آیات بنده گان خود را تنها به عبادت خودش امر نموده است. امر خداوند ﷻ به کلمه (قَضَى) وارد گردیده که تأکید زیاد را نشان می دهد؛ یعنی خداوند ﷻ با قاطعیت امر نموده که جز او را عبادت نکنید؛ زیرا که او تعالی خالق و آفریننده همه است، و تنها او مستحق عبادت است و بس.

دستور به نیکی با والدین

پس از آنکه خداوند ﷻ به پرستش خویش دستور می دهد، در کنار آن، احسان و نیکی به والدین را عطف نموده تا اهمیت نیکی با والدین و بزرگی مقام و منزلت ایشان را بیان نماید. سپس آیات مبارک به شرح و توضیح جوانب و چگونه گی نیکی و احسان با والدین پرداخته است. از جمله اینکه هرگاه والدین و یا یکی از آن ها به سن کهولت و ضعیفی رسید، در آن وقت کلمه و یا لفظی را در مقابل آنان استعمال نکنید که رنجش خاطر آن ها را فراهم آورد و یا احساس سختی و خسته گی به ایشان دست دهد؛ مانند کلمه «أف»؛ اگر چه آن کلمه ناچیز و سبک بوده باشد؛ ولی همین که در نفس والدین درد و رنجی را ایجاد نماید، از نظر اسلام و قرآن مردود و ناپسند است. آیه مبارک، حالت پیری و کهولت پدر و مادر را خاص گردانیده، در حالی که توجه و خدمت والدین در همه حالات واجب است؛ اما این تخصیص دلالت بر آن دارد که والدین در حالت پیری و ضعیفی، بیشتر از هر وقت دیگر به توجه و خدمت ضرورت دارند؛ سپس خداوند متعال به انسان دستور می دهد که ای انسان! خویشتن را برای خدمت پدر و مادرت با فروتنی و نرم خوئی میسر بگردان، و با مهربانی و تواضع با ایشان رفتار نما.

در این جا تعبیر به پایین نمودن شانه ها و یا جناح، تشبیه زیبایی به حالت پرنده است که وقتی بخواهد جوجه های خود را در آغوش گیرد، بالهایش را برای آن ها پایین می سازد؛ همچنان وقتی که بخواهد از فضا پایین شود، بالهایش را پایین و هموار می کند. پس پایین نمودن جناح و یا بالها کنایه از تعامل نیک، نرمی، تواضع و مهربانی در برابر والدین است.

نه تنها این؛ بلکه خداوند ﷻ امر نموده که انسان در دعای خود برای والدینش چنین بگوید: ای پروردگار من! پدر و مادرم را در سایه رحمت بیکران خود قرار بده، طوری که آنان در هنگام کودکی بر من رحمت و مهربانی داشتند و مرا پرورش دادند.

در این دعا اشاره به این امر است که فرزند به هر اندازه بی که نسبت به والدین خود وفادار و خدمت‌گزار باشد، بازهم نمی‌تواند حق آن‌ها را ادا کند؛ بنا بر آن باید از خداوند ﷻ برای آن‌ها طلب رحمت و خوبی کند.

تشویق به توبه از گناه عقوق والدین

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ

لِلْأُولَآئِينَ عَفُورًا﴾ او تعالی بر نفس‌های مخلوقات خود، و آنچه در ضمائر شان از قبیل نیکی به والدین و یا نافرمانی آن‌ها، وجود دارد، نیک آگاه است؛ پس هر که برای والدینش نیکی و خوبی اراده نماید، و از تقصیر و کوتاهی بی که پیش از آن نسبت به والدین و یا کسان دیگر سر زده است، باز گردد و به درگاه خداوند توبه نماید، خداوند متعال قبول‌کننده توبه کسانی است که رجوع می‌کنند و خداوند ﷻ گناهان‌شان را با فضل و کرم خود خواهد بخشید.

فعالیت

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره حقوق والدین در اسلام گفتگو نمایند؛ سپس یک یک نفر به نمایندگی از گروه خود پیش روی صنف آمده مطالب عمده را در سه دقیقه تشریح نماید.

فواید و آموختنی‌ها

فواید و دانستنی‌های آیات فوق قرار ذیل است:

- ❖ وجوب نیکی به والدین عبارت از: تواضع نسبت به ایشان، توجه و خدمت‌گزاری به والدین، به خصوص در مرحله پیری و محتاج بودن والدین.
- ❖ بلند بودن جایگاه والدین در نزد خداوند متعال، زیرا حکم نیکی و خدمت به والدین بعد از حق خداوند متعال ذکر گردیده است.
- ❖ مراعات سخن گفتن و الفاظی که از فرزند نسبت به والدینش سر می‌زند این است که هیچ کلمه‌یی را بر زبان نیاورد که اشاره به اذیت و رنجش خاطر ایشان داشته باشد، اگرچند بدون قصد هم بوده باشد.
- ❖ دعای رحمت و مغفرت برای والدین در زنده‌گی، و همچنان بعد از مرگ‌شان.
- ❖ توبه و طلب عفو به درگاه خداوند ﷻ از تقصیر و کوتاهی نسبت به والدین و عدم پنهان نمودن چیزی در نفس خود.

سوالها

به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

- ۱- دلالت عطف نمودن امر به نیکی با پدر و مادر به تعقیب عبادت خداوند عزوجلله چیست؟
- ۲- سبب منع و خود داری از گفتن کلمه (اف) در مقابل والدین، و یا یکی از ایشان چیست؟
- ۳- آیه مبارکه به برخی اموری که فرزند برای والدین خود انجام بدهد اشاره نموده است، اینها کدامها اند؟ توضیح بدهید.
- ۴- یک فرزند چه اسلوب و روشی را در صحبت کردن با والدین خود باید به کار برد؟
- ۵- یک فرزند باید در حق والدین خود چگونه دعا نماید؟



در روشنی آیات قرآن کریم و احادیث شریف یک مقاله که از پانزده سطر کم نباشد در باره نیکی به والدین بنویسید.

حقوق خویشاوندان، مسکینان و مسافران

قال تعالی: ﴿وَأَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذِرْ تَبْدِيرًا ۖ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۖ وَإِنَّمَا تَعْرِضَنَّهُمْ عَنْهُمْ أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ۖ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ۖ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ [الإسراء: ۲۶-۳۰]

معنای کلمات

قَوْلًا مَّيْسُورًا:

سخن نرم و شیرین

مَغْلُولَةً:

مقید با زنجیرها، کنایه از بخل است

تَبْسُطُهَا:

باز گذاشتن دست‌ها، کنایه از اسراف است

مَّحْسُورًا:

نادم و پشیمان

ترجمه

حقوق خویشاوندان، فقیران و رهگذران بیچاره را ادا کن و هریک را به حق‌شان برسان و هرگز اسراف روا مدار که اسراف کننده‌گان برادران شیطان‌ها اند. و شیطان در حق پروردگار خویش سخت کفر ورزید؛ چنانچه از ایشان روی گردان شوی تا رحمت و مهربانی پروردگارت را به دست آوری، چیزی که همواره در پی آن هستی، پس آنان (والدین) سخنی نیکو و نرم بگو. و نه دست خود را در گردنت ببند (بخیل مباش)، و نه بسیار باز و گشاده دار، (اسراف مکن) که به نکوهش و درمانده‌گی خواهی نشست. همانا خدای تو هر که را خواهد روزی فراخ دهد و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند، که او به (صلاح کار) بنده‌گان خود کاملاً آگاه و بصیر است.

تفسیر

نیکی به خویشاوندان

در این آیات مبارک خداوند متعال به بنده‌گان خود رهنمایی‌های بیشتری نموده است تا به وسیله آن نفس‌های خود را پاک سازند و اجتماع خود را از هرگونه زشتی و عواقب ناگوار نگهداری نمایند. خداوند متعال در این قول خود: ﴿وَأَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا

تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا﴾ به احسان و نیکی و نگهداری صلۀ رحم و همکاری و مساعدت با اقارب و نزدیکان و محتاجان و تهی‌دستان دستور داده است.

مقدم نمودن اقارب و رشته‌داران بر دیگر مستحقین، در آیه مبارک برای این است که اقارب نسبت به دیگران حق اولویت دارند؛ و احسان و همکاری با ایشان، ادای صلۀ رحم و صدقه می‌باشد.

منع از اسراف

بعد از رعایت حقوق خویشاوندان، خداوند متعال از اسراف و تبذیر منع نموده است. اسراف عبارت از مصرف نمودن مال و دارایی بی مورد و در غیر محل آن است. در این آیت علت ممنوعیت اسراف چنین

بیان گردیده: ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ یعنی

مبذرين و اسراف کننده‌گان در اوصاف زشت‌شان به شیاطین تشبیه گردیده اند؛ زیرا شیاطین در مقابل نعمت‌های خداوند ﷻ شکر گزار نیستند و یک چیز را در غیر محل و موضع مناسب آن می‌گذارند، در زمین فساد می‌کنند و مردمان را گمراه می‌سازند. به همین ترتیب اسراف کننده‌گان در این اوصاف با شیاطین شباهت و هم‌نوايي دارند. البته در این تشبیه اسراف و تبذیر بد و زشت معرفی گردیده و به ترک و دوری از آن ترغیب و تشویق صورت گرفته است؛ زیرا انسان عاقل به هیچ صورت نمی‌خواهد برادر شیطان باشد.

سخن نیکو گفتن با تنگ‌دستان

به تعقیب تشویق توانمندان به احسان و نیکی به خویشاوندان و نیازمندان، آیات قرآنی حالت کسانی را بیان نموده که توان انفاق را ندارند؛ اما از خداوند ﷻ آرزو می‌کنند که برایشان رزق و روزی نصیب فرماید تا از آن صدقه کنند. خداوند ﷻ به آن‌ها ارشاد می‌فرماید، در این صورت از اقارب و محتاجانی که از آن‌ها چیزی می‌خواهند به لطف و مهربانی و سخن نرم و خوب معذرت بخواهند تا با این کار سرور و خوشحالی را به قلب‌های شان داخل سازند: ﴿وَأَمَّا تَعْرِضْنَنَّ عَنْهُمْ أَبْتَغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ

تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا﴾ ترجمه: هرگاه از ارحام و فقیران اعراض کرده و توجه به حقوق‌شان نتوانی کرد، باز گفتار خوش به آنان بگو.

در این آیه مبارک ارشاد و تعلیم است برای مؤمنان مبنی بر اینکه در صورتی که چیزی برای مساعدت به محتاجان نداشته باشند، به بارگاه خداوند ﷻ دعا نمایند تا برایشان روزی و توانمندی نصیب کند، و در آن وقت به انفاق و صدقه بپردازند و از کمک و مساعدت به اقارب و محتاجان و مسافران خود داری نکنند، مگر در صورتی که چیزی برای یاری و مساعدت آن‌ها نداشته باشند؛ و همچنان در برخورد با آن‌ها از سخن پسندیده و خوشحال کننده و برخورد زیبا و دلنشین کار بگیرند.

اعتدال و میانه روی در مصرف

خداوند متعال بعد از ممنوعیت اسراف، بنده‌گان خود را به بهترین راه‌های انفاق رهنمایی نموده می‌فرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا

مَحْسُورًا﴾ ترجمه: نه دست خود را (از روی بخل) به گردنت محکم بسته دار، و نه بسیار باز و گشاده گردان که در هر دو صورت به ندامت و درمانده‌گی رو برو خواهی گشت.

به این معنی که انسان مؤمن باید از اعتدال و میانه روی کار بگیرد؛ بخیل نباشد؛ مانند کسی که دستش با زنجیر به سوی گردنش بسته شده و نمی‌تواند انفاق و صدقه کند؛ همچنان اسراف کننده نباشد؛ چون کسی که دست خود را باز نماید تا هیچ چیزی در دستش باقی نماند؛ پس بخل و اسراف هر دو منجر به آن می‌گردد که صاحب آن از طرف خداوند ﷻ و هم از جانب مردم و با نفس خود مورد ملامتی قرار گیرد؛ پس هر دو صفت (بخل و اسراف) زشت و نا پسند بوده مورد رضایت خداوند نمی‌باشند.

فراخی و تنگی در رزق

سپس خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ

خَيْرًا بَصِيرًا﴾ ترجمه: بدان که پروردگار تو هر که را خواهد روزی فراوان دهد و هر که را خواهد دروازه‌های روزی‌اش را تنگ سازد.

فراوانی و کمبودی رزق برای بنده‌گان امری است که بسته‌گی به اراده خداوند ﷻ و حکمت و کمال علم او تعالی بر بنده‌گانش دارد؛ خداوند ﷻ بر احوال ایشان نیک آگاه و بیناست. او تعالی خوب می‌داند که برای چه کسی رزق فراوان مناسب است و فقر و تنگدستی او را فاسد می‌سازد. همچنان او تعالی خوب می‌داند که برخی بنده‌گانش را تنها فقر و تنگدستی سزاوار است. گاهی فراوانی و تنگدستی امتحان و ابتلا برای بنده‌گان می‌باشد که خداوند ﷻ برایشان انتخاب می‌نماید؛ پس او تعالی به احوال بنده‌گانش نیک آگاه و بیناست.

فعالیت

شاگردان با رهنمایی معلم در باره خوبی‌های کمک و صدقه؛ همچنان در باره نتایج زشت بخل در روشنائی آیات و احادیث نبوی بحث و گفتگو نمایند.

فواید و آموختنی‌ها

برخی از فواید و آموختنی‌های این آیات:

- ❖ واجب بودن اعطای حقوق اقارب و نزدیکان و نگهداری صلۀ رحم در مقابل ایشان؛ همچنان کمک و مساعدت برای محتاجان و مسافران.
- ❖ حرام بودن اسراف و تبذیر، زشت نشان دادن و تنفر از اسراف و تشبیه شخص اسراف کننده به شیاطین.
- ❖ لزوم وعده خوب و سخن نیک و زیبا به جای انفاق و صدقه، برای کسی که توانایی انفاق و صدقه را ندارد.
- ❖ از خداوند ﷻ طلب نمودن آنکه برای بنده توان مالی نصیب فرماید تا در راه خداوند ﷻ انفاق نماید.
- ❖ اعتدال و میانه‌روی در انفاق و صدقه، بدون بخل و اسراف.



به سوالات زیر جواب بگویید.

- ۱- حقوقی که دادن آن برای اقارب، تنگدستان و محتاجان، و مسافران واجب است کدام‌ها اند؟
- ۲- معنای تبذیر چیست؟ و علت نهی از آن را توضیح دهید.
- ۳- کسی که چیزی برای انفاق نمودن به سایل نداشته باشد، چی باید بکند؟
- ۴- از آیات قرآنی برای هر یکی از موارد زیر دلیل بیاورید:
الف) اسراف برای صاحب آن ملامتی و ندامت بار می‌آورد.
ب) قلت رزق و تنگدستی به معنای غضب و خشم خداوند ﷻ بر بنده‌اش نیست.



در کتابچه خود حقوق اقارب و رشته داران، مسکینان، و مسافران را مختصراً درج نمایید.
نتایج قبیح و زیان بار بخل را در کتابچه خود بنویسید.

عدالت و مسؤلیت در معاملات

قال تعالی: ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ۝ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ۝ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۝ ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا﴾ [الإسراء: ۳۵-۳۹]

معنای کلمات

بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ:	با عدل و انصاف، با میزان برابر
تَأْوِيلًا:	عاقبت و فرجام
لَا تَقْفُ:	تعقیب و جستجو مکن
مَرَحًا:	خمیازه کردن از روی فخر و تکبر
مَدْحُورًا:	رانده شده، دور از رحمت خداوند

ترجمه

و هرچه را به پیمان‌ها می‌سنجید پوره و تمام و با ترازوی درست و عادلانه بسنجید، که این کار بهتر بوده و عاقبتش نیکوتر می‌باشد. (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسؤول‌اند. و هرگز در زمین به کبر و ناز مرو و غرور و نخوت مکن، که به قوت خود زمین را نتوانی شکافت و به کوه در بلندی نخواهی رسید. که این قبیل کارها و اندیشه‌های بد گناهِش نزد خداوند ﷻ ناپسند است. این‌ها پاره‌هایی از حکمت است که پروردگارت به تو وحی کرد، و هرگز با خدای یکتا کسی را به خدایی مپرست و گرنه ملامت زده و مردود به دوزخ خواهی افتاد.

دستور به پوره دادن پیمانه

خداوند متعال بنده‌گان مؤمن خود را امر می‌کند که در معاملات و خرید و فروش از عدالت و راستی کار بگیرند و حقوق یکدیگر را ضایع نسازند؛ چنانچه او تعالی فرموده است: ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا

كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ ترجمه: هرگاه به

دیگران چیزی را وزن می‌کردید آن را پوره وزن کنید و با ترازویی وزن نمایید که عادلانه و منصفانه باشد و از پیمانه و یا ترازو کم نکنید؛ زیرا که این امر در دنیا به خیر و صلاح شما بوده و مردم برای تعامل با شما رغبت پیدا می‌کنند؛ همچنان این امر عاقبت نیک در آخرت دارد و اجر و ثواب خداوندی را برای شما بار می‌آورد.

در اینجا امر به پوره دادن، در پیمانه و یا وزن ترازو، در صورت فروش، برای آن است که حالت کم کردن است، برخلاف خرید؛ که حالت گرفتن است و انسان برای منفعت خود حریص بوده و نمی‌خواهد حقش کم شود.

دنبال نکردن مجهولات

خداوند ﷻ به انسان امر می‌کند: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ

وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ ترجمه: هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان

نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسؤول اند.

پس انسان باید در حد علم خود قرار بگیرد، و در مورد چیزی که نمی‌داند، و یا در مورد آنچه ندیده و یا نشنیده است، سخن نگوید؛ زیرا که انسان از گفتن و شنیدن سخن بیهوده و دروغ و غیبت مورد محاسبه و سؤال قرار می‌گیرد؛ چنانچه از دیدن منکرات و عورت‌ها نیز مورد محاسبه و مؤاخذه قرار

خواهد گرفت؛ همچنان اعضا و اندام‌های انسان از قبیل گوش، چشم، قلب و غیر آن، مورد سؤال و مؤاخذه قرار خواهند گرفت و همه این اندام‌ها در روز آخرت به سخن آمده به نفع و یا به ضرر انسان شهادت می‌دهند.

پس بر انسان لازم است که بر حذر باشد، و تقلید کورکورانه نکند و در مورد آنچه انجام می‌دهد از خداوند عز و جل بترسد و بدون علم و آگاهی کامل حکم نکند و راجع به آنچه نمی‌داند پیش داوری نکند.

اجتناب از تکبر و خود بزرگ بینی

آنگاه خداوند متعال انسان را برحذر می‌سازد که از خود بزرگ بینی و تکبر خود داری ورزد، و می

فرماید: ﴿وَلَا تَمَسَّ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾ ای

انسان! با فخر و تکبر و خوشحالی بیش از حد در زمین حرکت مکن، و با قوت و جاه و مال و منصب خود احساس برتری و بلندی نداشته باش. ای انسان! چگونه در زمین تکبر می‌ورزی، در حالی که نمی‌توانی با قدم‌هایت در آن رخنه ایجاد نمایی؟ چگونه بر مردم تکبر می‌کنی، در حالی که با همه خود بزرگ بینی و بلند پروازی‌ات نمی‌توانی به بلندی کوه‌ها برسی؟ تو مخلوق ضعیف و ناتوانی بیش نیستی، و برای سزاوار نیست که تکبر نمایی، پس در رفتار خود و در برخورد با دیگران تواضع

و فروتنی پیشه کن و می‌فرماید: ﴿كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا﴾ ترجمه: همه این

افعالی که خداوند عز و جل از آن منع فرموده، در نزد او تعالی زشت و ناپسند است، پس باید از آن دوری نمایی تا رضای خداوند عز و جل را کسب کنی.

﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَلْقَىٰ فِي

جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا﴾ ترجمه: اینها برخی از حکمت‌هایی اند که پروردگارت بر تو وحی کرد، و

هرگز با خدای یگانه کسی را به خدایی مگیر و گرنه ملامت زده به دوزخ انداخته خواهی شد. معنای عام این آیت‌های قرآنی آن است که خدای متعال در خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: چیزهایی

که شما را بدان امر نموده‌ایم و یا از آن منع کرده‌ایم از کلام محکم خداوند ﷻ به شمار می‌رود، پس به کسانی که از تو پیروی می‌نمایند دستور بده تا به آنچه تشویق شده اند عمل نمایند و از آنچه منع شده اند اجتناب ورزند.

خداوند متعال از شرک به او تعالی منع نموده بیان داشته که جزای کسی که با خداوند ﷻ چیز دیگری را شریک می‌سازد آن است که رانده شده و ملامت زده از نفس خود و از جانب دیگران در جهنم انداخته می‌شود، و از رحمت خداوند متعال دور می‌گردد.

فواید و آموختنی‌ها

فواید و آموختنی‌های این درس به شرح ذیل است:

❖ در التزام و عمل به اوامر خداوند متعال در دنیا منفعت‌های زیادی نهفته است؛ همچنان در نزد خداوند ﷻ اجر بزرگی نصیب انسان می‌گردد.

❖ پوره نمودن پیمان‌ه (عدالت در ترازو) واجب است و بایستی در وزن و ترازو عدالت و انصاف را مراعات نمود و از کم کردن در آن خود داری ورزید.

❖ سخن گفتن و حکم نمودن بدون آگاهی و اطمینان در دین مقدس اسلام از منکرات است؛ بایست از هر گونه قول و عمل بدون علم اجتناب ورزید.

❖ تکبر و غرور و خمیازه در هنگام راه رفتن حرام است.



به سؤالات زیر پاسخ بگویید:

- ۱- فایده پوره نمودن پیمان‌ه و عدالت در ترازو در دنیا و آخرت چیست؟
- ۲- چرا قرآن از قول و عمل بدون علم و دنبال کردن بدون آگاهی منع نموده است؟
- ۳- اعضا و اندام انسان در روز قیامت از چه چیزهایی پرسیده می‌شوند؟ و چگونه جواب می‌گویند؟
- ۴- سبب یاد دهانی انسان متکبر به آن که زمین را نمی‌تواند بشگاف، و یا به بلندی کوه‌ها نمی‌رسد، چیست؟



سوره (المطففين) کیفیت کم کردن در مقدار و ترازو را بیان نموده است. آیات مربوط به موضوع درس در سوره متذکره را در این مورد تلاوت نمایید. و آن را در کتابچه خود درج کنید؟

**و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله و أصحابه أجمعین، و آخر دعوانا
أن الحمد لله رب العالمین**